تفسیر نماز

محسن قرائتی

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر نماز

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر نماز

مشخصات کتاب

سرشناسه:قرائتی، محسن، - ۱۳۲۴

عنوان و نام پدیدآور:تفسیر نماز/ محسن قرائتی.

مشخصات نشر:تهران: مرکز فرهنگی درسهائی از قرآن، ۱۳۸۰.

مشخصات ظاهری:ص ۱۶۰

شابک:۴۵۰۰ریال ۹۶۴۵۶۵۲۱۰۳ : ؛ ۵۰۰۰ ریال(چاپ هفتم)

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:چاپ دوم: پائیز ۱۳۸۱.

یادداشت:چاپ هفتم: ۱۳۸۴.

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع:نماز

رده بندی کنگره:BP۱۸۶/ق ۴ت ۷ ۱۳۸۰

رده بندی دیویی:۲۹۷/۳۵۳

شماره کتابشناسی ملی:م ۷۹-۲۴۰۰۴

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

۱– پیشگفتار

تفسیر نماز » پیشگفتار

اَلحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ وَ صَلَّی اللّهُ عَلی سَیِّدنا و نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ وَ لَعَنَهُ اللّهِ عَلی اَعدائِهِم اَجمَعینَ

خوشحالم که آغاز سال هزار و سیصد و هفتاد و چهار را در کنار مرقد مطهّر امام رضاعلیه السلام بوده و نوشتن این جزوه که یادداشت هایش را از قبل تهیه کرده بودم، پس از تحویل سال نو شروع کردم.

بدنبال تلاش هایی که پس از انقلاب اسلامی در جهت اقامه نماز در سطح مدارس، دانشگاه ها، پادگان ها و دیگر مکان های عمومی صورت گرفت، اینجانب نیز پس از تألیف کتاب های پرتوی از اسرار نماز، همراه با نماز و یکصد و چهارده نکته درباره نماز، تصمیم گرفتم جزوه ای در مورد تفسیر اذکار نماز از تکبیر و حمد و سوره و رکوع و سجود و تشهد و سلام بنویسم تا آنچه را که در این ارتباط با خدا می گوییم، بهتر

بفهمیم و عبادتی آگاهانه و از روی معرفت داشته باشیم.

قبل از ورود در بحث، نگاهی گذرا به «عبادت و عبودیّت» که روح نماز و همه تکالیف عبادی است داریم تا جایگاه رفیع آن را در زندگی خود بهتر دریابیم.

ص: ۱۰

۲- عبادت چیست؟

تفسیر نماز » عبادت چیست؟

عبادت، هدف آفرینش ماست. قرآن می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»(۱)

کارهایی را که انجام می دهیم، اگر برای رضای خدا باشد، عبادت است؛ گرچه مانند کسب و کار، تحصیل علم، ازدواج و یا خدمت به مردم، برای رفع نیازهای خود یا جامعه باشد.

آنچه یک امر را عبادت می کند، آنست که به انگیزه ای مقدس انجام شود و به تعبیر قرآن رنگ خدایی «صبغه اللّه»(۲) داشته باشد.

۳- فطرت و عبادت

تفسیر نماز » فطرت و عبادت

بعضی کارهای ما بر اساس عادت است و برخی بر پایه فطرت؛ آنچه عادت است هم می تواند با ارزش باشد، مثل عادت به ورزش و هم می تواند بی ارزش باشد، مانند عادت به سیگار. اما اگر امری فطری شد، یعنی بر اساس فطرت و سرشتِ پاکی که خداوند در نهاد هر بشری قرار داده انجام شد، همواره با ارزش است.

۱- ۱) سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲- ۲) سوره بقره، آیه ۱۳۸.

امتیاز فطرت بر عادت آنست که زمان و مکان، جنس و نژاد، سنّ و سال در آن تأثیری ندارد و هر انسانی از آن جهت که انسان است آن را دارا می باشد؛ مانند علاقه به فرزند که اختصاص به نسل و عصر خاصّی ندارد و هر انسانی فرزندش را دوست می دارد.(۱) اما مسائلی مانند شکل و فرم لباس یا غذا، از باب عادت است و در زمان ها و مکان های مختلف، متفاوت است. در بعضی مناطق، چیزی مرسوم است که در جاهای دیگر رسم نیست.

عبادت و پرستش نیز یکی از امور فطری است و لذا قدیمی ترین، زیباترین و محکم ترین آثار ساختمانیِ بشر، مربوط به معبدها، مسجدها، بتکده ها و آتشکده هاست.

البتّه در شکل و نوع پرستش ها تفاوت های زیادی دیده می شود. یکی تفاوت در معبودها که از پرستشِ سنگ و چوب و بت ها گرفته تا خدای عزیز، و یکی در شکل و شیوه عبادت که از رقص و پایکوبی گرفته تا عمیق ترین و لطیف ترین مناجات های اولیای خدا تغییر می کند.

هدف انبیا نیز ایجاد روح پرستش در انسان نبوده، بلکه اصلاح

---

۱ - ۳) سؤال: اگر علاقه به فرزند فطری است، پس چرا در بعضی از زمان ها مثل دوران جاهلیت دختر را زنده به گور می کردند؟ پاسخ: مسائل فطری متعدد است، همانطور که علاقه به فرزند فطری است علاقه به آبرو نیز فطری است. عرب جاهلی، دختر را مایه ننگ خود می دانست چون در جنگ ها اسیر می شد و قدرت تولید و درآمدِ اقتصادی نداشت، لذا بخاطر حفظ آبروی خود دست از دخترش بر می داشت. راه دور نرویم علاقه به مال و جان هر دو فطری است، اما بعضی جان را فدای مال و بعضی مال را فدای جان می کنند. بنابراین فداکردنِ دختر بخاطر حفظ آبرو با فطری بودنش منافاتی ندارد.

پرستش در مورد شخص معبود و شکل عبادت بوده است.

هزینه های سنگینی که در ساختمان کلیساها، کنیسه ها، معابد هندوها و مساجد صرف می شود، مقدس شمردنِ پرچم، وطن و قهرمانان ملّی، ستایش کمالات و ارزشهای افراد و حتی اشیاء، همه و همه جلوه هایی از روح پرستش در وجود آدمی است.

آنها هم که خدا را پرستش نمی کنند، یا مال و مقام یا همسر و فرزند، یا مدرک و مکتب و راه و روش خود را می پرستند و در راه آن تا مرز جانفشانی و دلباختگی پیش می روند و هستی خود را فدای معبودشان می سازند. پرستش در انسان یک ریشه عمیق فطری دارد گرچه انسان خود از آن غافل باشد، به قول مولوی:همچو میل کودکان با مادران...... سِرّ میل خود نداند در لبان

خداوند حکیم هر میل و غریزه ای را در انسان قرار داده، وسیله ارضاء و تأمین آن را نیز در خارج ایجاد کرده است. اگر تشنگی در انسان پیدا می شود، آب آفریده و اگر گرسنگی هست، غذا نیز هست. اگر غریزه جنسی در انسان قرار داده، برای او همسر خلق کرده و اگر قوّه شامّه آفرید، بوئیدنی ها را نیز آفرید.

یکی از احساسات عمیق انسان میل به بی نهایت، عشق به کمال و علاقه به بقاست و رابطه با خداوند و پرستش او، تأمین کننده این تمایلات فطری است. نماز وعبادت، رابطه انسان با سرچشمه کمالات، اُنس با محبوب واقعی وپناهندگی به قدرت بی نهایت است.

ص: ۱۶

۴- ریشه پرستش

تفسیر نماز » ریشه پرستش

کیست که خداوند را با اوصاف و کمالاتِ بی پایانش بشناسد، اما سر تسلیم و خضوع فرو نیاورد؟ قرآن از طریق داستان ها و تاریخها، نشانه هایی از قدرت و عظمت او را برای ما بیان می دارد.

می فرماید: خداوند به مریمِ بی همسر فرزند داد. رود نیل را برای موسی شکافت و فرعون را در آن غرق کرد. انبیا را با دست خالی بر ابرقدرت های زمانِ خود پیروز کرد و بینی طاغوت ها را به خاک مالید.

اوست که شما را از خاکِ بی جان آفرید و مرگ و حیات و عزّت و ذلّتِ شما بدست اوست.

کیست که ضعف و ناتوانی و جهل و محدودیت خود و خطرات و حوادثِ پیش بینی شده و نشده را درک کند، ولی احساس نیاز به قدرت نجات دهنده ای نکند و سر تسلیم خم نکند؟

قرآن در لابلای آیات، ضعف انسان را به او گوشزد می کند و می گوید: تو هنگام تولّد هیچ نمی دانستی و هیچ آگاهی نداشتی، یکپارچه ضعف بودی، چنانکه پس از قدرت هم باز رو به ضعف می روی.

تو هر لحظه مورد تهدید انواع خطرات هستی.

اگر حرکت زمین کُند شود و شب یا روز ثابت بمانند، کیست که حرکت آن را تند کند و تغییر دهد؟

اگر آبها به عمق زمین فرو رود، کیست که برای شما آب گوارا بیاورد؟(۱)

اگر بخواهیم آب آشامیدنی شما را تلخ و شور قرار می دهیم.(۲)

اگر بخواهیم درختان را برای همیشه خشک می گردانیم.(۳)

اگر بخواهیم دائماً زمین را لرزان و متزلزل قرار می دهیم.(۴)

۱- ۴) سوره ملک، آیه ۳۰.

۲- ۵) سوره واقعه، آیه ۷۰ .

۳- ۶) سوره واقعه، آیه ۶۵ .

۴- ۷) سوره سبأ، آیه ۹ .

اینها ودهها نمونه دیگر را قرآن ذکر می کنـد تا انسان را از غفلت به در آورد وغرورش را بشـکند وبه عبادت وتـذلّل در برابر آفریدگار وادارد.

۵- عمق پرستش

تفسیر نماز » عمق پرستش

پرستش، عملی است که ما ظاهراً آن را یک نوع خضوع می بینیم، اما عمق زیادی دارد.

پرسـتش برخاسـته از جان است، برخاسته از معرفت است، برخاسته از توجه است، برخاسته از تقدّس است، برخاسته از ستایش است، برخاسته از نیایش است، برخاسته از التجا و استعانت است، برخاسته از عشق به کمالات معبود است.

آری، پرستش عملی است در ظاهر ساده، ولی تا مسائل فوق نباشد، آن پرستش از انسان سر نمی زند. پرستش یعنی دل کندن از مادیّات و پرواز دادن روح، پا را فراتر از دیدنی ها و شـنیدنی ها نهادن. پرسـتش تأمین کننده عشق انسان هاست که گاهی با ثنا و سـتایش و زمانی با تسبیح و تقدیس و پاره ای اوقات با شکر و اظهار تسلیم، ادب خود را نسبت به پروردگارش اظهار می دارد.

ص: ۱۸

۶- بی تفاوتی نسبت به عبادت

تفسیر نماز » بی تفاوتی نسبت به عبادت

حضرت علی علیه السلام می فرماید: ای انسان! چشمت روشن، اگر با گذشت این همه سال از عُمرت (وبا داشتن این همه استعداد، قابلیت، امکانات، عقل، علم و وحی)، باز هم مثل حیوانی در چراگاهی گامی نهی و خوابی کنی.(۱)

آری، تمدن و تکنولوژی و پیدایش و پیشرفتِ ابزار جدید، زندگی را راحت تر کرده و رفاه و آسایش را به ارمغان آورده است، ولی مگر کمال انسان در کسب همین رفاه مادی است؟

اگر چنین باشد، حیوانات که در خوراک و پوشاک و مسکن و ارضای شهوت از انسان جلوترند!

در خوراک بهتر و بیشتر و راحت تر می خورند و نیازی به پختن و آماده کردن ندارند!

در پوشاک، دوختن و شستن و اطو کردن ندارند!

در شهوت، بدون گرفتاری و مشکلی، خود را ارضاء می کنند.

در تأمین مسکن، چه بسا پرندگان و حشراتی که تکنیک آنها در ساختِ لانه و آشیانه، انسان را به تعجّب وامی دارد.

اصولاً آیا این پیشرفتِ تکنولوژی، موجب رشد انسانیّت هم شده است؟

آیا فسادهای فردی و اجتماعی کم شده است؟

آیا این آسایش، آرامش هم آورده است؟

۱- ۸) قَرَّتْ اذاً عینه اذا اقتَدی بعد السنین المتطاوله بالبهیمه الهامِله و السائمه المرعیّه».نهج البلاغه، نامه ۴۵

به هر حال همانگونه که اگر دستِ انسان را در دستِ رهبران معصوم و عادل نگذاریم، به انسانیّت ظلم شده است، اگر دل انسان هم با خدا گره نخورد به مقام انسانیّت توهین شده است.

۷- مدار عبادت، رضای خدا

تفسیر نماز » مدار عبادت، رضای خدا

همانگونه که کرات آسمانی و زمین در عین حرکت های مختلفِ وضعی و انتقالی، همواره مدار ثابتی دارند، عبادات نیز با همه شکلها و صورت های مختلفشان بر مدار ثابتی قرار دارند که آن رضای خداوند است، گرچه شرائط زمانی و مکانی، فردی و اجتماعی نوعِ حرکت در این مدار را تعیین می کنند.

مثلاً مسافرت، نماز را دو رکعتی می کند و بیماری، شکل نماز را تغییر می دهد، اما نماز دو رکعتی و یا شکسته نیز نماز است و بر مدار یاد خدا و رضای او و انجام فرمان او قرار دارد. «وَأَقِمِ الصَّلَوةَ لِذِكْرِى»(۱)

۸- روحیه عبادت

تفسیر نماز » روحیه عبادت

عبادت، غذای روح است وبهترین غذا آنست که جذب بدن شود، بهترین عبادت نیز آنست که جذب روح شود، یعنی با نشاط وحضور قلب انجام گیرد. غذای زیاد خوردن کارساز نیست، غذای مفید خوردن مهّم است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به جابربن عبداللّه انصاری فرمود: «اِنَّ هذَا الدّینَ

۱- ۹) سوره طه، آیه ۱۴ .

لَمَتینٌ فَاَوْغِلْ فیهِ بِرِفْقٍ وَلا تُبَغِّضُ اِلی نَفْسِک عِبادَهَ اللَّهِ»(۱) همانا دین خدا استوار است، پس نسبت به آن مدارا کن (و زمانی که آمادگی روحی نداری عبادت را بر خود تحمیل نکن) که عبادت در نزد تو مبغوض شود.

در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می خوانیم: «طُوبی لِمَنْ عَشِقَ الْعِبادَهَ وَ عانَقَها»(۲) خوشا به حال کسی که به عبادت عشق ورزد و آن را همچون محبوبی در بر گیرد.

۹- میانه روی در عبادت

تفسیر نماز » میانه روی در عبادت

هنگامی روحیه عبادت وپرستش زنده می ماند که انسان در انجام آن میانه رو باشد، لذا در کتب حدیث، روایاتی با عنوان: «باب الاقتصاد فی العباده»، نقل شده است.(۳)

انسان وقتی سالم است که میان اندامش تناسب باشد و اگر عضوی بزرگتر یا کوچکتر از حدّ معمول باشد، ناقص الخلقه به حساب می آید. در امور معنوی نیز انسان باید ارزشها را بطور هماهنگ در خود پرورش دهد. به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خبر دادند که گروهی از امّت تو بخاطر عبادت، همسر و فرزند را رها کرده و به مسجد آمده اند. پیامبر فریاد برآورد که این راه و روش من نیست، من خودم با همسرم زندگی

می کنم و در منزل ساکنم، هر کس غیر از این عمل کند از من نیست.(۴)

امام صادق علیه السلام داستانِ مسلمانی را نقل می کند که همسایه مسیحی

۱- ۱۰) بحار، ج ۷۱، ص ۲۱۲.
۲- ۱۱) بحار، ج ۷۱، ص ۲۱۲ .
۳- ۱۲) کافی، ج ۲، ص ۸۶.
۴- ۱۳) کافی، ج ۵، ص ۴۹۶.

داشت و مسلمان شد. این مسلمان هنگام سحر او را بیدار کرد و به مسجد آورد و به او گفت: نماز شب بخوان تا صبح شود. هنگام صبح گفت: نماز صبح بجای آور و پس از آن تا طلوع آفتاب دعا بخوان. سپس تا وقت نماز ظهر قرآن بخوان و بدینگونه یک شبانه روز او را با نماز و قرآن و دعا پر کرد.

مسیحی که به خانه بازگشت، دست از اسلام برداشت و دیگر پای به مسجد نگذاشت.(۱) آری اینگونه افراط و زیاده روی در عبادت، مردم را فراری می دهد.

استاد شهید مرتضی مطهری نقل می کند که عمروعاص دو پسر داشت؛ یکی طرفدار حضرت علی علیه السلام شد و دیگری طرفدار معاویه. روزی پیامبر به فرزند خوب عمروعاص (عبداللّه) فرمود: شنیده ام که تو شبها را به عبادت و روزها را به روزه می گذرانی، گفت بله یا رسول اللّه، پیامبر فرمود: من این راه را قبول ندارم.(۲)

در روایات می خوانیم:«اِنَّ لِلْقُلُوبِ اِقْبالاً وَاِدْباراً»(۳) روح انسان، گرایش و فرار دارد. هرگاه رو می کند و گرایش دارد بهره گیری کنید و هرگاه آمادگی ندارد به او فشار نیاورید که ناخودآگاه عکس العمل منفی نشان می دهد.

در سفارشات اسلامی آمده که اوقات خود را چهار قسمت کنید و سهمی را برای تفریح و لذّت بگذارید که اگر اینگونه عمل کردید برای کارهای دیگر نشاط خواهید داشت.(۴)

ص: ۲۲

۱- ۱۴) سیری در سیره نبوی، ص ۲۱۳.

۲- ۱۵) طهارت روح، ص ۱۲۲.

۳- ۱۶) بحار، ج ۷۸، ص ۳۵۷ .

۴- ۱۷) بحار، ج ۱۴، ص ۴۱

قرآن کریم به یهودیانی که در روز استراحت و تعطیل، به سراغ ماهیگیری و کار می رفتند عنوان متجاوز می دهد: «وَ لَقَد عَلِمْنَا الَّذینَ اعْتَدَوْا مِنْکُمْ فِی السَّبْتِ»(۱) ما از متجاوزین روز شنبه (که حریصانه به سراغ کار می رفتند) آگاهیم.

به هر حال حفظ نشاط و روحیه در عبادت، یک اصل است که با میانه روی حاصل می شود.

۱۰- مدیریت در عبادت

تفسیر نماز » مدیریت در عبادت

مدیریت تنها در مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیست، بلکه امور عبادی نیز نیاز به مدیریت دارد. در مدیریت اصولی مطرح است: برنامه ریزی و طرح کار، گزینش نیروی کارآمد، انضباط و نظارت، تشویق و کنترل و امثال اینها. در عبادت نیز باید این اصول رعایت شود تا موجب رشد و کمال شود.

نماز یک طرح معیّن دارد، با تکبیر آغاز می شود و با سلام تمام. تعداد رکعات و رکوع و سجودش مشخّص است. اوقات انجام آن مخصوص، و جهت آن رو به قبله است.

امّا طرح تنها کافی نیست، اقامه و اجرای آن نیز نیاز به گزینشِ امام جماعتی جامع و جامعه نگر دارد. باید مردم را از طریق آداب و اخلاق و نظافت و نشاط به نماز و مسجد ترغیب و تشویق کرد. باید نظم و هماهنگی در صفوف جماعت و تبعیت از امام جماعت مراعات شود و به هر حال مدیریتی کامل را می طلبد تا به بهترین

۱- ۱۸) سوره بقره، آیه ۶۵.

نحو پیاده شود.

۱۱- عبادت، داروخانه شبانه روزی

تفسیر نماز » عبادت، داروخانه شبانه روزی

هر کس در هر لحظه و در هر شرایطی بدون هیچ وقت قبلی و واسطه ای می تواند با خدا ارتباط برقرار کند. هر چند اوقاتی مخصوص از قبیل هنگام سحر، غروب جمعه، پس از خطبه های نماز جمعه، هنگام نزول باران و یا شب قدر، دعا و عبادت حال دیگری دارد، اما دعا و نیایش اختصاصی به این اوقات ندارد.

عبادت در هر حال داروی غفلت و نسیان و عصیان است. «أَقِمِ الصَّلوةَ لِذِکرِی»(۱) مایه آرامش و اطمینان خاطر و زدونِ اضطراب ها و دل نگرانی هاست.«اَلا بِذکرِاللّهِ تَطمَئِنُّ القُلُوب»(۲)

۱۲- عبادت، مایه آرامش

تفسیر نماز » عبادت، مایه آرامش

شما طاغوت های قُلدر و سرمایه داران بزرگ و صاحبان علم و صنعت و تکنولوژی را می شناسید، ولی آیا از آنها آرامش هم سراغ دارید؟

آیا جوامع غربی امروز در آرامش روحی و روانی بسر می برند؟

آیا قدرت و صنعت و ثروت برای بشر امروز، صلح و دوستی و اطمینان خاطر و آرامش به ارمغان آورده است؟

اما عبادت و اطاعت خدا، برای اولیای خدا چنان حالتی بوجود می آورد که در هیچ شرایطی دچار اضطراب نمی گردند. در اینجا

۱- ۱۹) سوره طه، آیه ۱۴ .

۲- ۲۰) سوره رعد، آیه ۲۸ .

مناسب است دو خاطره از رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی قدس سره نقل کنم:

بدنبال فرار شاه از ایران، با آنکه هنوز نوکر بی اختیارش شاپور بختیار حکومت می کرد، امام خمینی تصمیم گرفت بعد از پانزده سال تبعید به کشورش باز گردد. خبرنگار در هواپیما از ایشان سؤال می کند: اکنون چه احساسی دارید؟ می فرماید: هیچ!

در حالی که در آن زمان میلیون ها ایرانیِ عاشق، نگرانِ جان امام بودند، امام با آرامش خاطر در هواپیما مشغول نماز شب و ذکر خدا بودند. این آرامش تنها بخاطر یاد اوست.

خاطره دیگر که از فرزند امام مرحوم حاج سیّد احمد آقا شنیدم آنست که روز فرار شاه از ایران، دهها خبرنگار و عکاس از سراسر دنیا در منزل امام در پاریس اجتماع کرده بودند تا سخنان امام را به دنیا مخابره کنند. امام روی صندلی ایستاد، چند کلمه ای سخن گفت، سپس رو به من کرد و پرسید: احمد، آیا ظهر شده است؟ گفتم بله، امام بدون معطّلی سخن خود را قطع کرد و برای نماز اوّل وقت از صندلی پایین آمد. همه گیج

شدند که چه خبر شده است، گفتم: امام نمازش را اوّل وقت می خواند.

آنچه امام در پاریس انجام داد درسی بود که از پیشوایش امام رضاعلیه السلام آموخته بود. در تاریخ آمده، رهبر گروه صابئین که نامشان در قرآن آمده است، دانشمندی مغرور و متعصّب بود. هر بار که با امام رضاعلیه السلام به گفتگو می نشست زیر بار نمی رفت، تا آنکه در جلسه ای چنان تار و پود افکارش در هم ریخت که گفت: اکنون

قلبم نرم شد و منطق شما را پذیرفتم. در این هنگام صدای اذان بلند شد، امام رضاعلیه

السلام به قصد نماز جلسه را ترک کردند، دوستان امام هر چه اصرار کردند که اگر لحظاتی جلسه را ادامه دهید او و تمام پیروانش مسلمان می شوند، فرمودند: نماز اوّل وقت مهم تر از بحث است، او اگر لایق باشد بعد از نماز هم می تواند حق را بپذیرد. دانشمندِ صابئی که این صلابت و قاطعیت و تعبّد و عشق به حق را در امام دید بیشتر علاقمند شد.(۱)

۱۳- عبادت و دریافت ها

تفسیر نماز » عبادت و دریافت ها

عبادت، وسیله دریافت امدادها و الطاف الهی است.

«وَاعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّی یَأْتِیَکَ الْیَقِینُ»(۲)

آن قدر عبادت کن تا به درجه یقین برسی.

حضرت موسی برای دریافت کتاب آسمانی تورات، چهل شبانه روز در کوه طور به عبادت و مناجات پرداخت و پیامبر گرامی اسلام برای دریافت وحی مدّت های طولانی در غار حرا به عبادت مشغول بود. در روایات آمده است: «مَنْ اَخْلَصَ الْعِبادَه لِلّهِ اَرْبَعینَ صَباحاً ظَهَرتْ یَنابیعُ الْحِکْمهَ مِنْ قَلْبِهِ عَلی لِسانِهِ»(۳) هر کس چهل شبانه روز تمام کارهایش رنگ عبادت و خلوص داشته باشد، خداوند

چشمه های حکمت را از قلبش بر زبانش جاری می سازد.

آری عبادتِ خالصانه، دانشکده ای است که چهل روزه فارغ التحصیلانی حکیم پرورش می دهد که حکمت را از سرچشمه الهی

۱- ۲۱) بحار، ج ۴۹، ص ۱۷۵.

۲- ۲۲) سوره حجر، آیه ۹۹ .

۳- ۲۳) بحار، ج ۵۳، ص ۳۲۶ .

دریافت و به دیگران تحویل می دهند.

۱۴- تأثیر متقابل ایمان و عبادت

تفسیر نماز » تأثیر متقابل ایمان و عبادت

چنانکه ایمان، انسان را به عبادت می کشانـد، عبادت نیز در عمق بخشـیدن به ایمان مؤثر است. همانند ریشه ای که آب و غذا را به برگ هـای درخت می رسانـد و متقابلاًـ برگهـا حرارت و نور را به ریشه منتقل می کننـد. آری هر چه عبادت بهتر وبیشتر شود، اُنس انسان به معبود بیشتر می شود.

۱۵- فلسفه عبادت در قرآن

تفسیر نماز » فلسفه عبادت در قرآن

قرآن فلسفه نماز را یاد خدا می داند؛ «أَقِمِ الصَّلَوةَ لِذِکْرِی »(۱)

و ذکر خدا را مایه آرامش دلها؛ «أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»(۲)

و نتیجه آرامش دل را پرواز به ملکوت. «یَأَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ ارْجِعِی إِلَی رَبِّک»(۳)

قرآن در مواردی دیگر، دلیل عبادت را تشکر از خداوند می داند:

«اُعْبدوُا رَبَّکُمْ الَّذی خَلَقکُم»(۴)

پرستش کنید پروردگارتان را که شما را آفرید.

«فَلْیَعْبُدُواْ رَبَّ هَذَا الْبَیْتِ الَّذِی أَطْعَمَهُم مِّن جُوعٍ وَءَامَنَهُم مِّنْ خَوْفِ»(۵)

پس پروردگار این خانه (کعبه) را پرستش کنند که آنان را از گرسنگی و ناامنی نجات داد.

۱- ۲۴) سوره طه، آیه ۱۴ .

۲- ۲۵) سوره رعد، آیه ۲۸ .

۳- ۲۶) سوره فجر، آیه ۲۸.

۴- ۲۷) سوره نساء، آیه ۱ .

۵- ۲۸) سوره قریش، آیه ۲ .

در بعضی آیات به نقش تربیتی نماز اشاره شده است:

«إِنَّ الصَّلَوةَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنکَرِ»(۱)

همانا نماز انسان را از زشتی ها و مُنکرات باز می دارد.

نمازگزار ناچار است که بخاطر صحّت نماز و یا قبول شدن آن، یک سری دستوراتِ دینی را مراعات کند که رعایت آنها خود زمینه ای قوی برای دوری از گناه و زشتی است. آری کسی که لباس سفید بپوشد، طبیعی است که روی زمینِ آلوده و کثیف نمی نشیند.

قرآن بدنبال سفارش به نماز می فرماید:

«إِنَّ الْحَسَناتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئَات»(۲)

همانا کارهای شایسته، گناهان را از بین می برند.

پس نماز یک توبه عملی از گناهان گذشته است و خداوند با این آیه به گنهکار امید می دهد که اگر به کارهای شایسته همچون نماز و عبادت روی بیاورد بدیهایش محو می شود.

۱۶- نماز در کلام علی علیه السلام

تفسیر نماز » نماز در کلام علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام بارها در نهج البلاغه از نماز و یاد خدا سخن به میان آورده که در کتابی به نام «نماز در نهج البلاغه» گردآوری شده است. ما در اینجا جملاتی را در مورد فلسفه ذکر و یاد خدا که مهمترین مصداقش نماز است از آن حضرت نقل می کنیم:

می فرماید: «اِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الذِّکْرَ جَلاءً لِلْقُلُوبِ تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَالْوَقَره وَ تُبْصِرُ به بَعْدَ العَشوه»(۳) خداوند ذکر و یادش را صیقل روحها قرار داد تا گوشهای سنگین با یاد خدا شنوا و چشم های بسته با یاد او بینا شوند.

۱- ۲۹) سوره عنکبوت، آیه ۴۵ .

۲- ۳۰) سوره هود، آیه ۱۱۴ .

۳- ۳۱) نهج البلاغه، خطبه ۲۲۲.

آنگاه حضرت در مورد برکات نماز می فرماید:

«قَدْ حَفَّتْ بِهِم المَلائِکَه وَ نُزِّلَتْ عَلَیْهِمُ السَّکینَه وَ فُتِحَتْ لَهُم اَبْوابَ السَّماءِ وَ اُعِدَّتْ لَهُم مَقاعِدَ الکِرامات» فرشتگان آنان را در بر می گیرند و آرامش بر آنان نازل می شود، درهای آسمان بر آنان گشوده و جایگاه خوبی برایشان آماده می شود.

در خطبه ای دیگر می فرماید:

«و اِنَّها لَتَحُتُّ الذُّنُوبَ حَتَّ الْوَرَق وَ تُطلِقُها اِطْلاقَ الرَّبَق»(۱) نماز گناهان را مثل برگ درختان می ریزد و گردن انسان را از ریسمان گناه آزاد می کند.

آنگاه در ادامه، تشبیهی جالب از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل می فرماید که: نماز همچون جوی آبی است که انسان روزی پنج مرتبه خود را در آن شستشو دهد، آیا دیگر آلودگی باقی می ماند؟

در خطبه ۱۹۶ گوشه هایی از مفاسد اخلاقی همچون کبر و سرکشی و ظلم را برمی شمرد و سپس می فرماید: درماین این مفاسد نماز و روزه و زکات است. آنگاه در مورد آثار نماز می فرماید:

«تَسْکیناً لِاَطْرافِهِم، تَخْشیعاً لِاَبْصارِهِم، تَذْلیلاً لِنُفُوسِهِمْ، تَخْفیضاً لِقُلُوبِهِم، اِزالَهً لِلْخَیْلاءِ عَنْهُم اِنْ اَوْ حَشَتْهُم الْوَحْشَه آنَسَهُمْ ذِکْرک» نماز به همه وجود انسان آرامش می بخشد، چشمها را خاشع و خاضع می گرداند، نفس سرکش را رام، دلها را نرم و تکبر و بزرگ منشی را محو می کند. به هنگام وحشت و اضطراب و تنهایی، یاد تو موجب انس و الفت آنها

می شود.

البتّه روشن است که همه مردم چنین بهره هایی را از نماز ندارند،

۱- ۳۲) نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹.

بلکه تنها گروهی هستند که شیفته نماز و یاد خدا هستند و آن را با تمام دنیا عوض نمی کنند.

۱۷– آثار و برکات عبودیّت و بندگی

تفسیر نماز » آثار و برکات عبودیّت و بندگی

۱– احساس غرور و افتخار

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات خود می گوید: «اِلهی کَفی بی عِزّاً اَنْ اَکُونَ لَکَ عَبْداً»(۱) همین افتخار مرا بس که بنده تو باشم.

چه افتخاری از این بالاتر که انسان با خالق خود سخن بگوید و او کلام انسان را بشنود و بپذیرد!

در این دنیای ناچیز، اگر مخاطب انسان شخصی بزرگ و دانشمند باشد، انسان به وجود او افتخار و از مصاحبت با او احساس غرور می کند و از اینکه زمانی شاگرد فلان استاد بوده است بر خود می بالد.

۲– احساس قدرت

کودک مادامی که دستش در دست پدری قوی و مهربان است احساسِ قدرت می کند، امّا اگر تنها شود هر لحظه ترس و دلهره دارد که دیگران او را آزار دهند.

انسانی که متّصل به خدا شد، در برابر ابرقدرت ها و طاغوت ها و مستکبرین احساس قدرت می کند.

۳– احساس عزّت

عزّت به معنی نفوذناپذیری است. در مکتب انبیا تمام عزّت ها از

۱– ۳۳) بحار، ج ۷۷، ص ۴۰۲ .

آنِ خـداست، چنانکه همه قـدرت ها از اوست. لـذا قرآن از کسانی که به سـراغ غیر خدا می روند انتقاد می کند که آیا از غیر خدا عزّت می خواهید؟(۱)

طبیعی است که اتصال به عزیزِ مطلق و قـدرت بی نهایت، به انسان عزّت می دهـد. چنانکه کلماتی همچون «اللّه اکبر» طاغوت ها را در نزد انسان حقیر و او را در برابر آنها عزیز می کند.

لذا قرآن به ما دستور می دهد که در سختی ها و مشکلات از نماز و عبادت کسب قدرت و قوّت کنیم:

«وَاسْتَعِینُواْ بِالصَّبْرِ وَالصَّلَو ه»(۲)

اولیای خـدا نیز در مقاطع حسّاس، خود را با نماز تقویت می کردنـد. عصـر روز نهم محرّم در کربلا، لشـگر یزید به خیمه گاه امام حسـین علیه السلام حمله کرد. امام فرمودند: یک شب جنگ را به تأخیر بیندازید که من نماز را دوست دارم و می خواهم امشب را تا صبح به عبادت بپردازم.

بنـدگان صالـح خـدا، نه فقـط نمازهای واجب که نمازهای مسـتحب را دوست می دارنـد. نماز نافله، نشانه عشق به نماز است. نماز واجب را چه بسا انسان از ترس قهر خدا بخواند، ولی در نماز مستحب ترس مطرح نیست، عشق مطرح است.

آری، هر کس که کسـی را دوست دارد، میل دارد بیشتر با او حرف بزند و دل از او نمی کند. چگونه ممکن است انسان ادعا کند خدا را دوست دارد ولی حال حرف زدن با او را ندارد!

البتّه این بی رغبتی به نماز و نافله بی دلیل نیست، بلکه طبق

۱- ۳۴) سوره نساء، آیه ۱۳۹ .

۲- ۳۵) سوره بقره، آیه ۴۵ .

روایات گناه روز توفیق نماز شب و نافله سحر را می گیرد.

به هرحال آنکه نافله نمی خوانـد، فضـلی نـدارد که انتظار تفضّل از خداوند را داشـته باشد. چنانکه کسـی انتظار ظهور مصـلح است که خود صالح باشد.

نمازهای نافله، نقص نمازهای واجب را نیز جبران می کند. شخصـی از امام پرسـید: من در نماز حضور قلب ندارم و از برکاتِ نماز بی بهره ام، چه کنم؟ حضـرت فرمودنـد: بدنبال نمازهای واجب، نماز نافله بخوان که کاستی های آن را جبران می کند و سبب قبولی نماز واجب می گردد.

بخاطر همین آثار و برکات است که اولیای خدا نه تنها به نمازهای واجب، بلکه به نمازهای مسـتحب توجه زیادی داشتند و از آنچه مـانع و مزاحم این سـیر معنـوی و پرواز روحی می گشت، ماننـد پرخـوری، پرحرفی، پرخـوابی، لقمه حرام، لهـو و لعب و سرگرم شدن به دنیا، که انسان را از حال عبادت می اندازد و نماز را بر او سنگین می کند، دوری می کردند. چنانکه قرآن می فرماید:

«وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَشِعِينَ»(۱)

همانا نماز سنگین است مگر برای خاشعان.

۴- عامل تربیت

گرچه نماز یک ارتباط روحی و معنوی است و هدف از آن یاد خداست، اما اسـلام خواسـته این روح را در قالب یک سلسـه برنامه های تربیتی پیاده کند و لذا شرائط زیادی را برای آن قرار داده

۱- ۳۶) سوره بقره، آیه ۴۵ .

است، شرائط صحیح بودنِ نماز، شرائط قبولی و شرائط کمال.

پاک بودن بـدن و لباس، رو به قبله بودن، درست خوانـدن کلمات، مباح بودنِ مکان و لباس نمازگزار از شـرائط صـحّت نماز است که مربوط به جسم نمازگزار است نه روحِ او.

اما اسلام عبادت را در این لباس قرار داده تا به مسلمین درس نظافت و پاکیزگی، استقلال، و مراعات حقوق دیگران بدهد.

چنانکه توجه و حضور قلب، پذیرفتن رهبری امامان معصوم و ادای واجباتِ مالی چون خمس و زکوه، شـرط قبولی نماز است و انجـام آن در اوّل وقت، در مسـجد، به جمـاعت، بـا لباس تمیز و عطر زده، مسواک زده و رعایت نظم صـفوف و امثال آن از شرائط کمال نماز است.

دقت در این شرائط بخوبی می رساند که هر یک از آنها نقش مؤثری در تربیت انسان ها دارد.

در نمـاز به هر سو بایستیم رو به خـداست، زیرا قرآن می فرمایـد: «فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّهِ»(۱) اما بخاطر آنکه بفهماند جامعه اسـلامی باید یک جهت داشـته باشد و درس وحدت و هبسـتگی بدهد، دستور می دهد همه به یک جهت بایستند. اما چرا آن جهت، کعبه باشد؟

زیرا کعبه اولین نقطه ای است که برای عبادت مردم وضع شده است: «إِنَّ أَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذِی بِبَکَّهَ مُبارَکاً»(۲)

و از طرفی بنیانگذار و تعمیرکنندگانِ آن در طول تاریخ، انبیا بوده اند. پس رو به کعبه ایسـتادن یک نوع همبستگیِ مکتبی در طول زمان است.

۱- ۳۷) سوره بقره، آیه ۱۱۵ .

۲- ۳۸) سوره آل عمران، آیه ۹۶ .

از سوی دیگر کعبه رمز استقلال است، زیرا تا وقتی مسلمین رو به بیت المقدس، قبله یهود و نصاری نماز می خواندند، آنها منّت می نهادند و می گفتند: رو به قبله ما ایستاده اید پس از خود استقلالی ندارید.

قرآن با صراحتِ کامل می فرماید:

«لِئَلّا یَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَیکُم حُجَّه»(۱)

ما قبله شما را کعبه قرار دادیم تا مردم بر شما حجّتی نداشته باشند.

خلاصه آنکه قبله رمز استقلال، وحدت و همبستگی است و اینها درسهای تربیتیِ نماز است.

۵ - احضار ارواح!

امروزه بازار هیپنوتیزم و احضار ارواح در دنیا رونق پیدا کرده است، ولی هدف ما آن بحث ها نیست. هدف ما این است که روحِ فراری خود را از طریق نماز نزد خالق احضار و این شاگرد فراری را سر کلاس حاضر کنیم. یکی از برکات نماز احضار نفس سرکش وفراری در محضر خداست.

امام زین العابدین علیه السلام در مناجات الشّاکین، از نَفس خود به درگاه خداوند ناله می کند و می گوید: خداوندا من از نفسی به تو گلایه دارم که میل به هوسها دارد و از حق فراری است.

این نفس است که گناه را در نزد انسان شیرین و آسان جلوه می دهد و اینگونه توجیه می کند که بعداً توبه می کنی و یا دیگران نیز این کارها را کرده اند. نفس مثل کودک بازی گوشی است که اگر پدر از او مراقبت نکند دست خود را از دست پدر بیرون کشیده و به هر

۱- ۳۹) سوره بقره، آیه ۱۵۰ .

سو که بخواهد می رود و هر لحظه خطری او را تهدید می کند.

بهترین راه کنترل این نفسِ سرکش آنست که انسان روزی چند مرتبه آن را در نزد خداوند احضار و غفلت زدائی کند تا از غرق شدن در منجلاب مادیات نجاتش دهد.

۶- ولایت بر هستی!

از برکاتِ نماز و عبادت آن است که انسان بتدریج و گام به گام بر هستی تسلّط پیدا می کند.

گام اوّل: قرآن می فرماید: تقوی برای انسان نورانیت و بصیرت می آورد یعنی به انسان دیدی می دهد که حق را از باطل تشخیص دهد، «إِن تَتَّقُواْ اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَاناً»(۱) و در جای دیگر می فرماید: «يَجْعَل لَّكُمْ نُوراً»(۲) پس تقوی که در رأس آن بندگی خدا و نماز است گامی به سوی نورانی شدن و بصیرت پیدا کردن است.

گام دوّم: کسانی که هدایت الهی را پذیرفتند و در مدار حق قرار گرفتند خداوند هدایت آنها را زیادتر می کند: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُم هُدىً»(۳) پس نور و هدایت آنها متوقف نمی شود، بلکه بخاطر تسلیم و بندگی دائماً در حال قرب و رشد هستند و شعاع وجودیشان بیشتر می شود.

گام سوّم: از آنجا که این افراد در راه خدا تلاش می کنند، خداوند راه های زیادی را برای رسیدن به کمال به آنها نشان می دهد. «وَالَّذِينَ جَهَدُواْ فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُم سُبُلَنَا»(۴)

۱- ۴۰) سوره انفال، آیه ۲۹ .

۲- ۴۱) سوره حدید، آیه ۲۸ .

۳- ۴۲) سوره محمد، آیه ۱۷ .

۴- ۴۳) سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

گـام چهـارم: هرگـاه شـیطان به سـراغ آنهـا برود فوراً متـذکّر شـده و از خداونـد عـذرخواهی می کننـد. «إِذَا مَسَّهُمْ طآئِفٌ مِّنَ الشَّیطَانِ تَذَکَّرُوا»(۱)

گام پنجم: برای خودسازی و دوری از فحشاء و مکر نماز بهترین عامل است. «إِنَّ الصَّلَوهَ تَنْهَی عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنکَرِ»(۲)

بـدنبال این قدمها و گامها، انسان بر نفس خود تسـلّط پیدا می کند، نفس را مهار می کند و گرفتار وسوسه و لغزش نمی شود. بلکه هرگـاه فشـار وسوسه درونی و طـاغوت بیرونی زیـاد شـد، بـاز هم از اهرم نماز و صبر کمک می گیرد: «وَاستَعِینُوا بِالصَّبرِ وَالصَّلَو ه»(۳)

گام شـشم: افراد با تقوی که وجودشان با نور الهی روشن شـده، با هر نماز یک گام به جلو می رونـد، زیرا نماز تکرار نیست، بلکه معراج است. پلّه های یک نردبان همه مثل هم است، اما هر پله یک قدم انسان را رو به بالا می برد. چنانکه کسـی که چاه حفر می کنـد، در ظاهر کاری تکراری می کنـد و همواره کلنگ می زند، اما در واقع با هر کلنگی که می زند به عمق بیشتری می رسد.

رکعات نماز در ظاهر تکراری اند، اما در واقع پلّه های بالا رفتن از نردبان کمال و عمق دادن به معرفت و ایمان اند.

نمـازگزار اجـازه نمی دهـد که عمرش چراگاه شـیطان و لگـدکوب او گردد. امام زین العابـدین علیه السـلام در دعای مکارم الاخلاق از خداوند چنین می خواهد: خداوندا! اگر عمر من چراگاه شیطان است، آن را قطع کن.

ص: ۳۶

۱- ۴۴) سوره اعراف، آیه ۲۰۱ .

۲- ۴۵) سوره عنکبوت، آیه ۴۵ .

۳- ۴۶) سوره بقره، آیه ۴۵ .

نه تنها شیطان که گاهی وهم و خیال، روح انسان را لگدکوب می کند و انسان را غافل از حق و حقیقت می گرداند.

آری پیامبر اکرم در خواب هم بیدار بود و ما در بیداری و حتی در حال نماز هم خوابیم و روحمان دستخوش شیطان و خیال است، به قول مولوی:

گفت پیغمبر که عَیناىَ ینام

لایَنام القلب عن ربّ الاَنام

چشم تو بیدار و دل رفته به خواب

چشم من خفته، دلم در فتح باب

و در جای دیگر می گوید:

گفت پیغمبر که دل، همچون پری است

در بیابانی اسیر صَرصری است

باد، پَر را هر طرف رانَد گزاف

گه چپ و گه راست با صد اختلاف

این نفس اگر مهار نشود هر لحظه انسان را به فساد می کشاند:

«إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارهُ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبّی»(۱)

به همین دلیل قرآن، بهشت را مخصوص کسانی می داند که نه تنها به زبان بلکه در دل نیز اراده برتری طلبی و فساد نداشته باشند.(۲) و برای آنان که نفس خود را از هوسها باز داشته اند، بهشت را مأوی قرار داده است.(۳)

۱- ۴۷) سوره یوسف، آیه ۵۳ .

۲- ۴۸) سوره قصص، آیه ۸۳ .

۳- ۴۹) سوره نازعات، آیه ۴۱.

اولیای خدا بر افکار و اندیشه های خود حاکمند نه محکوم آنها. آنان در اثر بندگی خدا چنان ولایت و سلطه ای بر نفس خویش دارند که اجازه نمی دهند حتّی وسوسه ای بر قلب آنها خطور کند.

من چو مرغ اوجم، اندیشه مگس

کی بود بر من مگس را دسترس

پس از آنکه انسان به نور و شناخت و آگاهی رسید و با نمازهایِ عارفانه و عاشقانه و آگاهانه، نفس را کنترل و روح را در جهت رضای خدا قرار داد و بر نفس خود ولایت و سلطه پیدا کرد، بر هستی نیز سلطه می یابد. دعاهای او مستجاب می شود و کارهای خدائی می کند.

معجزات انبیا همان تصرّف در هستی و تسلّط بر طبیعت است که با اذن الهی انجام می دهند.

اینکه می گویند: «العبودیه جوهره کنهها الرّبوبیه» بندگی خالص، گوهری است که از ربوبیّت سر در می آورد، مراد همین سلطه بر هستی است که از بندگی خدا حاصل می شود.

در حدیث آمده که خداوند می فرماید:

انسان از طریق کارهای مستحب و نافله گام به گام به من نزدیک می شود که تا آنکه محبوب من شود و آنگاه که به این مقام رسید من چشم و گوش و زبان و دست او می شوم و تمام حرکات او خدایی و جهت دار می شود. به جائی می رسد که مانند حضرت ابراهیم می گوید:

«إِنَّ صَلَاتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»(۱)

ص: ۳۸

۱- ۵۰) سوره انعام، آیه ۱۶۲ .

نماز وعبادتم ومرگ وحیاتم همه و همه برای پروردگار جهانیان است. در این حال هرگاه دعا کند مستجاب می کنم واگر سؤالی کند قبول می کنم.(۱)

۱۸- باز هم سیمای نماز

تفسیر نماز » باز هم سیمای نماز

هر چه برای نماز گفته و نوشته شود حق آن ادا نمی شود و چگونه ممکن است عمودِ دین و پرچم اسلام و یادگار ادیان و انبیا و محور قبولِ همه اعمال در چند جمله بیان شود؟

* نماز، برنامه هر صبح و شام است بهنگام صبح اولین کلامِ واجب نماز و بهنگام شام آخرین واجب، نماز است. پس آغاز و انجامِ هر روزت با یاد خدا و برای خدا است.

* نماز در سفر یا وطن، در زمین یا هوا، در فقر یا غنی، رمز آنست که در هر کجا هستی و هر که هستی مطیع او باشی نه غیر او.

* نماز، ایدئولوژی عملی مسلمان است که در آن عقائد و افکار و خواسته ها و الگوهای خود را بیان می کند.

* نماز، استحکام بخشیدن به ارزشها و جلوگیری از فروپاشی شخصیتِ افراد و اعضای جامعه است که اگر مصالح ساختمان سُست باشد ساختمان فرو می ریزد.

* اذانِ نماز، شیپورِ توحید است که سپاه متفرّقِ اسلام را در یک صف و زیر یک پرچم فرا می خواند و آنان را پشتِ سر امامی عادل قرار می دهد.

۱- ۵۱) بحار، ج ۷۰، ص ۲۲ .

* امام جماعت یکی است تا رمز این باشد که امام جامعه نیز باید یکی باشد تا اداره امور متمرکز باشد.

* امام جماعت باید مراعات ضعیف ترین مردم را بکند و این درس است که در تصمیم گیری های جامعه مراعاتِ طبقه محروم را بکنید. پیامبر خدا بهنگام نماز صدای گریه طفلی را شنید نماز را به سرعت تمام کرد تا اگر مادر طفل در نماز شرکت کرده کودکش را آرام کند!(۱)

* اولین فرمان بدنبال آفرینش انسان، فرمان سجده بود که به فرشتگان فرمود: برای آدم سجده کنید.(۲)

* اولین نقطه زمین (مکّه و کعبه) که از زیر آب بیرون آمد و خشکی شد مکان عبادت بود.(۳)

* اولین کار رسول خدا پس از هجرت به مدینه ساختن مسجد بود.

* نماز هم انجام معروف است هم نهی از منکر. هر روز در اذان و اقامه می گوییم «حیّ علی الصلوه حیّ علی الفلاح حیّ علی خیر العمل» که همه امر به بالاترین معروف ها یعنی نماز است.

از سوی دیگر نماز انسان را از فساد و فحشا بازمی دارد: «اِنَّ الصَّلوةَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنكَر»(۴)

* نماز، حرکاتی است برخاسته از آگاهی و شناخت. شناختِ خداوند که به فرمان او و برای او و اُنس با او قیام می کنیم و لذا قرآن ما را از نماز در حال مستی(۵) و کسالت(۶) نهی کرده است تا آنچه را

۱- ۵۲) بحار، ج ۸۸، ص ۴۱ و ۹۳.
۲- ۵۳) سوره بقره، آیه ۳۴.
۳- ۵۴) سوره آل عمران، آیه ۹۶.
۴- ۵۵) سوره عنکبوت، آیه ۴۵.
۵- ۵۶) سوره نساء، آیه ۴۳.
۶- ۵۷) سوره نساء، آیه ۱۴۲.

در نماز می گوییم با توجه و آگاهی باشد.

* نماز، آگاهی بخش است. هر هفته روزهای جمعه نمازجمعه برپا می شود و قبل از نماز دو خطبه خوانده می شود. این دو خطبه بجای دو رکعت از نماز و به عبارتی جزئی از نماز است. خطبه هایی که به فرموده امام رضاعلیه السلام باید مردم را از تمام مسائل جهان آگاه کند.

شنیدن خطبه ها و آنگاه نماز خواندن یعنی آگاه شدن و بعد نمازخواندن.

* نماز خروج از خود و پرواز بسوی خداست و قرآن می فرماید:

«وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ اِلَی اللَّهِ ثُمَّ یُدْرِکْهُ الْمَوْت فَقَدْ وَقَعَ اَجْرُهُ عَلَی اللَّهِ»(۱) هرکس از خانه اش به قصد هجرت بسوی خدا و رسولش خارج شود و سپس مرگ او را دریابد پاداشش بر خداست.

امام خمینی می فرماید: هجرت از خانه دل بسوی خدا، یکی از مصادیق آیه است، هجرت از خودپسندی و خودخواهی و خودبینی به سوی خداپرستی و خداخواهی و خدابینی بزرگ ترین هجرت هاست.(۲)

* نماز به منزله اسم اعظم الهی بلکه خودِ اسم اعظم است.

* در نماز، عزّت ربّ و ذلّت عبد مطرح است که این دو مقام بس عالی است.

* نماز پرچم اسلام است. «عَلَمُ الْاِسْلامِ اَلصَّلوه»(۳)

همانگونه که پرچم نشانه است، نماز نیز نشانه و علامت

۱- ۵۸) سوره نساء، آیه ۱۰۰.

۲- ۵۹) اسرارالصلوه ص ۱۲.

۳- ۶۰) کنزالعمّال، حدیث ۱۸۸۷۰.

مسلمانی است. چنانکه پرچم مورد احترام است و اهانت به آن، اهانت به یک ملّت و کشور است، اهانت و بی توجهی به نماز نیز بی توجهی به کلّ دین است. چنانکه برپابودن پرچم نشانه حیات سیاسی و نظامی و قدرت است. در برپابودن نماز نیز این امور مطرح است.

۱۹- نماز و قرآن

تفسیر نماز » نماز و قرآن

در مواردی قرآن و نماز در کنار هم آمده اند، مانند:

«يَتلُونَ كِتابَ اللَّهِ وَ اَقامُوا الصَّلوةَ»(۱)

قرآن تلاوت می کنند و نماز به پای می دارند.

و یا در جای دیگر می فرماید: «يُمَسِّكوُنَ بِالْكِتابِ وَ اَقامُوا الصّلوه»(۲) به قرآن تمسّک می جویند و نماز به پای می دارند.

گاهی برای نماز و قرآن، یک صفت آورده شده، چنانکه کلمه ذِکر هم به قرآن گفته شده است: «اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنا الذِّكر»(۳) ما ذکر را نازل کردیم. و هم فلسفه نماز شمرده شده است: «اَقِمِ الصَّلوةَ لِذِكْرى»(۴) نماز را بخاطر یاد من به پای دار.

جالب آنکه گاهی بجای کلمه نماز کلمه قرآن آمده است، مانند آیه «اِنَّ قُرآنَ الْفَجْرِ كانَ مَشْهُوداً»(۵) که گفته اند مراد از قرآن الفجر، نماز صبح است.

بگذریم که خواندن قرآن بصورتِ حمد و سوره، یکی از واجباتِ نماز است و بحث نماز در اکثر سوره های قرآن، هم در بزرگ ترین

۱- ۶۱) سوره فاطر، آیه ۲۹.

۲- ۶۲) سوره اعراف، آیه ۱۷۰.

۳- ۶۳) سوره حجر، آیه ۹.

۴- ۶۴) سوره طه، آیه ۱۴.

۵- ۶۵) سوره اسراء، آیه ۷۸.

سوره (بقره) و هم در کوچک ترین سوره ها (کوثر) آمده است.

۲۰- نماز و قصاص!

تفسیر نماز » نماز و قصاص!

نه تنها در اسلام، بلکه در همه ادیان الهی قانون قصاص مطرح است که طبق آن کیفر کسیکه گوش قطع کند آنست که گوشش بریده شود و کیفر کسی که دندان بشکند آنست که دندانش شکسته شود تا عدالت اجرا شود. یکی از موارد قصاص آنست که دست دزد باید قطع شود، ولی فقط چهار انگشت او، و کف دست باقی می ماند. زیرا قرآن می گوید:«وَ اَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ»(۱) محلّ سجده برای خداست.

چون انسان هنگام سجده باید کف دست خود را بر زمین گذارد لذا در کیفر سارق باید به مسأله نماز و سجده توجه داشت و کف دست او را قطع نکرد تا حقّ عبادت حتی برای سارق هم محفوظ بماند!

۲۱- عبادت و ولایت

تفسیر نماز » عبادت و ولایت

عبادت زمانی ارزش دارد که سطحی نباشد، بلکه همراه با شناختِ رهبر آسمانی و ولایت او و همراه با خشوع و آداب مخصوص خود باشد.

حضرت علی علیه السلاّم گرفتار یک عدّه نماز خوانِ خشک مقدس بود که در تاریخ بنام مارقین و خوارج معروفند. کسانی که پیشانی آنها بخاطر سجده های طولانی و مکرّر پینه بسته بود، امّا در برابر

۱- ۶۶) سوره جن، آیه ۱۸.

علی علیه السلام قیام کردند و بر او شمشیر کشیدند. در روایات می خوانیم که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور کنند گروهی از مساجد علیه آن حضرت حرکت خواهند کرد.

گمان نکنید آنها که برای کشتن امام حسین به کربلا آمده بودند همه تارک الصلوه بودند، بلکه نماز جماعت می خواندند! و خود یزید و معاویه پیشنماز بودند!

آری عبادتی که همراه با جهالت باشد، کشتنِ عابدترین مردم را در محرابِ عبادت، بزرگ ترین عبادت می داند و با قصد قربت برای کشتن علی علیه السلام می رود!

نه فقط نماز که سایر عبادات نیز باید همراه با معرفتِ رهبر حق و اطاعت از او باشد، لذا در روایات آمده که خداوند حج را واجب کرد تا مردم دور خانه او جمع شوند و در این مرکز اجتماع با امامان معصوم ارتباط برقرار کنند. اما امروزه میلیون ها نفر گرد کعبه می گردند، و به خاطر نداشتن رهبر آسمانی از هم گسیخته اند و با داشتن مرکز وحدت و اهرمهای اقتصادی از عدّه ای یهودی توسری می خورند!

آری اسلام مجموعه ای است که تجزیه بردار نیست. نماز بدون پذیرفتن ولایت قبول نیست، نماز بدون پرداخت زکوه قبول نیست چنانکه انفاق بدون نماز نیز پذیرفته نیست.

دستورات اسلام مثل اعضای بدن است که هیچیک جای دیگری را نمی گیرد، نه چشم کار گوش را می کند و نه گوش کار دست را. در اسلام نیز خواندن نماز جای زکوه را نمی گیرد، چنانکه هیچیک از

این دو جای جهاد و مبارزه در راه خدا را پر نمی کنند. بلکه مجموعه اینها اسلام است.

۲۲- نماز و رهبری

تفسیر نماز » نماز و رهبری

اگر نماز توسط رهبران الهی اقامه شود بساط ظلم و طاغوت را برهم می زند. نماز عید امام رضاعلیه السلام آنچنان با هیبت و عظمت آغاز شد که حکومت ظالم بر خود لرزید و فهمید که اگر این نماز به پایان برسد حکومتِ بنی عبّاس نیز به پایان خواهد رسید. لذا مأمون دستور داد که امام را از وسط راه بازگرداندند.

دلیل آنکه نمازهای امروز مسلمین اثری ندارد آنست که به قسمتی از قرآن عمل شد و قسمتی فراموش شد. زیرا قرآن می فرماید:

««وَاَقیمُواالصَّلوهَ وآتُوا الزَّکاهَ وَ اَطیعُوا الرَّسُولَ»(۱)

نماز به پای دارید و زکات دهید و از رسول خدا اطاعت کنید.

امّا امروز بعضی نماز می خوانند و زکات نمی دهند و بعضی اهل نماز و زکات هستند، ولی ولایت کفار را پذیرفته اند. به عبارت دیگر ایمان به خدا دارند، اما کفر به طاغوت ندارند و این ایمان ناقص است. در حالی که خداوند می فرماید: «فَمَنْ یَکْفُر بِالطَّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْاسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی»(۲) هرکس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به ریسمان محکم الهی چنگ

زده است.

یعنی هم کفر به طاغوت و هم ایمان به خدا لازم است، در حالی که

۱- ۶۷) سوره نور، آیه ۵۶.

۲- ۶۸) سوره بقره، آیه ۲۵۶.

امروزه مسلمین برائت از کفر و طاغوت ها را فراموش کرده انـد. لذا قرآن در مورد کسانی که به طاغوت مراجعه می کنند می فرماید: آنها خیال می کنند که مؤمن هستند: «اَلَمْ تَرَ اِلیَ الَّذینَ یَزْعُمُونَ اَنَّهُم آمَنُوا»(۱)

۲۳- درجات عبادت

تفسیر نماز » درجات عبادت

اگر از کودک سؤال کنیم پدر و مادرت را برای چه دوست داری؟ می گوید: بخاطر خرید شیرینی و لباس و کفش! امّا اگر از یک جوان سؤال کنید چرا آنها را دوست داری، می گوید: والدین نشانه هویت و شخصیت من و مربّی و دلسوز من هستند.

اگر رشد فرزند بیشتر شود، اُنس با والدین برای او لذّت بخش تر است و دیگر به فکر کفش و کلاه نیست و چه بسا فرزندانی که خدمت به والدین را وسیله قرب و کمال خودشان می دانند و بالاتر از مادیات فکر می کنند.

پرستش و عبادت خدا نیز اینچنین است و هرکس به دلیلی خدا را عبادت می کند. عبادت مراحلی دارد:

گام اوّل: گروهی خدا را بخاطر نعمتهایش عبادت می کنند تا شکر او را بجای آورند. چنانکه قرآن نیز خطاب به عمومِ مردم می فرماید:

«فَلْیَعْبُدُوا رَبَّ هذَا الْبَیْت الَّذی اَطْعَمَهُم مِنْ جوُعٍ وَ آمَنَهُم مِنْ خَوْفٍ»(۲)

پس پروردگار این خانه را پرستش کنند که آنان را از گرسنگی و ناامنی نجات داد.

گام اوّل عبادت که ما نامش را عبادتِ شکر می گذاریم، درست مانند

ص: ۴۶

۱- ۶۹) سوره نساء، آیه ۶۰.

۲- ۷۰) سوره قریش، آیه ۳.

علاقه کودکی است که والدینش را بخاطر خرید کیف و کفش و شیرینی دوست دارد!

گـام دوّم: در این مرحله، انسان به خاطر آثار و برکاتِ عبادت، خـدا را پرسـتش می کنـد و توجه به آثار روحی و معنویِ نماز دارد چنانکه قرآن می فرماید: «اِنَّ الصَّلوهَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنکَر»(۱) همانا نماز انسان را از بدی ها و منکرات بازمی دارد.

این مرحله از عبادت را که ما عبادتِ رشد می نامیم، به مانند علاقه جوانی است که پدر و مادر را بخاطر آنکه معلّم و مربّی او بوده اند و او را از انحرافات و خطرات حفظ کرده اند احترام می کند.

گام سوم: که بالاتر از مراحل قبلی است آنجاست که خداوند به حضرت موسی می فرماید:

«اَقِمِ الصَّلوهَ لِذِکْری»(۲) نماز را بخاطر یاد من بجای آر

حضـرت موسـی که نماز را بخاطر آب و غـذا نمی خوانـد، بخاطر دوری از فحشاء و منکرات هم نمی خواند، زیرا او اصولاً از شکم پرستی و منکرات دور است. او پیامبر اولوالعزم است و نماز را بخاطر اُنس با خـدا و یاد خدا بجای می آورد. برای اولیای خدا اُنس با او بهترین دلیل برای عبادت است.

آری این کودکاننـد که در بالاـی مجلس نزد بزرگـان می نشـینند تـا بهتر پـذیرایی شونـد! امـا افرادی هسـتند که کنار بزرگان نشسـتن را بخاطر استفاده های معنوی انتخاب می کنند و کاری به پذیرایی ندارند، برای آنها همین اُنس با دانشمند یک ارزش است.

ص: ۴۷

۱- ۷۱) سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۲- ۷۲) سوره طه، آیه ۱۴.

گـام چهـارم: این مرحله که بالاـترین و برترین مراحـل عبادت است، عبادت برای شـکر و رشـد و اُنس نیست، بلکه برای قرب است، قرب به خدا.

در قرآن چهار آیه داریم که هرکس آنها را بخواند واجب است سجده کند. در یکی از آنها همین مسأله قرب بواسطه عبادت مطرح شده است. آنجا که می فرماید:

«وَاسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ»(۱) سجده کن و به او قرب پیدا کن.

بهر حال عبادت درجات و مراحلی دارد که بر اساس درجاتِ معرفت و ایمان افراد فرق می کند.

۲۴- سیمای عبادت

تفسیر نماز » سیمای عبادت

* عبادت و بندگی، رسول خدا را به معراج بُرد: «سُبْحانَ الَّذی اَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ اِلیَ الْمَسجِدِ الْاَقصی»(۲)

منزّه است کسی که بنده اش را شبانه از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سیر داد.

* عبادت زمینه نزولِ فرشتگان را فراهم می کند: «نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا»(۳) وحی (را بواسطه فرشتگان) بر بنده مان نازل کردیم.

* عبادت، دعای انسان را مستجاب می کند، زیرا نماز پیمان خداست(۴) و هرکس به پیمان خدا وفا کند خداوند هم به پیمان او وفادار است: «اَوْفُوا بِعَهْدی اوُفِ بِعَهْدِکُم»(۵)

۱- ۷۳) سوره علق، آیه آخر.

۲- ۷۴) سوره اسراء، آیه ۱.

۳- ۷۵) سوره بقره، آیه ۲۳.

۴- ۷۶) ألم أعهَد اِلیکُم یا بَنی آدَم أنْ لا تَعبُدوا الشّیطانَ اِنّه لَکُم عَدوٌّ مُبین . وَ أنِ اعبُدونی هذا صِراطٌ مُستَقیم» سوره یس، آیه ۶۰ - ۶۱.

۵- ۷۷) سوره بقره، آیه ۴۰.

* انسـان بی عبـادت، از سـنگ و جمـاد پست تر است، زیرا قرآن می فرمایـد: «وَ اِنَّ مِنَ الْحِجـارَهِ لَمـا یَهْبِطُ مِنْ خَشْـیَهِ اللَّهِ»(۱) بعضـی از سـنگها از خشیت الهی به زمین سقوط می کنند، اما بعضی انسان ها در برابر سرچشمه و خالق هستی گردن خم نمی کنند.

* عبادت نشانه اراده و شخصیت انسان است. انسانی که در میان غرائز و تمایلات قرار دارد، اگر دل بکنـد و بسوی خـدا برود ارزش دارد وگرنه فرشتگانی که شهوت و غضب ندارند، دائماً در حال عبادت اند.

* عبادت، گمنام ترین انسانِ زمینی را مشهورترین فرد آسمان می کند.

* عبادت، جزیره کوچک انسان را به سرچشمه هستی وصل می کند.

* عبادت، یعنی نگاهی از بالا به تمام هستی.

* عبادت، یعنی شکوفاکردن استعدادهای عرفانی و معنویِ نهفته در وجود انسان.

* عبادت، ارزشـی است که انسان با اراده واختیار خود بدست می آورد بر خلافِ ارزشـهایِ خانوادگی یا استعدادهایِ درونی که اختیاری و اکتسابی نیستند.

* عبادت، تجدید عهد وپیمان با خدا و تازه نگهداشتنِ حیات معنوی است.

* عبادت، مانع گناه و برطرف کننده آثار آنست. ذکر و یاد خداست

۱- ۷۸) سوره بقره، آیه ۷۴.

که جلوی گناه را می گیرد نه علم به گناه بودن.

* عبادت، پرکردنِ ظرفِ روح است با یاد خدا، که اگر با غیر او پُر شود ظلم به گوهر انسانیّت است.

* عبادت، به زمینِ خاکی چنان ارزشی می دهد که ورود به آن زمین بدون طهارت ممکن نباشد، همچون مسجد و کعبه و قدس.

* عبادت و بندگی خدا، خود یک ارزش است، گرچه دعاها و خواسته های ما مستجاب نشود.

* عبادت، هم در شادی مطرح است هم در غم. آنجا که خداوند به پیامبرش کوثر می دهد سفارش به نماز می کند:

«اِنَّا اَعْطَیْناکَ الْکَوْثَر فَصَّلِ لِرَبِّک»(۱)

ما به تو خیر کثیر عطا کردیم، پس برای پروردگارت نماز بجای آر.

و در برخورد با مشکلات و حوادث نیز سفارش به نماز می کند:

«وَاسْتَعینُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلوه»(۲)

۲۵- نمازهای مشکل گشا

تفسیر نماز » نمازهای مشکل گشا

اسلام سفارش می کند هرگاه حاجت یا مشکلی داشتید، با خواندن نمازهایی مخصوص حلّ مشکل خود را از خدا بخواهید، که مناسب است در اینجا یک نمونه از آن نمازها را بیاوریم.

نماز جعفر طیّار

جعفر طیّار برادر حضرت علی علیه السلام است که در هجرت به حبشه توانست با استدلال و رفتار مناسب خود دل نجاشی و عدّه کثیری را

از صبر و نماز کمک بگیرید و استمداد کنید.

۱- ۷۹) سوره کوثر.

۲- ۸۰) سوره بقره، آیه ۴۵.

به اسلام جذب کند و مؤسِّسِ اسلام در قارّه آفریقا شود. او در جنگ موته دو دستش را در راه خدا داد و خداوند بجای آن دو بال در بهشت به او داد و لذا به جعفر طیّار مشهور شد. هنگامی که جعفر از حبشه بازگشت، پیامبرصلی الله علیه وآله به او فرمود: آیا می خواهی هدیه با ارزشی به تو

عطا کنم؟ مردم گمان کردند که حضرت می خواهد طلا یا نقره ای به او بدهد و لذا هجوم آوردند تا هدیه پیامبر را ببینند. اما پیامبر فرمود: نمازی به تو هدیه می کنم که اگر هر روز آنرا انجام دهی، از دنیا و آنچه در دنیاست برای تو بهتر باشد و اگر هر روز یا هر جمعه یا هر ماه یا هر سال بجای آوری، خداوند گناهان بین دو نمازت را (گرچه یکسال باشد) بیامرزد.

این نماز به سندهای معتبر از شیعه و سنّی نقل شده است و نام اِکسیر اعظم و کبریت احمر به خود گرفته است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: هرگاه مشکل یا حاجتی داشتید پس از خواندن نماز جعفر دعا کنید که انشاءاللّه مستجاب می شود. نحوه این نماز در اوایل مفاتیح در اعمال روز جمعه پس از ذکر نمازهای امامان معصوم آمده است.

البتّه این نماز یکی از دهها نماز مستحبی است که برای رفع مشکلات وارد شده است. اخیراً کتابی تحت عنوان نمازهای مستحبی تألیف شده که حدود سیصدوپنجاه نماز مستحبی را با اسم و رسم آورده است و این خود از اهمیت نماز است که اینهمه تنوّع دارد و بهر مناسبتی نمازی وارد شده است.

ص: ۵۱

۲۶– قداست نماز

تفسیر نماز » قداست نماز

قداستِ نماز به قدری است که زمانِ اجرای بعضی مراسم مانند قَسم و ادای شهادت، بعد از نماز قرار داده شده است.

قرآن در سوره مائده آیه ۱۰۶ می فرماید: هرگاه کسی در سفر دچار بیماری شد و در آستانه مرگ قرار گرفت، دو نفر مسلمان و یا غیر مسلمان را بر وصیّتِ خود گواه گیرد، لکن مراسم ادای شهادت باید پس از نماز باشد، یعنی آن دو نفر پس از ادای نماز حاضر شده و با قسم خوردن شهادت دهند که فلان مسلمان در مسافرت چه وصیت کرده است.

امروزه مرسوم است که مراسمِ قسم را در حضور قرآن و با دست گذاردن بر قرآن انجام می دهند، امّا خود قرآن در این مورد می فرماید: مراسم قسم پس از انجام نماز باشد!

۲۷– جامعیّت نماز

تفسیر نماز » جامعیّت نماز

خداوند، هم در آفرینشِ تکوینی و هم در دستورات تشریعی عالی ترین و کامل ترین برنامه ها را بکار برده است. مثلاً در آفرینش شیر مادر تمام ویتامین هایی را که نوزاد نیاز دارد در شیر مادر جمع کرده است.

اگر به آفرینشِ انسان نگاه کنیم می بینیم آنچه در طبیعت وجود دارد در وجود انسان نیز قرار داده شده است.

اگر در طبیعت صدای رعد است، در انسان فریاد است.

اگر در طبیعت گیاه و نبات است، در انسان رویش مو است.

اگر در طبیعت رودخانه است، در انسان رگهای ریز و درشت است.

اگر در طبیعت آب شور و شیرین است، در انسان اشک شور و آب دهان شیرین است.

اگر در طبیعت معادن بسیار است، در انسان استعدادهای نهفته فراوان است.

شعری است که به حضرت علی علیه السلام نسبت می دهند که فرمود:

أتزعم انّک جِرم صغیر

و فیک انطوی العالم الاکبر

ای انسان! تو گمان می کنی جُثّه کوچکی هستی، درحالی که جهانی بزرگ در تو نهاده شده است.

نماز نیز یک هنرنمائیِ الهی است که خداوند تمام ارزشها را به نحوی در آن قرار داده است. چه کمالی است که برای انسان ارزش باشد اما در نماز یافت نشود؟

یاد خدا، یک ارزش و تنها وسیله آرام بخش دلهاست و نماز یاد خداست. «اللّه اکبر»

یاد قیامت یک ارزش و بازدارنده از گناه و فساد است و نماز یادآور «یوم الدین» است.

در خطّ انبیا و شهدا و صالحان بودن یک ارزش است و ما در نماز از خدا می خواهیم در «صراط الذین انعمت علیهم» قرار بگیریم.

انزجار و برائتِ خود را از ستم پیشه گان و گمراهان با جمله «غیر المغضوب علیهم ولاالضّالین» اعلام می داریم.

عدالت که در رأس همه ارزشهاست در امام جماعت نماز لازم شمرده شده است.

ص: ۵۳

پیروی از امام جماعت در نماز، یک اصلِ با ارزش اجتماعی است که بجای خودسری و تک روی تابع رهبری عادل باشیم.

در انتخاب امام جماعت همواره توجه به ارزشهاست: عادل ترین، فقیه ترین، فصیح ترین،...

ایستادن رو به قبله یادآور ارزشهای بسیاری است، مکّه شکنجه گاه بلال، قربانگاه اسماعیل، زادگاه علی بن ابیطالب، پایگاه قیام مهدی، آزمایشگاه ابراهیم و عبادتگاه تمام انبیا و اولیاست.

در نماز هرچه هست تحرّک است، در هر صبح و شام، در رکوع و سجود و قیام، حرکت در رفتن به مسجد و مصلّی، پس ساکن و ساکت و گوشه گیر نباش، بلکه همواره در تلاش و حرکت باش، البتّه در جهت خداوند و بسوی او.

در نماز روح و جان انسان غبارروبی می شود، نماز، غبار غرور و تکبر را می ریزد، چون هر شبانه روز دهها بار بلندترین نقطه بدن را به خاک می مالد. و سجده بر خاک بهتر از سنگ است که تذلّل در به خاک مالیدن است.

بر زمین و آنچه از زمین روئیده می شود سجده کن، بشرط آنکه خوردنی نباشد تا به فکر شکم نیفتی!

بر زمینِ پاک سجده کن که از راه نا پاک نمی توان به پاکی و سرچشمه پاکی ها رسید.

گریه از خوف خدا یک ارزش است و قرآن سجده همراه با گریه را ستایش کرده است: «سُجَّداً وَ بُکِیّاً»(۱)

۱- ۸۱) سوره مریم، آیه ۵۸.

نماز یک خط الهی است که از هنگام تولد تا لحظه مرگ برای ما ترسیم شده است:

نوزاد که بدنیا آمد در گوش راست و چپ او اذان و اقامه بگو که سفارش به نماز می کند، «حیّ علی الصلوه» و بهنگام مرگ نیز او را بـا خوانـدن نمـاز میّت دفن کن. در طول زنـدگی نیز همواره در حال عبادت و پرستشِ خـدا باش. «واعبُـِد رَبّک حتّی یَأتِیکَ الیَقِین»(۱)

نمـاز پیونـد انسـان بـا طبیعت است. برای شـناخت وقت نمازها خصوصاً صـبح و ظهر بایـد به خورشـید نظر کنی. برای بدسـت آوردن قبله به سـتارگان توجه کنی، برای انجام نمازهای مسـتحبی در ایام مبارکه به حرکات ماه دقت کنی. برای غسل و وضـو به آب وبرای سجده وتیمم به خاک رو آوری.

این ارتباط میان نماز با خورشید و ماه و ستاره و آب و خاک بدست کدام طرّاح حکیم برنامه ریزی شده است؟

دیگر واجباتِ دین نیز به نوعی در نماز حضور دارند. نمازگزار همچون روزه دار حق خوردن و آشامیدن و رفع شهوت ندارد. نمـازگزار همچون کسـی که به حـج می رود کعبه قبله و محور کارهای اوست. نمازگزار همچون کسـی است که به جهاد می رود، لکن به جهاد اکبر که جهاد با نفس است. نماز خود بالاترین امر به معروف و نهی از منکر است.

هجرت از مهم ترین ارزشهای دینِ ماست و حضرت ابراهیم

۱- ۸۲) سوره حجر، آیه ۹۹.

بخاطر نماز هجرت کرد و همسر و فرزنـد خود را در کنار کعبه گذارد و فرمود: «رَبَّنا اِنّی اَسْکَنْتُ مِنْ ذُرِیَّتی بِوادٍ غَیْر ذی زَرْعٍ رَبَّنا لِیُقیمُوا الصَّلوه»(۱) پروردگارا! من فرزندانم را در بیابانی خشک ساکن کردم تا نماز اقامه شود.

جالب آنکه حضرت ابراهیم نمی گوید: برای برپاداشتن حجّ هجرت کردم، بلکه می گوید: هدفم از هجرت اقامه نماز بود.

به هر حال خداوند تمام ارزشها را در نماز و با نماز و برای نماز قرار داده است.

اگر زینت و نظافت یک ارزش است، اسـلام سـفارش می کنـد که: «خُذُوا زینَتَکُم عِنْدَ کُلِّ مُسْجِد»(۲) به هنگام شـرکت در مساجد خود را زینت کنید و زینت های خود را برگیرید. با لباس پاکیزه و معطّر وارد مسجد شوید.

چنانکه سفارش شده زنان به هنگام نماز، زیورهای خود را همراه داشته باشند و با آنها خود را زینت کنند.(۳)

حتّی به مسأله مسواک توجه شده و در روایات می خوانیم: نماز با مسواک، هفتاد برابر نماز بدون مسواک است.(۴) و فرموده اند قبل از رفتن به مسجد سیر و پیاز نخورید(۵) که بوی دهان شما دیگران را اذیّت نکند و مردم را از مسجد فراری ندهد.

به هرحـال این نمازِ اسـلام است و این نمازِ ما. نمازی که یا نمی خوانیم، یا غلط می خوانیم، یا بی توجه می خوانیم و یا بـدون جماعت و یا در

۱- ۸۳) سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

۲- ۸۴) سوره اعراف، آیه ۳۱.

۳- ۸۵) بحار، ج ۸۰، ص ۱۸۸.

۴- ۸۶) بحار، ج ۷۳، ص ۱۳۳.

۵- ۸۷) رساله احکام امام قدس سره، مسئله ۹۱۵.

آخر وقت!!

مساجد که زمانی ابراهیم و اسماعیل و زکریا خادمش بودند(۱) و مادر مریم نذر می کند فرزندش خادم مسجد باشد،(۲) می رسد به جائی که خادمانش غالباً افرادی از کار افتاده و پیر و مریض و فقیر و بی سواد و گاه بداخلاق هستند! راستی چرا غبارروبی حرم امام رضاعلیه السلام افتخار است، اما غبارروبی خانه خدا هیچ!

چرا باید مساجد ما به گونه ای باشد که هرکس وارد می شود غم و اندوه و کسالت او را بگیرد؟ مگر مسجد عزاخانه است و یا مجلس فاتحه خوانی که همواره پارچه سیاه بر در مسجد آویزان باشد؟

البتّه بحمداللّه در چند سال اخیر حرکتی در مساجد پیدا شده و بسیاری از آنها مجهز به کتابخانه و صندوقِ قرض الحسنه و دیگر امور خدماتی شده اند.

چه زیباست حدیثی که می فرماید: روز قیامت سه چیز از مردم شکایت می کند: عالمی که مردم به او مراجعه نکنند، قرآنی که در منزل باشد اما تلاوت نشود و مسجدی که مورد بی اعتنایی مردم واقع شود.(۳)

سخن در باب مسجد بسیار است و اخیراً کتابی تحت عنوان سیمای مسجد در دو جلد تألیف شده است که جایگاه مسجد را در جامعه اسلامی روشن می کند. اما در یک کلام مسجد در صدر اسلام محل اجتماع مسلمین

۱- ۸۸) سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۲- ۸۹) سوره آل عمران، آیه ۳۵.

۳- ۹۰) بحار، ج ۲، ص ۴۱.

برای تصـمیم گیری ها و مشورت ها، برای کسب علم و دانشـها، پایگاه رزمنـدگان و جهادگران، محل رسـیدگی به مشـکلاتِ فقراء و بیماران، مرکز قیام علیه حکومت های ظالم و ایراد خطابه های تند علیه آنان بوده است.

همین جایگـاهِ رفیع مسـجد بوده است که در طول تاریـخ، مسـلمین بهترین معمـاری ها را در ساخت مساجـد خود بکار برده و برای اداره مساجد اموال بسیاری را وقف می کرده اند، تا مساجد همواره آباد و سرپا باشند.

ص: ۵۸

۲۸- نیّت

تفسیر نماز » نیّت

اولین رکن نماز نیّت است.

نیّت، یعنی آنکه بدانیم چه می کنیم و چه می گوییم و برای که و چه حرکت می نمائیم.

ارزشِ هر کاری به نیّت و انگیزه آنست، نه فقط صِرف عمل. لذا حساب کسی که بخاطر حفظ نظم و احترام به قانون، پشت چراغ قرمز می ایستد از حساب کسی که از ترس پلیس یا جریمه می ایستد جداست. در همه عبادات و خصوصاً نماز، نیّت جایگاه ویژه ای دارد و اصولاً چیزی که یک کار را عبادت می کند، نیّتِ الهی آن کار است که اگر آن نیّت نباشد، هرچه هم ظاهر کار خوب و صحیح باشد، امّا ارزش عبادت ندارد. پیامبر گرامی

اسلام در این باره می فرمایند:

«اِنَّمَا الْاَعْمالُ بِالنِّیّات»(۱)

کارها به واسطه انگیزه ها ارزش پیدا می کند وبا آنها سنجیده می شود.

آری، فرق مادی یا معنوی بودن یک کار، در تفاوت نیّت ها و هدف هاست.

۱- ۹۱) بحار، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

۲۹- نیّت خالص

نیّت خالص آن است که انسان فقط برای خدا کار کند و در عمق جانش هدفی جز او و رضای او نداشته و از مردم انتظار تشکر یا پاداش نداشته باشد.(۱)

نانی که اهل بیت رسول خداعلیهم السلام در چند شب پی درپی هنگام افطار به یتیم و اسیر و فقیر دادند، ارزش مادّیِ زیادی نداشت، اما چون خالصانه بود خداوند بخاطر آن یک سوره نازل کرد.(۲)

و عطّار نیشابوری در مورد آن می گوید:

گذشته زین جهان وصف سنانش

گذشته زآن جهان وصف سِه نانش

در تاریخ می خوانیم که کسی در جبهه کشته شد و همه گفتند: او شهید است، اما حضرت فرمودند: او «قَتیل الحِمار» است، یعنی کشته راه الاغ! مردم تعجّب کردند، اما حضرت فرمود: هدف او از آمدن به جبهه، خدا نبود، بلکه چون دید دشمن سوار بر الاغ خوبی است، با خود گفت: او را می کشم و الاغش را به غنیمت می برم، اما موفق نشد و آن کافر این مسلمان را کشت، پس او «قَتیل الحِمار» است.(۳)

خالص کردن نیت، کاری بس دقیق و مشکل است. گاهی افکار غیرخدائی چنان در عمق جان انسان رسوخ می کند که خود انسان هم متوجّه نیست، و لذا در روایت آمده است: ریا و شرک از حرکت

۱- ۹۲) سوره انسان، آیه ۹.

۲- ۹۳) سوره انسان.

۳- ۹۴) محجّهالبیضاء، ج ۸، ص ۱۰۴.

مورچه سیاه در شب تاریک بر سنگ سیاه، آرام تر و دقیق تر است.(۱) چه بسیار افرادی که به خیال خود قصد قربت دارند، اما هنگام فراز و نشیب ها معلوم می شود که قصد آنها صددرصد خالص نیست.

به قول علاّمه شهید مطهری، نیّت یعنی خودآگاهی، و ارزش عبادت به معرفت و آگاهی است. در روایات می خوانیم:

«نِیَّهُ الْمُؤْمِنِ خَیْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»(۲)

۳۰- قصد قربت

تفسیر نماز » قصد قربت

قصد قربت، یعنی نزدیکی به مقام پروردگار، و ناگفته پیداست که وقتی می گویند: فلانی به فلانِ مقام کشوری نزدیک است، مراد نزدیکی مکانی و جسمی و فیزیکی نیست وگرنه پیشخدمت ها از همه نزدیک ترند، بلکه مراد از نزدیکی، نزدیکی معنوی و مقامی و اُنس است.

انجام کارها برای جلب رضای خداوند نیز به معنای آن نیست که

نیّت مؤمن از عمل او بهتر است.

همانگونه که در مقایسه جسم و روح، روح مهم تر از جسم است و انسانیتِ انسان به روح اوست، در مقایسه عمل و نیّت، نیّت مهم تر از خود عمل است، چرا که روحِ عمل است.

نیّت به قدری ارزش دارد که اگر انسان نتواند کار خیری را انجام دهد، امّا نیّت آنرا داشته باشد که انجام دهد، خداوند پاداش آنرا به او می دهد.

ص: ۶۲

۱- ۹۵) بحار، ج ۷۲، ص ۹۳.

۲- ۹۶) بحار، ج ۷۰، ص ۲۱۰.

خداونـد تحت تـأثیر کارهـای ما قرار بگیرد و تغییر حال بدهـد، که در این صورت محلّ حوادث و تغییر می شود، بلکه قرب به خـدا، یعنی بالارفتن روح از نردبان وجود، که نتیجه اش نفوذ پیداکردن در هستی است. یعنی نزدیک شدن به سرچشـمه هستی و او را در دل خود یافتن.

همـانگونه که مراتب وجـود در جمـاد و نبـات و حیوان و انسـان تفـاوت دارد، مراتب انسانهـا نیز در قرب به سرچشـمه هسـتی متفاوت است و انسان می توانـد تا آنجا به خداوند قرب پیداکند و مقرّب درگاه الهی شود که خلیفه خدا در روی زمین گردد. عبادت همراه با قصد قربت، انسان را نورانی تر، کاملتر و با ظرفیت وجودی بیشتری می گرداند.

همه عبادات و خصوصاً نمازهای مستحبی نقش مهّمی در این امر دارند، چنانکه در حدیث می خوانیم:

«لا یَزالُ الْعَبْد یَتَقَرَّبُ اِلَیَّ بِالنَّوافِل»(۱)

انسان می تواند همواره از طریق نمازهای مستحبی به خدا نزدیک شود.

نمازِ واجب ممکن است از ترس دوزخ یا قهر خدا انجام شود، امّا نماز نافله نشانه عشق است و رمز اُنس با معبود.

۳۱- درجات قرب

تفسیر نماز » درجات قرب

لفـظ «درجـات» در قرآن، مکرّر و بـا تعبیرهای مختلفی آمـده است که نکات لطیفی دربر دارد. برای بعضـی می فرمایـد: «لَهُمْ دَرَجات»(۲) برای آنها درجاتی است. اما درباره عدّه دیگری می فرماید: «هُمْ دَرَجاتٌ»(۳)

ص: ۶۳

۱- ۹۷) بحار، ج ۷۵، ص ۱۵۵.

۲- ۹۸) سوره انفال، آیه ۴.

۳- ۹۹) سوره آل عمران، آیه ۱۶۳.

آنـان خـود درجه هسـتند. ماننـد افراد بزرگی که اگر در پـایین مجلس هم بنشـینند آنجـا می شـود بالاـ یعنی خود آنـان درجه سازند، نه آنکه درجه و مقام آنها را بالا ببرد.

این درجه بنـدی معنوی مخصوص انسان ها نیست، بلکه سلسـله مراتب در میان فرشـتگان نیز هست. قرآن در مورد جبرئیل می فرماید: «مُطاعٍ ثَمَّ اَمین»(۱) یعنی مورد اطاعت دیگر فرشتگان است.

به هر حال درجات انسان ها در اطاعت از خدا متفاوت است:

۱- گاهی فقط مطیع است، اما نه از روی رضا.

۲- گاهی نه فقط مطیع که محبّ است، یعنی بر اساس عشق و محبّت اطاعت می کند.

۳- گاهی بالاتر از اطاعت و محبّت، به معرفت کامل می رسد و هرچه می بیند او را می بیند.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «ما رَأَیْتُ شَیْئاً اِلّا وَ رَأَیْتُ اللّه قَبْلَه و بَعْدَه و مَعَه»(۲)

۳۲- خدا را برای خدا بخوانیم

تفسیر نماز » خدا را برای خدا بخوانیم

می گوینـد: سـلطان محمـود غزنوی برای آزمـایش درباریـانش که چقـدر به او وفادارنـد، کـاروانی به راه انـداخت و صـندوق جواهری را بر شتری نهاد اما در آنرا قفل نکرد. در مسـیر راه به درّه ای رسـیدند او شتر را رَم داد، صندوق برگشت و جواهرات به درّه سرازیر شد.

۱- ۱۰۰) سوره تکویر، آیه ۲۱.

۲- ۱۰۱) تماشاگه راز، ص ۱۱۴.

سلطان گفت: هر کس هر جواهری به دستش رسید از آنِ او باشد، اطرافیان شاه را رها کردند و به سراغ جمع کردنِ درّ و گوهر رفتند.

در این میان دید که اَیاز جواهرات را رها کرده و به دنبال سلطان آمده است. از او پرسید تو چرا به سراغ جواهرات نرفتی؟ ایاز در جواب گفت:

منم در قفای تو می تاختم

زخدمت به نعمت نپرداختم

آنگاه مولوی از این ماجرا نتیجه گیری کرده و می گوید:

گر از دوست چشمت به احسان اوست

تو در بند خویشی نه در بند دوست

خلاف طریقت بود کاولیاء

تمنا کنند از خدا جز خدا

قرآن از کسانی که خدا را بخاطر خود می خوانند و فقط در مشکلات به سراغ او می روند و در غیر آن خدا را فراموش و یا حتی انکار می کنند، به شدت انتقاد کرده است:

«فَاِذا رَکِبوُا فِی الْفُلْکِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصینَ لَهُ الدّین فَلَمَّا نَجَّاهُمْ اِلیَ الْبرِّ   اِذاهُمْ یُشْرِکوُن»(۱)

هرگاه بر کشتی سوار و در آستانه غرق شدن قرار گیرند، با اخلاص خدا را می خوانند، اما همین که به خشکی پا گذاشتند و نجات یافتند مشرک می شوند.

به هرحال، کار برای خود، نفس پرستی است. کار برای مردم، بت پرستی است.کار برای خدا و خلق، دوگانه پرستی است.

ص: ۶۵

۱- ۱۰۲) سوره عنکبوت، آیه ۶۵.

و کارِ خود و خلق را برای خدا کردن، خداپرستی است.

در مناجات می خوانیم: «اِلهی ما عَبَدْتُک خَوْفاً مِنْ نارِک وَ لا طَمَعاً فی جَنَّتِک بَلْ وَجَدْتُک اَهْلاً لِلْعِبادَه فَعَبَدتُک»(۱) خداوندا! عبادتِ من نه از ترس دوزخ و نه به طمع بهشت توست، بلکه بخاطر آنست که تو را شایسته عبادت و بندگی یافتم پس تو را عبادت کردم.

آری، این تجّارند که به طمع سود کار می کنند و این بردگانند که از روی ترس کار می کنند، آزادگان و اَحرار بخاطر شکر نعمتهای الهی او را عبادت می کنند. چنانکه در کلمات معصومین آمده است:

«اِنَّ قَوماً عَبَدوُا اللّهَ رَغْبَةً فَتِلْک عِبادَةُ التُّجارِ وَ اِنَّ قَوْماً عَبَدوُا اللّهَ رَهْبَةً فَتِلْک عِبادَةُ الْعَبیدِ و اِنَّ قَوماً عَبَدوُاللّهَ شُکْراً فَتِلْک عِبادَةُ الْاَحْرارِ»(۲)

به قول حافظ:

در ضمیر ما نمی گنجد بغیر از دوست کس

هردو عالم را به دشمن دِه که ما را دوست بس

در عشق مادی انسان معشوق را برای خود می خواهد، اما در عشق معنوی، انسان خود را برای معشوق. علی علیه السلام در دعای کمیل می گوید: «وَاجْعَلْ قَلْبی بِحُبِّک مُتَیَّماً» خداوندا! قلبم را از محبّت خود لبریز کن.

۱- ۱۰۳) بحار، ج ۷۰، ص ۱۸۶.

۲- ۱۰۴) بحار، ج ۴۱، ص ۱۴.

۳۳– راه رسیدن به قرب

تفسیر نماز » راه رسیدن به قرب

رسیدن به قرب الهی و قصد قربت از دو راه است:

یکی شناخت عظمت و مقام خداوند و دیگری شناخت پوچی و بی اعتباری غیر او.

قرآن همواره نعمت ها و الطاف الهی را بر بندگان مطرح می کند تا انسان را عاشق خدا کند. ذکر صفات او، آفریده های او، امدادهای مادی و معنوی او و دهها نعمت بزرگ و کوچک، همه و همه بخاطر آنست که محبت و عشق ما را به خدا زیاد کند.

از طرف دیگر آیات زیادی ضعف و پوچی غیر او را شمرده و می فرماید: غیر او نه عزّتی دارد نه قدرتی، اگر همه جمع شوند و بخواهند مگسی خلق کنند نمی توانند، جز او چه کسی می تواند به ندای افراد مضطرّ و درمانده پاسخ دهد؟ آیا درست است که دیگران را در کنار خدا مطرح کنیم و آنها را همسان و یکسان با خدا بدانیم؟

خاطره

یکی از مراجع تقلید جهان تشیّع، آیهاللّه العظمی بروجردی بود. ایشان در ایام سوگواری در منزلش عزاداری برپا می کرد. در یکی از این جلسات حال ایشان خوب نبود، لذا در همان اتاق شخصی خود استراحت می کردند و به صدای سخنران گوش می دادند.

یکی از حاضران در مجلس عزا می گوید: برای سلامتی امام زمان و آقای بروجردی صلوات.

ناگهان دیدند که ایشان عصای خود را به در می کوبد، نزدیکان آقا حاضر شدند و پرسیدند: چه امری دارید؟ این مرجع بزرگوار فرمودند: چرا نام مرا در کنار نام امام زمان علیه السلام

بردید؟ من که لایق نیستم شما نام مرا در ردیف نام امام ببرید و برای هر دو صلوات بفرستید.(۱)

این مرجع دینی که نـایب امـام زمـان است حاضـر نمی شود نـامش در ردیف نام امام معصوم آورده شود، اما بسـیاری از ما از روی کـج فهمی و بی ادبی، نام موجوداتی ضـعیف و سـراپا نیاز و احتیاج را در کنار خداونـد قادر مطلق متعال قرار می دهیم و گویا آنها را در یک ردیف می دانیم.

۳۴- کیفیّت یا کمّیت

تفسیر نماز » کیفیّت یا کمّیت

اسـلام به چگونگی کار و هدف و انگیزه آن توجه بسـیار کرده است. قرآن از عملِ بهتر سـتایش می کند نه عملِ بیشتر، و می فرماید:

«لِیَبْلُوَکُمْ اَیّکُم اَحْسَنُ عَمَلاً»(۲)

خداوند شما را در بوته امتحان قرار می دهد تا مشخّص شود کدامیک از شما بهترین عمل را بجای آورد.

حضرت علی علیه السلام در رکوع انگشترش را به فقیری داد و آیه ای از قرآن بخاطر آن نازل شد. مردم گمان کرده اند نازل شـدن یـک آیه بخـاطر یـک انگشتر، از آن جهت بوده که انگشتر قیمتی بوده و لـذا گفته انـد: قیمت انگشتر به مقـدار خراج و مالیاتِ شامات و سوریه بوده است.

در حـالی که انگشتری با چنین قیمت هرگز با زهـد علی علیه السـلام سازگار نیست، چنانکه با عـدل علی هم نمی سازد که او چنین انگشتری در دست کند و بعضـی در فقر و نداری باشند. اما حقیقت آنست که نزولِ آیه «اِنَّما وَلِیّکُمُ اللّهُ وَ رَسُولُه وَالَّذینَ آمَنُوا

۱- ۱۰۵) به نقل از آیه اللّه صافی.

۲- ۱۰۶) سوره هود، آیه ۷.

الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلوةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ»(۱) بخاطر کیفیت عمل بود نه کمیّت آن، بخاطر اخلاص وقصد قربت بود، نه وزن وحجم وقیمتِ انگشتر.

خاطره

بهلول گروهی را دید که مسجدی می سازند و ادعا می کنند که برای خداست، او بر سنگی نوشت: بانی این مسجد بهلول است و آنرا شبانه بر در مسجد نصب کرد. روز بعد که کارگران سنگ را دیدند به هارون الرشید ماجرا را گفتند او بهلول را حاضر کرد و پرسید چرا مسجدی را که من می سازم به نام خودت کرده ای؟

بهلول گفت اگر تو مسجد را برای خدا می سازی بگذار نام من بر آن باشد خدا که می داند بانی مسجد کیست، او که در پاداش دادن اشتباه نمی کند. اگر برای خداست چه نام من باشد چه نام تو این که مهم نیست. بهلول با این کار به او فهماند که قصد قربت ندارد بلکه قصد شهرت و نام دارد. به همین جهت قرآن اعمال کفار را به سراب تشبیه می کند که بنظر آب می آید امّا واقعیتی ندارد: «وَالَّذینَ کَفَرُوا اَعْمالُهُم

کَسَرابٍ بِقیعَه یَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ ماءً»(۲)

اعمال کافران همچون سرابی است در بیابان خشک، که انسان تشنه آنرا آب می پندارد.

اصولاً اسلام، عملی را صالح می داند که هر چهار عنصر آن نیک باشد: عمل، انگیزه، وسیله و شیوه.

۱- ۱۰۷) سوره مائده، آیه ۵۵.

۲- ۱۰۸) سوره نور، آیه ۳۹.

نه تنها در ابتـدای کار قصـد قربت لازم است، بلکه در طول عمل باید قصد قربت دوام داشـته باشد، والاّ کلّ عمل باطل است. اگر موتور هواپیما حتی دقیقه ای از کار بیفتد سقوط حتمی است. شرک و ریا در نیّت، حتی اگر یک لحظه باشد تمام عمل را حبط و نابود می کند.

خاطره

در یک مسافرت هوایی، همه مسافرین هواپیما را که در آستانه حرکت بود پیاده کردند و ساعت ها پرواز به تأخیر افتاد. سبب آنرا پرسـیدم، گفتنـد: یک سوسک در هواپیما دیـده شده است! گفتم: این همه تأخیر بخاطر یک سوسک! گفتند: بله زیرا چه بسا همین سوسک یک سیم را بجود و سیستم کنترل هواپیما مختلف شود و حادثه ای رخ بدهد.

چه بسا کارهای خیری که باید سـبب پرواز انسان به سوی خدا شود، امّا بخاطر یک مرض روحی نه فقط موجب صـعود، بلکه سبب سقوط او گردد.

۳۵- نیتّ به کار ارزش می دهد

تفسیر نماز » نیتّ به کار ارزش می دهد

فرض کنیـد شخصـی از روی ظلم و تجاوز یک نفر را کشت و بعداً معلوم شد که مقتول نیز یک انسانِ جنایتکار بوده که باید اعدام می شده است. در اینجا با اینکه کار قاتل مفیده بوده است، امّا مردم قاتل را سـتایش نمی کنند، زیرا قصد او کشـتن یک انسان بی گناه بود، نه کشتن یک مفسد فی الارض.

پس مفیدبودن یک عمل کافی نیست تا آن عمل صالح باشد

بلکه لازم است با انگیزه ای پاک نیز همراه باشد.

قرآن، در همه جا روی قصد قربت تکیه می کند، چه در خمس و زکوه و انفاق های مالی و چه در جنگ و جهاد با دشمنان. اینکه قرآن رویِ کلمات «فی سَبیلِ اللَّهِ»(۱)، «لِوَجْهِ اللّهِ»(۲)، «اِبْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ»(۳) تکیه می کند، نشان دهنده اهمیت قصد قربت است.

کسانی که با ساختن مدرسه و بیمارستان و راه و خوابگاه برای مردم کارهای مفید انجام می دهند، اگر قصد الهی نداشته باشند به خودشان ظلم کرده اند زیرا خود از آن عمل هیچ بهره ای ندارند گرچه دیگران از آن بهره های فراوان می برند.

اینکه قرآن همواره عمل صالح را در کنار ایمان می آورد و می فرماید: «الَّذینَ آمَنوُا وَ عَمِلوُا الصَّالِحاتِ» و یا می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَکَرٍ اَو اُنْثی وَ هُوَ مُؤْمِن»(۴)، بخاطر آنست که حُسن فعلی به تنهایی کفایت نمی کند، بلکه حُسن فاعلی نیز لازم است.

دو خاطره

بلال حبشی که مؤذّن پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بود در گفتنِ جمله «اَشهَد ان لااله الاّ اللّه» بجایِ شین، سین می گفت، زیرا زبانش گیر داشت. مردم این را عیب می گرفتند، اما پیامبر فرمود: سینِ بلال در نزد خدا شین است.(۵)

گرچه در ظاهر کارش ناقص است، اما چون قصد قربت وحُسن نیّت دارد پاداش دارد.

ص: ۷۱

۱- ۱۰۹) سوره بقره، آیه ۱۹۰.

۲- ۱۱۰) سوره انسان، آیه ۹.

۳- ۱۱۱) سوره بقره، آیه ۲۰۷.

۴- ۱۱۲) سوره نحل، آیه ۹۷.

۵- ۱۱۳) مستدرک الوسائل، حدیث ۴۶۹۶.

عبـدالله بن مکتوم، یکی از یاران مخلص پیامبر و شخصـی نابینا بود. روزی این صـحابی بزرگ وارد مجلسـی شـد که پیامبر و عده ای مشـغول گفتگو بودند. او که افراد جلسه را نمی دید با صدای بلند مشغول صحبت شد. یکی از افراد جلسه به او عبوس کرد و ناراحت شد.

با آنکه برای شـخص نابینا، عبوس کردن و لبخنـدزدن فرقی نمی کند زیرا او نمی بیند، امّا قرآن برای همین عبوس کردن یک سوره نازل کرد و در ده آیه پی درپی شخص عبوس کننده را کوبید.

«عَبَسَ وَ تَوَلّی اَنْ جاءَهُ الْاَعْمی وَ ما یُدْریک لَعَلَّه یَزَّکّی...»(۱)

پس ملاـکِ عمـل، مفیـد بودن یـا مضـر بودن نیست که عمـل را بـا دیگران بسـنجیم و بگوییم: اگر عمل به دیگران فایـده ای رساند، عمل صالح و اگر ضرری رساند عمل غیرصالح است. بلکه باید رابطه عمل را با خود شخص هم بسنجیم که او عمل را به چه هدفی انجام داد و آیا عمل فی نفسه حتی اگر به دیگران هم فایده ای نرساند و یا ضرری نزند، چگونه است؟

آری در مکتب انبیا، اخلاق ارزش ذاتی دارد نه عَرَضـی، ماننـد اخلاق بشـری که برای جـذب مشتری و بالابردن تولید و جمع کردن مردم به دور خـود است. در سوره عبس، انتقـاد برای آن است که چرا تو برای نابینـا عبوس کردی، گرچه نابینـا ترا نمی بیند، زیرا عبوس کردن بر مؤمن به خودی خود عمل زشتی است.

به هرحال قصد قربت، یعنی همه کارها را با معیار الهی انجام بده

ص: ۷۲

۱- ۱۱۴) سوره عبس آیات ۱ تا ۱۰.

و کاری به بازتاب های سیاسی و اجتماعی و خوشامدِ دیگران نداشته باش.

قصد قربت، یعنی کار را برای خدا انجام بده و از نیش و نوش ها نهراس. قرآن در وصفِ مؤمنان واقعی می فرماید: «یُجاهِدُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ لایَخافُونَ لَوْمَهَ لائمٍ»(۱) در راه خدا جهاد می کنند و از سرزش ملامت کنندگان هراسی ندارند.

قصد قربت، یعنی حق را بگو و از احدی جز او پروا نداشته باش. چنانکه قرآن مبلّغین الهی را چنین توصیف می کند: «اَلَّذینَ یُبَلِّغُونَ رِسالاتِ اللَّهِ وَ یَخْشَوْنَهُ وَ لا یَخْشَوْنَ اَحَداً اِلَّا اللَّه»(۲) آنانکه پیامهای الهی را تبلیغ می کنند و از او خشیت دارند و از کسی جز خدا نمی ترسند.

خاطره

روزی در حرم امام رضاعلیه السلام مشغول دعا و زیارت بودم و حالی داشتم. یکی از زائران در کنارم قرار گرفت و بخاطر بحث های شب جمعه در تلویزیون مرا شناخت و اسکناسی را که چند تا کرده بود به من داد و گفت: آقای قرائتی این پول را به فقیر بدهید. گفتم: من هم مثل شما برای زیارت آمده ام و در مشهد فقیری را نمی شناسم خودتان آنرا به فقیری بدهید.

لحظاتی گذشت و دوباره حرف خود را تکرار کرد و من نیز همان جواب را دادم و به دعا مشغول شدم. بار سوّم حرفش را تکرار کرد، من ناراحت شدم و گفتم: شما

۱- ۱۱۵) سوره مائده، آیه ۵۴.

۲- ۱۱۶) سوره احزاب، آیه ۳۹.

امروز بـا یـک بیست تومـانی سه بـار حواس مرا پرت کرده ای، خواهش می کنم مزاحم نشویـد و این پول را خودتان به فقیری بدهید. او گفت: آقای قرائتی بیست تومانی نیست، هزار تومانی است.

من که تا آن زمان فکر می کردم یک اسکناس بیست تومانی برای فقیر می دهـد، لحظاتی تأمل کردم و از ناراحتی ام کاسته شد. گفتم: در اینجا مؤسسه ای است برای کمک به بچه های یتیم، گفت: اختیار با شماست هر کجا که صلاح دیدید مصرف کنید، او پول را داد و رفت.

من کتاب دعـا را کنـار گذاشـتم و به فکر فرو رفتم که اگر برای خـداست، چه فرقی میان بیست تومانی و هزار تومانی است؟ فهمیدم که این صحنه برای من آزمایشی بود تا بدانم هنوز قصد قربت در من زنده نشده است.

یکی از نشانه های اخلاص آنست که انسان میان مقـدار و افراد ومناطق و نوع کار وشـرائط فرقی نگـذارد وفقط به فکر رضای خدا باشد، مردم بفهمند یا نفهمند، طرفداری بکنند یا نه، درآمدی داشته باشد یا نداشته باشد.

البتّه انسان دوستی و کار را برای مردم انجام دادن از خودپرستی برتر است، ولی بدون هدفِ الهی ارزش الهی ندارد.

به قول علاّمه شـهید مطهّری، قصد قربت یک شـرط ذاتی است نه قراردادی و اعتباری، شـرط تکوینی است نه تشـریفاتی. اگر گفتیم شـرط رسـیدن به مکّه پیمودن راه مکّه است، این شـرط طبیعی و ذاتی است نه قراردادی، و شـرط رسـیدن به مقـام قرب الهی،

ص: ۷۴

داشتن قصد قربت است و این شرط ذاتی است.

۳۶- آثار و برکات نیّت پاک

با نگاهی کوتاه و گذرا به آیات و روایات، آثار و برکات زیادی برای نیتّ پاک درمی یابیم که بطور فشرده گوشه هایی از آنها را بیان می کنیم:

۱- کسی که حُسن نیّت داشته باشد رزق او فراوان می شود.(۱) شاید مراد حدیث آن باشد که بخاطر حُسن نیّت، رفتار و برخورد او با مردم به نحو مطلوب می شود و قهراً افراد بیشتری جذب شغل و کار او می شوند و درآمد بیشتری بدست می آورد.

۲- حُسن نیّت، توفیقات انسان را زیاد می کند، زندگی طیّب و دلچسب می شود و دوستان زیادی را برای انسان می آورد.(۲)

الطاف الهی به قدر حُسن نیّت افراد است و هرچه نیت بهتر و خالص تر باشد لطف خداوند نیز بیشتر می گردد.

۳- به انسان طول عمر می دهد.

در روایات آمده: کسی که حج را تمام کرد، اگر در موقع بازگشت به وطن نیّت کند و تصمیم بگیرد برای سال بعد هم به حج بیاید، خداوند بخاطر همین آرزوی خوب، به او طول عمر می دهد.(۳)

۴- حسن نیّت، گذشته انسان را جبران می کند. علی علیه السلام می فرماید: اگر گنهکار با حسن نیت توبه کند خداوند آنچه را به عنوان کیفر از

۱- ۱۱۷) وسائل، ج ۱، ص ۳۹.
۲- ۱۱۸) غررالحکم.
۳- ۱۱۹) وسائل، ج ۸، ص ۱۰۷.

او گرفته به او پس می دهد و هرگونه مشکلی در کارش باشد اصلاح می کند.(۱)

۵ - خداوند به نیّتِ کار خیر، پاداش آن کار خیر را می دهد گرچه انسان موفق به انجام آن کار نشود. با نیّتِ صادق، کارهای نشده برای انسان به حساب می آید، چنانکه در روایت آمده: اگر انسان مؤمنی بگوید: اگر خداوند به من امکانات می داد چنین و چنان می کردم. و این آرزو صادقانه باشد، خداوند پاداش آن کارهای خیر را به او مرحمت می فرماید.(۲) حتی اگر صادقانه آرزوی شهادت کند و از خداوند شهادت بخواهد،

خداوند او را به درجات شهدا می رساند گرچه در رختخواب از دنیا برود.(۳)

از لطف خدا همین بس که برای تصمیم به کار خیر پاداش می دهد، امّا برای نیّتِ گناه تا وقتی گناهی انجام نشود کیفر نمی کند.(۴)

۶- نیّت پاک می تواند مادّی ترین امور زندگی را عامل قرب انسان قرار دهد، چنانکه معنوی ترین حالات مانند سجده و گریه اگر از روی ریا باشد وسیله دوری انسان از خدا می گردد.

در روایات می خوانیم: همانگونه که جسم با روح پایدار است دین با نیت صادق استوار است.(۵) دل پاک و حُسن نیت از بهترین ذخائر و گنجینه های الهی است و هرچه نیت بهتر باشد ارزش این گنج بیشتر خواهد بود(۶) و اصولاً نیّت و تصمیم و اراده جدّی، توان بدنی

ص: ۷۶

۱- ۱۲۰) نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸.

۲- ۱۲۱) وسائل، ج ۱، ص ۴۰.

۳- ۱۲۲) بحار، ج ۷۰، ص ۲۰۱.

۴- ۱۲۳) وسائل ج ۱ ص ۴۰.

۵- ۱۲۴) بحار، ج ۷۸، ص ۳۱۲.

۶- ۱۲۵) غررالحکم.

انسان را چندبرابر می کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند در قیامت مردم را بر اساس نیّاتی که دارند محشور می کند.(۱) کسی که هدفش انجام وظیفه باشد برای او نوع کار و رسیدن به نتیجه مهم نیست. چنانکه قرآن می فرماید:

«وَ مَنْ یُقاتِلْ فی سَبیلِ اللَّهِ فَیُقْتَلْ اَوْ یَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتیهِ اَجْراً عَظیماً»(۲)

کسی که در راه خدا بجنگد، چه کشته شود و چه پیروز شود ما پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

آنچه مهم است جهاد در راه خداست اما اینکه نتیجه اش شکست باشد یا پیروزی، در پاداشِ الهی تأثیری ندارد. قرآن در جای دیگری می فرماید:

«وَ مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِراً اِلَی اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ یُدْرِکْهُ الْمَوْت فَقَدْ وَقَعَ اَجْرُه عَلَی اللَّهِ»(۳)

کسی که برای هجرت بسوی خدا و پیامبر، از خانه اش خارج شود و سپس مرگ او را دریابد پاداشش با خداست.

از این آیه نیز بخوبی فهمیده می شود که اگر انسان بخاطر خدا از خانه خارج شود، گرچه به مقصد هم نرسد پاداش دارد. مهم نیّتِ عمل است نه خود عمل، مهم قدم گذاردن در راه است نه رسیدن به مقصد.

رسول خداصلی الله علیه وآله به ابی ذر فرمود: تصمیم بر کار خیر داشته باش گرچه توفیق عمل پیدا نکنی، زیرا این تصمیم تو را از جرگه غافلین بیرون می آورد.(۴)

در حدیثی دیگر می خوانیم: هر کاری که همراه با نیت الهی باشد

ص: ۷۷

۱- ۱۲۶) قصار الجمل.

۲- ۱۲۷) سوره نساء، آیه ۷۴.

۳- ۱۲۸) سوره نساء، آیه ۱۰۰.

۴- ۱۲۹) وسائل، ج ۱، ص ۳۹.

بزرگ است، گرچه آن کـار سـاده و کوچـک باشـد.(۱) چنـانکه مهم ترین کارها، اگر با نیت صـحیح نباشـد ارزشـی نـدارد. پیامبرصـلی الله علیه وآله می فرمایـد: بیشتر شـهدای امّت من در رختخواب از دنیا می رونـد و چه بسـیارند کسانی که در جبهه کشته می شوند اما خدا بر نیتّ آنان آگاه است.(۲)

پیامبر گرامی اسـلام در جنگ تبوک فرمود: همانا کسانی که در مدینه هسـتند اما آرزوی جبهه و شرکت با ما را دارند بخاطر همان نیّت در اجر ما شریکند.(۳)

چنانکه در روایتی دیگر می خوانیم: کسی که با فکر بیدارشدن برای نماز شب به رختخواب می رود، اگر هم در خواب بماند خداوند خوابش را صدقه و نفس کشیدنش را تسبیح قرار می دهد و پاداشِ نماز شب را برایش ثبت می فرماید.(۴)

بی جهت نیست که به ما سفارش شده حتی در خوردن و خوابیدن هم هدف مقدّسی داشته باشید.(۵) و اگر شخصی را بخاطر خداوند دوست بدارید و خیال کنید که او انسان خوبی است، گرچه او دوزخی باشد اما شما مأجور هستید.(۶)

۳۷- امتیاز نیّت بر عمل

تفسیر نماز » امتیاز نیّت بر عمل

امتیـازی که نیّت کـار بر نفس کار دارد، این است که در انجام کار، گاهی ریا و خودنمائی مطرح است امّا در نیتّ چون یک امر درونی است و آثار ظاهری ندارد، ریا و سمعه و امثال آن راه ندارد. امتیاز

ص: ۷۸

۱- ۱۳۰) وسائل، ج ۱، ص ۸۷.

۲- ۱۳۱) محجّهالبیضاء، ج ۸، ص ۱۰۳.

۳- ۱۳۲) محجّهالبیضاء، ج ۸، ص ۱۰۴.

۴- ۱۳۳) بحار، ج ۷۰، ص ۲۰۶.

۵- ۱۳۴) وسائل، ج ۱، ص ۳۵.

۶- ۱۳۵) محجّهالبیضاء، ج ۴، ص ۳۷۴.

دیگر نیّت بر عمل آنست که همیشه و همه جا ممکن است و شرائط خاصی نمی طلبد امّا انجام یک عمل نیاز به شرائط و امکاناتِ فراوانی دارد.

در روایات، عنوانی است به نام روایاتِ «مَنْ بَلغ» که این دسته روایات می گوید: اگر کسی روایتی شنید که می گوید فلان عمل پاداش دارد و آن عمل را انجام داد، خداوند آن پاداش را به او می دهد گرچه آن روایت درست نباشد، زیرا کسی که به آن حدیث عمل کرده با حسن نیّت انجام داده است.

۳۸- درجات نیّت

تفسیر نماز » درجات نیّت

۱- گاهی ترس از قهر خدا یا طمع به لطف او انسان را به کاری وادار می کند. چنانکه قرآن در این مورد می فرماید: «اُدْعُوهُ خَوْفاً و طَمَعاً»(۱) خدا را در هر حال بخوانید؛ چه حال ترس، چه امید.

و یا در جای دیگری می فرماید: «یَدْعُونَنا رَغَباً وَ رَهَباً»(۲) ما را در حال امید یا ترس می خوانند.

۲- مرحله بالاتر آنست که انسان بخاطر تشکر از الطاف او کاری انجام دهد، گرچه پاداش یا کیفری از جانب خداوند نباشد. چنانکه حضرت علی علیه السلام می فرماید: «لَوْ لَمْ یَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلی مَعْصِیَتِهِ لَکانَ یَجِبُ اَلَّا یُعْصی شُکْراً لِنِعْمَتِهِ»(۳)

اگر خداوند بر معصیتش وعده عذاب نداده بود، بر انسان لازم بود بخاطر تشکر از نعمت های او نافرمانی او را نکند.

ص: ۷۹

۱- ۱۳۶) سوره اعراف، آیه ۵۶.

۲- ۱۳۷) سوره انبیا، آیه ۹۰

۳- ۱۳۸) نهج البلاغه، حکمت ۲۹۰..

۳- مرحله بالاتر، قرب به اوست که انسان بدون چشمداشتی به بهشت و یا ترسی از دوزخ، خدا را عبادت کند چون تنها او را شایسته بندگی و عبادت می داند.

۴- بالاترین مرحله آنست که عشق به خدا انسان را به کاری وادار کند، چنانکه علی علیه السلام عشق به مرگ و لقای خدا، از علاقه طفل به پستان مادر بیشتر می داند و حضرت قاسم فرزند امام حسن مجتبی علیهما السلام در کربلا می گوید: مرگ در راه خدا برای من از عسل شیرین تر است.

۳۹- نقش نیّت در مسائل کیفری

تفسیر نماز » نقش نیّت در مسائل کیفری

اسلام در مسائل کیفری نیز برای قصد و نیّت حساب جداگانه ای باز کرده است که به دو نمونه از آن اشاره می کنیم:

در مورد قتل، حساب کسی که از روی عمد و قصد کسی را کشته، از حساب کسی که بدون قصد سبب کشته شدن فردی شده، جداست و هریک حکم جداگانه ای دارد.(۱)

در سوگند و قسم نیز قرآن می فرماید:

«لا یُؤاخِذُکُم اللّه بِالَّلغْوِ فی اَیْمانکم»(۲)

خداوند شما را بواسطه قسم هایِ غیرجدّی مؤاخذه نمی کند.

لذا اگر کسی سوگندی یاد کند ولی نیّت و قصد جدّی نداشته باشد آن سوگند ارزشی ندارد.

ص: ۸۰

۱- ۱۳۹) سوره نساء، آیه ۹۲.

۲- ۱۴۰) سوره بقره، آیه ۲۲۵.

معرفت، مقدّمه قصد قربت

بهترین راهِ رسیدن به قصد قربت و نیّت پاک، معرفت و شناخت است.

اگر بدانیم محبوبیّت پیداکردن نزد مردم بدست خداست.(۱)

اگر بدانیم عزّت و قدرت تنها بدست اوست.(۲)

اگر بدانیم نفع و ضرر ما بدست دیگران نیست.(۳)

اگر بدانیم کار برای خدا، گاهی دو برابر، گاهی ده برابر و گاهی هفتصد برابر پاداش دارد، برای غیر او کار نمی کنیم.

اگر بدانیم بالارفتن در جامعه نشانه عظمت نیست، زیرا دودِ روسیاه هم بالا می رود!

اگر بدانیم توجّه و نظر مردم به ما ارزشی ندارد، زیرا اگر یک فیل هم در خیابان راه برود همه به او نگاه می کنند!

اگر به خطرات و رسوایی های ریاکاری توجه داشته باشیم.

اگر بدانیم روزی را در پیش داریم که احدی به فریاد احدی نمی رسد و تنها کسانی نجات می یابند که قلب سلیم داشته باشند.(۴)

و اگر بدانیم با نیّت فاسد چه ارزشهایی را از دست می دهیم،

خود را برای انجام کار خالص و با قصد قربت آماده می کنیم.

۴۰- آثار نیّت فاسد

تفسیر نماز » آثار نیّت فاسد

در خاتمه بحث نیّت، اشاره ای هم به آفاتِ نیّتِ فاسد می کنیم

۱- ۱۴۱) سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

۲- ۱۴۲) سوره بقره، آیه ۱۶۵.

۳- ۱۴۳) مناجات شعبانیه.

۴- ۱۴۴) سوره شعراء، آیه ۸۹.

چنانکه قبلاً برکات نیّتِ سالم را بیان کردیم.

۱- مستجاب نشدن دعا. امام سجّادعلیه السلام می فرماید: نیّت سوء سبب قبول نشدن دعاهاست.(۱)

نیّتِ غیرخدایی، نه تنها کارها را از رنگ الهی و عبادت بودن می اندازد، بلکه خطراتی را هم در بر دارد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر کسی وام بگیرد اما هدفش این باشد که آن را نپردازد به منزله سارق است.(۲) چنانکه اگر در ازدواج قصد پرداختِ مهریّه همسرش را نداشته باشد در نزد خدا به منزله زناکار است.(۳)

۲- محرومیّت از رزق. امام صادق علیه السلام فرمود: چه بسا مؤمنی که نیّت گناه می کند و خداوند او را از رزق محروم می کند.

نمونه عینی این حدیث، داستان باغی است که در قرآن آمده است:

در سوره قلم از آیه ۱۶ تا ۳۰ داستان گروهی آمده است که باغی داشتند و قصد کردند برای برداشت محصول شبانه بروند تا فقرا آگاه نشوند و چیزی از میوه ها را به فقرا ندهند.

سحرگاه که به سراغ باغ رفتند، دیدند باغ سوخته و خاکستر شده است. ابتدا گمان کردند راه را گم کرده اند، اما یکی از آنها که عاقل تر بود گفت: آیا من به شما تذکّر ندادم چنین قصد و نیّتی نکنید. شما

ص: ۸۲

۱- ۱۴۵) بحار، ج ۷۰، ص ۳۷۵.
۲- ۱۴۶) وسائل، ج ۱۲، ص ۸۶.
۳- ۱۴۷) وسائل ج ۱۵ ص ۲۲.

قصد محروم کردن فقرا را داشتید خداوند هم شما را از آن محروم کرد.

از این ماجرای قرآنی فهمیده می شود که خداوند گاهی بر اساس قصد و نیّتِ ما کیفر می دهد(۱) گرچه این امر کلیّت ندارد.

۳- سبب شقاوت است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «مِنَ الشّقاءِ فَسادُ النِّیَّه»(۲) نیّت فاسد نشانه شقاوت است.

۴- برکت از عمر و زندگی می رود. علی علیه السلام در جای دیگری می فرماید: «عِنْدَ فَسادَ النِّیَّه تَرْتَفِعُ الْبَرَکَه»(۳) خداوند برکت را از کسی که نیتش سالم نیست برمی دارد و او نمی تواند از نعمت های الهی به خوبی استفاده کند.

می گویند به شخصی گفتند: بخاطر فلان کارر خوبت، سه دعای مستجاب داری. خوشحال شد و گفت: خدایا! همسرم زیباترین زنان شود، همسرش بسیار زیبا شد اما زندگی برایش تلخ شد زیرا می دید که همه مردم چشم به زن او دوخته اند.

---

۱ – ۱۴۸) شخصی به من گفت: به یکی از جانبازانِ جنگ برخوردم که روی چرخ نشسته بود، جلو رفتم و او را بوسیدم. بوی عطر مرا که فهمید از من تقاضا کرد شیشه عطرم را به او بدهم. من گفتم: عطری برای شما می خرم ولی این عطر برای خودم باشد. به هر حال به او ندادم و از او جدا شدم ساعتی بعد که به دستشویی رفتم شیشه عطرم به درون مستراح افتاد. ناگهان متوجه شدم این کیفر آن بخل است و همانجا به حال خودم گریه کردم. آری، چه بسیار حسرت ها و ندامت ها که باید در قیامت بخوریم از اینکه برای خدا کاری نکرده ایم.

۲- ۱۴۹) غررالحکم، حدیث ۱۶۱۰.

۳- ۱۵۰) غررالحکم، حدیث ۱۶۱۵.

دعای دوّم را بکار بست که خدایا همسرم را زشت ترین زنان کن، دعایش مستجاب شد اما دیگر زندگی با چنین همسری قابل تحمّل نبود. از دعای سوّم استفاده کرد و گفت: خدایا همسرم مثل اوّلش شود.

دعایش مستجاب شد و همسرش به شکل اوّل بازگشت. او هر سه دعا را بکار بست اما نتیجه ای نگرفت. این است معنای برداشته شدن برکت که انسان از امکانات بهره خوب نبرد.

ص: ۸۴

۴۱- اللّه اکبر

تفسیر نماز » اللّه اکبر

زائران خانه خدا، اوّلین کلام واجبشان گفتن لبیّک است که با گفتن آن وارد اعمال حج می شوند و یک سری چیزها بر آنها حرام می شود.

نماز نیز با گفتن اللّه اکبر شروع می شود و اموری را بر نمازگزار حرام می کند، مانند خوردن، آشامیدن و حرف زدن، لذا به تکبیر اوّل نماز تکبیرهالاحرام می گویند.

زائران مکّه در مسیر راه به هر فراز و نشیب که می رسند لبیّک را تکرار می کنند و این تکرار مستحب است. نمازگزار نیز در هر خم و راست شدن و قیام و قعود مستحب است اللّه اکبر را تکرار کند.

«اللّه اکبر» اوّلین کلمه واجب به هنگام صبح است.

اوّلین کلمه ای است که نوزاد مسلمان در آغاز تولد به عنوان اذان و اقامه می شنود و آخرین کلمه ای است که بر مرده خوانده می شود (در نماز میّت) و سپس وارد قبر می شود.

یگانه ذکری است که در نماز هم واجب است و هم رکن نماز است.

اولین جمله در سرود مسلمانان یعنی اذان است.

«اللّه اکبر»، بیشترین ذکری است که هم در مقدّمات نماز، هم در خود نماز و هم در تعقیبات آن گفته می شود، بطوری که یک مسلمان در طول یک روز فقط در نمازهای پنجگانه واجب (نه نمازهای مستحب) حدود ۳۶۰ مرتبه آنرا تکرار می کند. بدین صورت که:

۱- برای هر ۵ نماز اذان وارد شده و در هر اذانی ۶ مرتبه «اللّه اکبر» گفته می شود (مجموعاً ۳۰ مرتبه)

۲- برای هر ۵ نماز اقامه وارد شده که در هر اقامه ای ۴ مرتبه اللّه اکبر گفته می شود (مجموعاً ۲۰ مرتبه)

۳- قبل از تکبیرهالاحرام، در هر ۵ نماز، ۶ تکبیر مستحب است و تکبیر هفتم همان تکبیرهالاحرام واجب است، (مجموعاً ۳۰ مرتبه)

۴- تکبیرهالاحرامِ آغاز نمازها که در مجموع ۵ تکبیر می شود.

۵ - قبل از هر رکوع در ۱۷ رکعت یک تکبیر وارد شده است. (مجموعاً ۱۷ مرتبه)

۶- در هر هفده رکعت نماز دو سجده داریم که برای هر سجده دو تکبیر مستحب است، یکی قبل و یکی بعد از آن. (مجموعاً ۶۸ مرتبه)

۷- هر نماز یک قنوت دارد که قبل از هر قنوت یک تکبیر وارد شده است (مجموعاً ۵ مرتبه).

۸ - در پایان هریک از نمازهای ۵گانه ۳ تکبیر وارد شده است. (مجموعاً ۱۵ مرتبه)

۹- بعد از هر نماز ۳۴ مرتبه تکبیر به عنوان تسبیحات حضرت زهرا می گوییم. (مجموعاً ۱۷۰ مرتبه)

اما حیف که در طول عمر یک اللّه اکبر با توجه نگفتیم، که اگر انسانی با ایمان و توجه کامل هر روز بیش از ۳۶۰ مرتبه بگوید: خدا بزرگتر است، دیگر از هیچ قدرت وابرقدرت و توطئه ای هراس ندارد

۴۲- تکبیر در نمازهای دیگر

تفسیر نماز » تکبیر در نمازهای دیگر

در نمازهای عید فطر و قربان، نه فقط در نماز که قبل و بعد نماز، شعارها همه تکبیر است.

در نماز آیات پنج رکوع داریم وبرای هر رکوع تکبیری وارد شده است.

ص: ۸۷

در نماز میّت نیز اصولاً ۵ تکبیر رکن نماز است.

در نماز چگونه تکبیر بگوییم؟

اسلام برای هر کار آدابی را بیان کرده است. در گفتن اللّه اکبر نیز آدابی باید مراعات شود، از جمله:

۱- هنگـام گفتن تکبیر در نمـاز، دو دست را تا مقابل گوش ها بالا بیاوریم، بطوری که وقتی دسـتها مقابل گوش رسـید تکبیر تمام شده باشد.

امام رضاعلیه السلام فرمود: حرکت دستها در موقع تکبیر در توجه و ابتهال به خدا و حضور قلب مؤثر است.(۱)

۲- انگشتان دست موقع تکبیر بهم چسبیده باشد و بالا رود.

۳- کف دستها رو به قبله باشد.

روایات بلندکردن دست هنگام تکبیر را زینت نماز معرّفی کرده اند.(۲)

۴۳- معنای تکبیر

تفسیر نماز » معنای تکبیر

اللّه اکبر، یعنی خدا برتر از همه موجوداتِ حسّی، ذهنی، مُلکی و ملکوتی است.

اللّه اکبر، یعنی خدا برتر از آنست که کسی بتواند او را توصیف کند.

ص: ۸۸

۱- ۱۵۱) وسائل، ج ۴، ص ۷۲۷.

۲- ۱۵۲) بحار، ج ۸۴، ص ۳۵۱.

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم

وز هرچه گفته ایم و شنیدیم و خوانده ایم

مجلس تمام گشت و به پایان رسید عمر

ما همچنان در اوّل وصف تو مانده ایم

امام صادق علیه السلام می فرماید: چون تکبیر می گویی باید همه چیز نزد تو کوچک شود جز او.(۱) اینکه انسان با زبان تکبیر بگوید اما دل به دیگری بسته باشد دروغگو و حیله گر است و بخاطر همین امر خداوند شیرینی ذکر خدا را از او می گیرد.

۴۴- تکبیر در فرهنگ اسلامی

تفسیر نماز » تکبیر در فرهنگ اسلامی

نه فقط در نماز، بلکه در بسیاری از موارد و مواضع، گفتن اللّه اکبر وارد شده است و لذا مسلمانان در صدر اسلام، هم در تلخی ها و هم در شادی ها تکبیر می گفته اند که ما به گوشه ای از آن اشاره می کنیم:

۱- در جنگ خندق، مسلمین هنگام کندن خندق به سنگ محکمی برخورد کردند که کلنگ شکست اما سنگ نشکست. پیامبر آمد و با ضربه ای سنگ را شکست. مسلمانان یک صدا تکبیر گفتند و در همانجا پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: من سقوط کاخهای روم و ایران را در برق و جرقه سنگ ها دیدم.(۲)

۲- علی علیه السلام در جنگ صفین، هر کس را که می کشت با صدای بلند تکبیر می گفت و مسلمین با شمردن تکبیرها فهمیدند که حضرت چه تعداد را به هلاکت رسانده است.(۳)

۱- ۱۵۳) سرّالصلوه، ص ۷۸.
۲- ۱۵۴) بحار، ج ۲۰، ص ۱۹۰.
۳- ۱۵۵) بحار، ج ۳۲، ص ۶۰.

۳- شبی که فاطمه زهراعلیها السلام را به خانه علی ابن ابیطالب علیهما السلام می بردند هفتادهزار فرشته، تکبیرگویان به زمین نازل شدند.(۱)

۴- پیامبر گرامی ما بر جنازه فاطمه بنت اسد، ۴۰ تکبیر(۲) و بر جنازه عموی خود حضرت حمزه، ۷۰ تکبیر خواندند.(۳)

۵ - مستحب است در مراسم حج هر سنگ ریزه ای که به جایگاه شیطان پرتاب می شود یک تکبیر گفته شود.(۴)

۶- در تسبیحات حضرت زهرا که ثوابش معادل هزار رکعت نماز مستحبی است، ۳۴ مرتبه تکبیر آمده است.(۵)

۷- هنگامی که پیامبراکرم متولد شد اولین کلمه ای که بر زبان آورد کلمه مبارکه اللّه اکبر بود.(۶)

۸ - روزی که مکّه بدست مسلمانان فتح شد، پیامبر وارد مسجدالحرام شد و به حجرالاسود اشاره کرد و تکبیر گفت و مسلمانان با صدای بلند چنان تکبیر گفتند که لرزه بر اندام مشرکین افتاد.(۷)

۹- در روایات می خوانیم: هرگاه چیزی موجب تعجب شما شد تکبیر بگویید.(۸)

۱۰- در جنگ اُحُد، قهرمانی از کفار مبارز می طلبید. حضرت علی علیه السلام جلو رفت و چنان ضربه ای بر او وارد کرد که پیامبر و

۱- ۱۵۶) بحار، ج ۴۳، ص ۱۰۴.

۲- ۱۵۷) بحار، ج ۳۵، ص ۷۰.

۳- ۱۵۸) بحار، ج ۲۰، ص ۶۳.

۴- ۱۵۹) بحار، ج ۱۱، ص ۱۶۸.

۵- ۱۶۰) بحار، ج ۱۵، ص ۲۴۸.

۶- ۱۶۱) بحار، ج ۱۵، ص ۲۷۳.

۷- ۱۶۲) تفسیرنمونه، ج ۲۷، ص ۴۰۷.

۸- ۱۶۳) بحار، ج ۹۲، ص ۱۲۷.

مسلمانان با صدای بلند تکبیر گفتند.(۱)

۱۱- پیـامبراکرم به حضـرت علی می فرمود: هرگـاه به هلال مـاه یا آینه نظر کردی و یا مشـکلی به تو رو آورد ۳ مرتبه تکبیر بگو.(۲)

۱۲- زید فرزند امام سجادعلیه السلام که علیه حکومت بنی امیّه قیام کرد، شعارش اللّه اکبر بود.(۳)

۱۳- در جنـگ بـدر، پیامبرصـلی الله علیه وآله در انتظـار هلاـکتِ یکی از سـران دشـمن به نـام نوفل بود، همین که خبر دادند حضرت علی او را از میان برداشت پیامبر تکبیر گفت.(۴)

۱۴- هنگامی که حضـرت علی به خواسـتگاری حضرت زهرا آمد، پیامبر فرمود: صبرکن تا موضوع را با دخترم فاطمه در میان بگذارم. اما حضرت زهرا سکوت کرد و چیزی نگفت. پیامبر فرمود: «اللّه اکبر سکوتها اقرارها».(۵)

۱۵- در جنـگ بـا خوارج، وقتی فرمانـده آنهـا به هلاـکت رسـید، حضـرت علی تکبیر گفت و سـجده کرد و همه مردم تکبیر گفتند.(۶)

۱۶- گروهی از یهود مسلمان شدند و به پیامبر گفتند: پیامبران قبلی جانشین داشته اند وصیّ شما کیست؟

در اینجا آیه ولایت نازل شد که رهبر شما خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که در حال رکوع

زکات می دهند.(۷) پیامبر فرمودند: به مسـجد برویم. وقتی وارد شدند فقیری را دیدند که خوشـحال است و حضـرت علی در حال رکوع

۱- ۱۶۴) بحار، ج ۲۰، ص ۱۲۶.

۲- ۱۶۵) بحار، ج ۹۲، ص ۱۴۵.

۳- ۱۶۶) کتاب زیدبن علی، ص ۱۸۶.

۴- ۱۶۷) بحار، ج ۱۹، ص ۲۸۱.

۵- ۱۶۸) بحار، ج ۴۳، ص ۹۳.

۶- ۱۶۹) بحار، ج ۴۱، ص ۳۴۱.

۷- ۱۷۰) سوره مائده، آیه ۵۵.

انگشتر خود را به او داده است. در این هنگام پیامبر تکبیر گفتند.(۱)

۱۷- گفتن تکبیر به هنگام ورود به حرم امامان معصوم سفارش شده است. چنانکه قبل از خواندن زیارت جامعه، ۱۰۰ تکبیر در سه مرحله می خوانیم که به قول مرحوم مجلسی شاید دلیل این همه تکبیر آن باشد که جملاتِ زیارت جامعه شما را دچار غلوّ در مورد امامان نکند.(۲)

۱۸- حضرت علی علیه السلام در قضاوت های خود وقتی مجرم را شناسایی می کرد تکبیر می گفت.(۳)

۱۹- میثم تمار که به جرم طرفداری از حضرت علی علیه السلام بدستور ابن زیاد به دار آویخته شد و با نیزه به او حمله کردند، در لحظه شهادت تکبیر می گفت و از دهانش خون می آمد.(۴)

۲۰- در شب معراج، پیامبر از هر آسمانی که می گذشت تکبیر می گفت.(۵)

۲۱- جبرئیل نزد پیامبر بود که حضرت علی وارد شد جبرئیل گفت: ای محمّد! به خدائی که ترا به پیامبری مبعوث کرد، اهل آسمان ها از اهل زمین این علی را بهتر و بیشتر می شناسند، هرگاه او در جنگ ها تکبیر می گوید ما فرشتگان نیز با او همصدا می شویم.(۶)

۲۲- در جنگ خیبر وقتی مسلمانان وارد قلعه شدند، چنان تکبیر می گفتند که یهودیان پا به فرار گذاشتند.(۷)

۱- ۱۷۱) بحار، ج ۳۵، ص ۱۸۳.
۲- ۱۷۲) بحار، ج ۱۶، ص ۹۹.
۳- ۱۷۳) بحار، ج ۴۰، ص ۲۶۰.
۴- ۱۷۴) بحار، ج ۴۲، ص ۱۲۵.
۵- ۱۷۵) بحار ج ۸۶ ص ۲۰۷.
۶- ۱۷۶) بحار، ج ۳۹، ص ۹۸.
۷- ۱۷۷) پیامبری و حکومت، ص ۱۴۶.

۴۵- سوره حمد

تفسیر نماز » سوره حمد

پس از گفتن تکبیرهالاحرام، باید سوره حمد خوانده شود و اگر این سوره در نماز خوانده نشود، نماز باطل است. «لا صلوه الاّ بفاتحه الکتاب»(۱)

نام دیگر این سوره، فاتحهالکتاب است، زیرا قرآن با این سوره آغاز می شود. این سوره هفت آیه دارد(۲) و بنا به روایت جابربن عبداللّه انصاری از رسول اکرم صلی الله علیه وآله بهترین سوره های قرآن است.(۳)

سوره حمد، تنها سوره ای است که بر هر مسلمانی واجب است حداقل روزی ده بار آنرا در نمازهای پنجگانه خود بخواند.

در اهمیت این سوره همین بس که در روایات آمده: اگر هفتاد مرتبه این سوره را بر مرده خواندید و زنده شد تعجب نکنید.(۴)

از نام گذاری این سوره به فاتحه الکتاب، معلوم می شود تمام آیات قرآن در زمان پیامبراکرم جمع آوری و به صورت کتاب درآمده و به امر ایشان در آغاز و ابتدای کتاب قرار داده شده است. آیات سوره مبارکه حمد، اشاراتی درباره خدا و صفات او، مسأله

ص: ۹۴

۱- ۱۷۸) مستدرک الوسائل، حدیث ۴۳۶۵.

۲- ۱۷۹) عدد هفت، عدد آسمان ها، ایام هفته، طواف، سعی بین صفا و مروه و عدد سنگ هایی است که به شیطان زده می شود.

۳- ۱۸۰) تفسیر کنزالدقائق.

۴- ۱۸۱) بحار، ج ۹۲، ص ۲۵۷.

معـاد، و درخواست رهروی در راه حق، و قبول حـاکمیت و ربوبیّت خداونـد دارد. همچنین در این سوره علاقه خود را به ادامه راه اولیای خدا و بیزاری و انزجار از گمراهان و

غضب شدگان ابراز می کنیم.

سوره حمد مایه شـفا است. هم شـفا از دردهای جسمانی و هم شفا از بیماری های روحی. مرحوم علامه امینی در کتاب تفسیر فاتحهالکتاب روایات فراوانی را در این زمینه نقل کرده است.

۴۶- درسهای تربیتی سوره حمد

تفسیر نماز » درسهای تربیتی سوره حمد

۱- انسان در تلاوت سوره حمد، با «بسم اللّه» از غیر خدا قطع امید می کند.

۲- با «ربّ العالمین» و «مالک یوم الدّین» احساس می کند که مربوب و مملوک است.

۳- با کلمه «ربّ العالمین» میان خود و هستی ارتباط برقرار می کند.

۴- با «الرّحمن الرّحیم» خود را در سایه لطف گسترده او می بیند.

۵ - با «مالکِ یوم الدین» غفلتش از قیامت زدوده می شود.

۶- با «ایّاک نَعبد» خودخواهی و شهرت طلبی را کنار می گذارد.

۷- با «ایّاک نستعین» از فکر یاری طلبی از غیرخدا بیرون می رود.

۸ - بـا «انعمتَ علیهم» می فهمـد که تقسیـم نعمت هـا بـدست اوست و بایـد حسادت را کنار گـذاشت، زیرا حسود در واقع از داوری و تقسیم روزی به دست خدا راضی نیست.

۹- با «اهدِنا الصّراط المُستقیم» رهسپاری در راه حق را درخواست کند.

۱۰- با «صراط الّذین انعمتَ علیهم» همبستگی خود را با پیروان راه خدا اعلام می دارد.

۱۱- و در نهایت با «غیرالمغضوب علیهم ولا الضّالین» از باطل و اهل باطل بیزاری می جوید.

«بِسم اللّه الرّحمن الرّحیم»

در میان مردم و اقوام مختلف رسم است که کارهای مهّم را با نام یکی از بزرگان خویش که مورد احترام و علاقه آنهاست، شروع می کنند، تا آن کار با میمنت و مبارکی آغاز شود و به انجام رسد.

البتّه هرکس بر اساس افکار و عقاید صحیح یا فاسد خود عمل می کند. بعضی با نام بتها و طاغوت ها و بعضی با نام و یاد خدا و به دست اولیای خدا کارهای خود را شروع می کنند. چنانکه امروز رسم شده ساختمان های مهم را، افراد مهمّ اولین کلنگش را بر زمین می زنند، در جنگ خندق نیز پیامبراکرم برای حفر خندق، اوّلین کلنگ را خود به زمین زدند.

بسم اللّه، سرآغاز کتاب وحی است. بسم اللّه، نه تنها در ابتدای قرآن بلکه در آغاز تمام کتاب های آسمانی بوده است. بسم اللّه، سرلوحه عمل همه انبیا بوده است. وقتی کشتی حضرت نوح در میان امواج طوفان به راه افتاد، نوح به یاران خود گفت: سوار شوید که: «بسم اللّه مجریها و مرسیها»(۱) حرکت و توقف این کشتی با نام خداست.

۱- ۱۸۲) سوره هود، آیه ۴۱.

حضرت سلیمان نیز وقتی ملکه سبا را به سوی خدا دعوت کرد، دعوتنامه خود را با جمله «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آغاز کرد.

حضرت علی علیه السلام می فرمود: «بسم اللّه» مایه برکت کارها و ترک آن موجب نافرجامی امور است.(۱)

همچنین به شخصی که جمله «بسم اللّه» را می نوشت فرمود: «جَوِّدها» آنرا نیکو بنویس.(۲)

به زبان آوردنِ «بسم اللّه» در شروع هر کاری سفارش شده است؛ غذاخوردن، خوابیدن، سوارشدن بر مرکب، نکاح و زناشویی و بسیاری از کارهای دیگر. حتی اگی حیوانی بدونِ گفتن «بسم اللّه» ذبح شود مصرف گوشت آن حرام است. و این رمز آن است که خوراکِ انسانِ هدفدار و موحّد نیز باید جهت الهی داشته باشد.

۴۷- چرا هر کاری را با «بسم اللّه» شروع کنیم؟

تفسیر نماز » چرا هر کاری را با «بسم اللّه» شروع کنیم؟

همانگونه که محصولات یک کارخانه آرم و علامت مخصوص آن کارخانه را دارد و مثلاً یک کارخانه چینی سازی علامت خود را روی تمام ظروف می زند، چه ظرفهای بزرگ و چه کوچک، و یا هر کشوری پرچمی مخصوص به خود دارد که هم بر فراز ادارات و پادگانها برافراشته است و هم بر فراز کشتی ها و هم بر روی میز اداری کارمندان، نام خدا و یاد خدا نیز آرم و نشانه مسلمانی است و جمله «بسم اللّه» علامت و رمز این مسلمانی است

و در هر کاری، چه بزرگ و چه کوچک و در هر مکانی، چه مسجد و چه کارخانه و در هر زمانی، چه صبح و چه شام، این کلام مبارک بر زبان مسلمان

ص: ۹۷

۱- ۱۸۳) بحار، ج ۷۶، ص ۳۸۵.

۲- ۱۸۴) کنزالعمّال، حدیث ۲۹۵۵۸.

جاری است و لذا در حدیث می خوانیم: «بسم اللّه» را فراموش نکن، حتی در نوشتن یک بیت شعر. روایاتی نیز در پاداش کسی که برای اوّلین بار «بسم اللّه» را به کودک یاد دهد، وارد شده است.(۱)

۴۸- آیا «بسم اللّه الرحمن الرحیم» جزء سوره حمد و یک آیه مستقل است؟

تفسیر نماز » آیا «بسم اللّه الرحمن الرحیم» جزء سوره حمد و یک آیه مستقل است؟

گرچه بعضی افراد، بسم اللّه را جزء سوره ندانسته و یا قرائت آن را در نماز ترک کرده اند، اما مورد اعتراض مسلمین واقع شده اند. چنانکه معاویه روزی در نماز بسم اللّه را نگفت، مردم به او اعتراض کرده و گفتند «اَسَرَقْتَ اَمْ نَسیتَ؟!» آیه را دزدیدی یا فراموش کردی؟(۲)

فخر رازی در تفسیر خود شانزده دلیل می آورد که بسم اللّه جزء سوره حمد است و آلوسی نیز در تفسیر خود این اعتقاد را دارد. احمدبن حنبل نیز در مُسند خود آورده است که بسم اللّه جزء سوره است.

به اعتقاد اهل بیت رسول اللّه صلوات اللّه علیهم اجمعین، که صد سال سابقه بر رهبران فقهیِ مذاهب اهل تسنّن دارند و در راه خدا به شهادت رسیده و در قرآن نیز بر عصمت و پاکی آنها تصریح شده است، جمله «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم» خود آیه ای مستقل و جزء سوره است.

امامان معصوم علیهم السلام اصرار داشتند که در نماز «بسم اللّه» را بلند بگویند و امام باقرعلیه السلام در مورد کسانی که آیه بسم اللّه را در نماز نمی خواندند و یا جزء سوره نمی شمردند فرمود: «سَرقوا اَکرم آیه»(۳)

۱- ۱۸۵) تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۳.

۲- ۱۸۶) مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۲۳۳.

۳- ۱۸۷) مسند احمد، ج ۳، ص ۱۷۷ و ج ۴، ص ۸۵.

بهترین آیه قرآن را به سرقت بردند!

علامه شـهید مطهری در تفسیر سوره حمد، ابن عباس، عاصم، کسائی، ابن عمر، ابن زبیر، عطاء، طاووس، فخر رازی و سیوطی را از جمله کسانی معرفی می کنـد که بسم اللّه را جزء سوره می دانسـته انـد. البتّه در ابتدای سوره برائت (سوره توبه)، بسم اللّه نیامـده است که به فرموده حضـرت علی علیه السـلام بخاطر آن است که بسم اللّه کلمه امان و رحمت است و با اعلام برائت از مشرکین سازگار نیست.

۴۹- بسم اللّه

تفسیر نماز » بسم اللّه

بسم اللّه، نشانگر رنگ وصبغه الهی وبیانگر جهت گیری توحیدی ماست.

بسم اللّه، رمز توحیـد و به نـام دیگران رمز کفر و به نـام خـدا و دیگران نشانه شـرک است. نه درکنار نام خـدا، نام دیگری را ببریم و نه به جای نام او نام دیگری قرار دهیم. معنایِ «سَبِحّ اسْمَ رَبّک» آن است که حتی اسم پروردگار نیز باید از هر شریکی منزّه باشد.

بسم اللّه، رمز بقا و دوام است و هرچه رنگ خدایی نداشته باشد فانی است.(۱)

بسم اللّه، رمز عشق به خدا و توکّل به اوست.

بسم اللّه، رمز دوری از تکبر و اظهار عجز به درگاه خداست.

بسم اللّه، رمز بیمه کردن کارها با نام خداست.

ص: ۹۹

۱- ۱۸۸) کُلُّ شَئ هالِکٌ اِلّا وَجْهه». سوره قصص، آیه ۸۸.

بسم اللّه، رمز قداست بخشیدن به کارهاست.

بسم اللّه، رمز ذکر و یاد همیشگی خداست که خدایا ترا در هیچ حال فراموش نمی کنم.

بسم اللّه، بیانگر هدف انسان است که خدایا هدفم تو هستی، نه مردم، نه دنیا و نه هوسها.

بسم اللّه، یعنی فقط و فقط از او استمداد می جویم نه دیگران.

بسم اللّه، بیانگر آن است که محتوای سوره از مبدأ حق و مظهر رحمت نازل شده است.

۵۰- واژه اللّه

تفسیر نماز » واژه اللّه

بعضی ریشه «اللّه» را از «اَلِهَ» به معنای «عَبَدَ» دانسته اند و «اللّه» را به معبود واقعی معنی کرده اند که تمام کمالات را دارا باشد.

امّا بعضی ریشه آنرا «وَلِهَ» دانسته اند که بمعنای دلباختگی و عشق و حیرت است. بنابراین کلمه «اللّه» یعنی ذات مقدسی که جذبه او همه را متحیر و شیفته خود ساخته است.

باید توجه داشت کلمه «خدا» یا «خداوند» ترجمه ای کامل برای کلمه «اللّه» نیست، زیرا «خدا» در اصل «خودآی» بوده که در فلسفه، واجب الوجود گفته می شود و کلمه «خداوند» نیز بمعنای صاحب است. چنانکه در ادبیات فارسی می گوییم: «خداوندِ خانه» یعنی صاحبِ خانه.

و ناگفته پیداست که معنای صاحب یا وجودِ واجب برای ترجمه اللّه کوتاه و نارساست. بلکه «اللّه» یعنی ذاتی که شایسته عشق و پرستش است، زیرا همه کمالات را در بر دارد.

ص: ۱۰۰

در قرآن حدود صد نام برای خدا آمده است که «اللّه» جامع ترین آنهاست. اصولاً نام های خداوند هر کدام اشاره به صفتی از صفات خدا دارد، نه آنکه فقط یک علامت و نشانه ای برای خدا باشد. نام های افراد بشر مختلف است، بعضی نامها فقط علامت اند و هیچ نظری به معنای لفظ و مطابقت آن معنی با صفات آن شخص ندارند، بلکه گاهی هم مخالفت دارند مثل آنکه اسم شخص بسیار دروغگویی، صادق باشد!

اما گاهی نام یک شخص علاوه بر آنکه اسم اوست، وصف او نیز هست و اشاره به صفات و کمالات او دارد مثل، اسم صادق برای انسان راستگو.

بعضی نامها مثل صدای زنگ ساعت تنها علامت فرارسیدن زمان است، اما بعضی نامها نظیر صدای مؤذّن هم علامت است و هم محتوا دارد.

قرآن می فرماید: «وَ لِلّهِ الاَسْماءُ الحُسنی»(۱) یعنی نام های نیکو و بهترین نامها مخصوص خداست. در روایات ۹۹ نام برای خدا ذکر شده که به عنوان اسماء حسنی معرفی شده اند و آمده است هرکس خدا را با این نامها بخواند دعایش مستجاب می شود.(۲) و در دعای جوشن کبیر خدا را با هزار نام و صفت می خوانیم.

آمدن دو کلمه «رحمن» و «رحیم» بدنبالِ «اللّه» رمز آن است که انسان کار خود را با امید به لطف و رحمت الهی آغاز کند و بداند که منشأ همه امیدها و رحمتها خداست.

شروع کار با الفاظ رحمت، رمز آن است که اصل و بنای الهی بر

۱- ۱۸۹) سوره اعراف، آیه ۱۸۰.

۲- ۱۹۰) تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۷.

لطف و رحمت است و سزاوار است که انسان از سرچشمه رحمت الهی استمداد کند.

رحمن، نام مخصوص خداست زیرا تنها رحمت او گسترده و فراگیر و همیشگی است. دیگران یا رحمتی ندارند و یا گسترده نیست، علاوه بر آنکه دیگران اگر هم چیزی می بخشند توقع پاداش دنیوی یا اخروی دارند، علف می دهند تا شیر بدوشند!

در مورد دو واژه «الرّحمن» و «الرّحیم» در ذیل آیه «الرّحمن الرّحیم» بیشتر سخن خواهیم گفت.

۵۱- «اَلْحَمدُ لِلَّهِ»

تفسیر نماز » «اَلْحَمدُ لِلَّهِ»

کلماتِ «حمد»، «مدح» و «شکر»، گرچه در ظاهر یک معنی دارند، اما هرکدام در جای خاصی بکار می روند. مثلاً: کلمه «مَدح» به معنای ستایش است، چه ستایش به حق باشد و چه از روی چاپلوسی و ناحق، چه بخاطر کمالاتِ فرد باشد و چه از ترس و طمع و یا اغفال و خودشیرینی.

کلمه «شکر»، سپاس در برابر خیر و نعمتی است که از دیگران به انسان رسیده است.

اما در کلمه «حَمد»، علاوه بر ستایش و سپاس، معنای دیگری نیز نهفته و آن پرستش است. سپاس و ستایشی که به حدّ پرستش برسد، حمد است و لذا مدح و شکر دیگران جایز است، اما حَمد مخصوص خداست، زیرا پرستش مخصوص اوست.

گرچه بعد از «الحمدلِلّه» چهار وصف برای خدا آمده است: «ربّ العالمین»، «الرّحمن»، «الرّحیم»، «مالک یوم الدین» که نشان می دهد انسان باید بخاطر این الطاف و عظمت الهی، حمدگویِ خدا

باشـد، امـا قبل از هر چیز کلمه «لِلّه» آمـده است، یعنی حمـد تنها برای اوست چون تنها او شایسـته حمـد است، بر فرض هم که چنین اوصافی در کنارش نیامده باشد.

گر از دوست چشمت به احسان اوست

تو در بند خویشی نه در بند دوست

۵۲- «رَبِّ العالَمینَ»

تفسیر نماز » «رَبِّ العالَمینَ»

خداوند، پروردگار همه هستی است. آنچه در آسـمانها و زمین و میان آنهاست، پروردگارشان اوست: «رَبُّ السَّمواتِ وَالْاَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما»(۱) و «هُوَ رَبُّ کُلِّ شَی ءٍ»(۲)

حضـرت علی علیه السـلام در تفسـیر «عـالَمین» می فرماینـد: «من الجمـادات و الحیوانـات» یعنی او پروردگـار جمـاد و حیوان، جاندار و بی جان است.

گرچه گـاهی مراد از «عـالَمین» در قرآن، انسـان هـا هسـتند، امّـا بیشتر موارد، عـالَم به معنای مخلوقات و عالمین به معنای تمام مخلوقـات اسـتعمال شـده است. از این آیه فهمیـده می شود پروردگار تمام هستی اوست و آنچه در جاهلیت و در میان بعضـی ملّت ها اعتقاد داشتند که برای هر نوعی از موجودات، خدائی مستقل است که «ربّ النّوع» آن پدیده است، فکری باطل است.

خداونـد برای همه موجـودات پس از آفرینش، مسـیری برای رشـد و تکامـل تعیین نمـوده و تربیت الهی همـان مسـیر هـدایت اوست. «رَبُّنَا الَّذی اَعْطی کُلَّ شَی ءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی»(۳) پرودگار ما کسی است که به همه موجودات نعمت

۱- ۱۹۱) سوره مریم، آیه ۶۵.

۲- ۱۹۲) سوره انعام، آیه ۱۶۴.

۳- ۱۹۳) سوره طه آیه ۵۰.

وجود بخشیده و سپس آنها را به سوی کمال هدایت نموده است. اوست که به زنبور عسل یاد داده از چه گیاهی بمکد و به مورچه آموخته چگونه قوت زمستانی خود را ذخیره کند و بدن انسان را

چنان آفریده که بطور خودکار خون سازی کند.

آری چنین خداوندی شایسته سپاس وستایش است. یکی از ویژگی های انسان آن است که در برابر جمال و کمال و زیبائی، ستایش و در برابر نعمت ها و احسان ها تشکر می کند. خداوند متعال، بخاطر کمال و جمالش شایسته ستایش و بخاطر احسان و اِنعامش لایق شکرگزاری است. البتّه تشکر از خدا، منافاتی با سپاسگزاری از مخلوق ندارد، به شرط آنکه به امر خدا و در مسیر خدا باشد. گرچه درواقع هر کس با هر زبانی هرگونه ستایشی

از دیگران می کند، در حقیقت منشأ و سرچشمه آن را حمد می کند.

«ربّ العالَمین» یعنی رابطه خداوند با مخلوقات رابطه ای دائمی و تنگاتنگ است.

«ربّ العالَمین» یعنی امکان رشد و تربیت برای همه وجود دارد. نه تنها خوبان که بدها نیز در حال بهره گیری از نعمت های الهی هستند. «کُلَّاً نُمِدُّ هؤلاءِ وَ هؤُلاءِ»(۱) خداوند می فرماید: ما همه را کمک می کنیم و میدان را برای همه باز گذاشته ایم تا هرکس به هر هدفی که دارد برسد. البتّه چون دنیا دار تزاحم و موانع است، طبیعی است که همه کس به همه

۱- ۱۹۴) سوره اسراء، آیه ۲۰.

آرزوهایش نمی رسد.

«ربّ العالمین» یعنی خداونـد هم مالکِ هستی است هم مـدبّر آن. کلمه «ربّ» یا از ریشه «رَبَیَ» به معنای رشـد و تربیت گرفته شده و یا از واژه «رَبَّ» به معنای صاحب. خداوند هم صاحب جهان است هم مربّی و مدبّر آن. «لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمر تَبارَک اللّهُ رَبُّ الْعالَمینَ»(۱) هم آفرینش از اوست هم اداره آن و هم پرورش دهنده همه اوست.

طبق روایات کلمه «الحمدللّه ربّ العالمین» بهترین تشـکر از نعمت های خداوند است و لذا سفارش شده قبل از هرگونه دعا و درخواستی از خـدا، حمـد خدا کنید وگرنه دعا ناقص است. نه تنها در آغازِ دعا و نیایش، بلکه اهل بهشت در پایان کار همان شعار را تکرار می کنند که: «وَ آخِرُ دَعْویهُمْ اَنِ الْحَمدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ»(۲)

۵۳- «اَلرَّحْمنِ الرَّحیمِ»

تفسیر نماز » «اَلرَّحْمنِ الرَّحیمِ»

ترجمه این دو کلمه به «بخشـنده مهربان» ترجمه کامل و رسائی نیست، زیرا به قول علاّمه شهید مطهّری، بخشنده مهربان ترجمه جواد و رئوف است، نه رحمن و رحیم و اصولاً برای این دو کلمه، واژه معادلِ فارسی یافت نشده است.

گرچـه «رحمـن» و «رحیـم» هر دو از ریشـه «رحمـه» گرفته شـده انـد، امّـا «رحمن» به رحمتِ گسـترده الهی گفته می شـود که ابتـدائی است و همه انسـان هـا را شامـل می شود، ولی «رحیم» رحمتی است که به عنوان پـاداش و نتیجه کارهای خوب تنها بر نیکوکاران نازل

۱- ۱۹۵) سوره اعراف، آیه ۵۴.

۲- ۱۹۶) سوره یونس، آیه ۱۰.

می شود. لـذا به فرموده امام صادق علیه السـلام خداونـد نسـبت به تمام مخلوقات «رحمن» است، اما تنها به مؤمنان رحیم است. خداوند رحمت را بر خود واجب کرده است:

«کَتبَ عَلی نَفسِهِ الرَّحمَه»(۱) چنانکه پیامبر و کتاب او نیز برای هستی، رحمت است: «رَحْمَةً لِلْعالَمینَ»(۲)

پرورش و تربیت او بر اسـاس رحمت است و کیفر و عقوبت او نیز همچون چوب معلّم لازمه تربیت است. بخشـیدن گناهان و قبول توبه بندگان و عیب پوشی آنان و دادن فرصت برای جبران گذشته همه مظاهر رحمت فراگیر او هستند.

اصولاً هستی جلوه رحمت اوست و هرچه از جانب او به هر موجودی برسـد لطف و رحمت است، لذا همه سوره های قرآن با «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آغاز می شود.

«الرحمن الرحیم» در کنـار «ربّ العـالمین»، یعنی تربیت الهی بر اساس لطف و رحمت است، چنانکه تعلیم او نیز بر پایه رحم و مهربانی است: «اَلرَّحْمنُ عَلَّمَ الْقُرآنَ»(۳) خـدایِ مهربان قرآن را به بشـر تعلیم کرد. و این خود درسـی برای ما انسان هاست که معلّم و مربّی باید همواره مهربان و رحیم باشد.

۵۴- «مالِک یَوْمِ الدّینِ»

تفسیر نماز » «مالِکِ یَوْمِ الدّینِ»

او مالـک روز جزاسـت. خداونـد هـم مالـک است و هم مَلِک. هسـتی نیز هم مِلـک تحتِ مـالکیّت اوست و هم مُلـک تحت سلطنت و حکومت او. مالکیّت او فراگیر است و همه چیز را شامل می شود

ص: ۱۰۶

۱- ۱۹۷) سوره انعام، آیه ۱۲.

۲- ۱۹۸) سوره انبیا، آیه ۱۰۷.

۳- ۱۹۹) سوره الرحمن، آیه ۲.

و حتی حکومت هم تحت مـالکیت اوست: «قُل اللّهُمَّ مالِك المُلْك»(۱) چنانکه انسان نیز نسبت به اعضای بدن خود هم مالک است و هم حاکم و فرمانروا.

مالکیت خـدا واقعی است، نه اعتباری و قراردادی. گرچه خداوند هم مالكِ دنیاست و هم آخرت، اما چون انسان در دنیا خود را مالک اشیـا و امور می بیند از مالكِ اصـلی غافل می شود، ولی در آن روز که همه اسباب قطع و نسبت ها محو و زبانها مُهر زده می شود، مالکیتِ الهی را بخوبی احساس و ادراک می کنـد، لذا به او خطاب می شود: «لِمَنِ الْمُلْك الْيَوْم» امروز حکومت از آن کیست؟ و او که تازه چشمش باز شده

می گوید: «لِلَّهِ الْواحِدِ الْقَّهار»(۲)

نمازگزاری که در هر نماز می گویـد: خداونـد «مالک یوم الـدین» است همواره در یادِ معاد و قیامت است و هر کاری که می خواهد بکند از ابتدا به فکر حساب و کتاب روز جزاست.

۵۵– واژه دین

تفسیر نماز » واژه دین

کلمه «دین» در معانی گوناگون بکار رفته است:

۱– شریعت و قانون الهی، چنانکه قرآن می فرماید: «اِنَّ الدّينَ عِنْدَاللَّهِ الْاِسْلام»(۳) همانا دین در نزد خدا اسلام است.

۲– عمل و اطاعت، چنانکه قرآن می فرماید: «لِلَّهِ الدّينُ الْخالِصُ»(۴) دین خالص (عمل خالص) برای خداست.

۱– ۲۰۰) سوره آل عمران، آیه ۲۶.

۲– ۲۰۱) سوره مؤمن، آیه ۱۶.

۳– ۲۰۲) سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۴– ۲۰۳) سوره زمر، آیه ۳.

۳- حساب وجزا، چنانکه این آیه شریفه می فرماید: «مالِك یَوْمِ الدّینِ»

یکی از نام های روز قیامت، «یوم الـدّین» است، یعنی روز کیفر و پاداش. چنانکه قرآن از قول منکرانِ قیامت نقل می کند که: «یَسْئَلُونَ اَیّانَ یَوْمُ الدّینِ»(۱) می پرسـند روز قیـامت چه وقت است؟ و یـا در مقام معرفی این روز می فرمایـد: «ثُمَّ ما اَدْریک ما یَوْمُ الدّینِ یَوْمَ لا تَمْلِك لِنَفْسٍ شَیْئاً وَالْاَمْرُ یَوْمَئِذٍ لِلّه»(۲) نمی دانی روز دین (روز قیامت) چه روزی است؟! روزی است

که هیچکس برای کسی کارآئی ندارد و تنها فرمان الهی حاکم است.

«مالک یوم الدّین» انذار و هشدار است که ای نمازگزار از امروز به فکر فردا باش. فردایی که «لا یَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ»(۳) مال و ثروت و فرزنـد نفعی نـدارد، فردائی که «لَنْ تَنْفَعَکُمْ اَرْحامُکُمْ»(۴) بسـتگان و نزدیکان نیز فایـده ای نمی رسانند، فردایی که نه زبـان اجـازه عذرتراشـی دارد و نه فکر فرصت تـدبیر، فردایی که تنهـا یـک چیز کارساز و چاره ساز است و آن لطف خـداوند است.

قرارگرفتنِ «مالک یوم الـدّین» در کنار «الرّحمن الرحیم» نشان می دهـد که بیم و امیـد باید در کنار هم باشـند و تشویق و تنبیه در کنار یکدیگر. چنانکه قرآن کریم در آیه ای دیگر می فرماید:

«نَبِّئْ عِبادی اَنّی اَنَا الْغَفُورُ الرَّحیمُ وَ اَنَّ عَذابی هُوَ الْعَذابُ الْاَلیمُ»(۵)

ای پیامبر! به بندگانم خبرده که من بسیار مهربان و آمرزنده ام ولی عذاب و مجازات من نیز دردناک است. و در آیه ای دیگر خداوند

۱- ۲۰۴) سوره ذاریات، آیه ۱۲.

۲- ۲۰۵) سوره انفطار، آیه ۱۹.

۳- ۲۰۶) سوره شعراء، آیه ۸۸.

۴- ۲۰۷) سوره ممتحنه، آیه ۳.

۵- ۲۰۸) سوره حجر، آیه ۴۹ - ۵۰.

را چنین معرفی می کنـد: «قابِلُ التَّوْبِ شَدیـدُ الْعِقابِ»(۱) خداونـد هم پذیرنـده توبه گنهکاران است و هم عقوبت کننده شدید گنهکاران.

به هرحال «الرّحمن الرّحیم» امیددهنـده است و «مالِکِ یَوم الـدّین» بیم دهنـده، و مسـلمان باید میان بیم و امید و خوف و رجاء باشد تا نه دچار غرور گردد و نه مأیوس از رحمت الهی.

۵۶- «اِیَّاک نَعْبُدُ وَ اِیَّاک نَسْتَعینُ»

تفسیر نماز » «اِیَّاک نَعْبُدُ وَ اِیَّاک نَسْتَعینُ»

خدایا تنها ترا می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم.

«ایّاک نعبـد» یعنی فقـط بنـده تـو هسـتیم نه بنـده دیگران. این جمله دو بُعـد دارد: یکی اثبـاتِ بنـدگی برای او و دیگری نفی بنـدگی برای غیر او. آری مکتب کامل در کنار ایمان به خدا، کفر به طاغوت دارد و کسانی که به خدا ایمان دارند، امّا سـلطه طاغوت ها را پذیرفته اند نیمه مسـلمان هسـتند و شاید نامسـلمان! ایمان به خدا منهای کفر به طاغوت، یعنی مسـلمان اسیر! برای رهایی از قرارگرفتن در مدار شرک باید به مرکز وحدت

و قـدرت پناهنـده شـد و لـذا نمـازگزار در نمـاز تنهـا خود را نمی بینـد که به فکر خود باشـد، بلکه گویا به نماینـدگی از تمام موحّدان سـخن می گوید که: خدایا! من به تنهایی قابل و لایق نیسـتم تا عبادتی شایسته داشته باشم و لذا در میان جمعِ مسلمین آمده ام و ما همگی تو را عبادت و بندگی می کنیم. نه فقط من که همه ما از تو استمداد می جوئیم. بنابراین نماز باید در اصل به جماعت خوانده شود و نماز فرادی در مرحله

بعدی قرار دارد.

۱- ۲۰۹) سوره غافر، آیه ۳.

آیات قبلی به ما توحید نظری و شناخت صحیح از خداوند داد و این آیه توحید عبادی وعملی را مطرح می کند که نه فقط خدا را به یگانگی بشناس، بلکه در عمل نیز تنها یگانه را عبادت کن و یگانه پرست باش. چرا خدایِ رحمن و رحیم و ربّ و مالک را رها کنی و به سراغ بندگی دیگران بروی؟ فقط بنده خدا باش نه بنده شرق و غرب، نه بنده زر و زور و نه بنده طاغوت ها. حتّی حق بندگی و اطاعتِ از صالحان را نداری، مگر آنکه

خداوند به تو اجازه یا دستور دهد. چنانکه در مورد پیامبرش می فرماید: «مَنْ یُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ اَطاعَ اللَّهَ»(۱) هرکس از رسول پیروی کند خدا را اطاعت کرده است. چنانکه اگر اطاعت از پدر و مادر می کنیم، چون او به ما دستور داده است و در حقیقت اطاعت از خدا می کنیم.

انسان باید به حکم عقل تنها بندگی خدا را بپذیرد، زیرا ما انسان ها عاشق کمال هستیم و نیازمند رشد و تربیت، و خداوند نیز جامع تمام کمالات و ربّ تمام آفرینش است. اگر به مهر و محبّت نیازمندیم او رحمن و رحیم است و اگر از آینده دور نگرانیم او صاحب اختیار و مالک آن روز است، پس چرا به سوی دیگران برویم و از آنها مدد بخواهیم؟

«ایّاک نَعبد» یعنی با مردم هستم، اما به غیر تو دل نبسته ام. نه از اجتماع مسلمین کناره می گیرم که خلق تو را فراموش کنم و نه در جامعه ذوب می شوم که تو خالق را رها کنم. بلکه می دانم مسیر به سوی خالق از میان خلق می گذرد.

۱- ۲۱۰) سوره نساء، آیه ۸۰.

«ایّاک نَستعین» یعنی گرچه از اسباب و وسائلی که تو در آفرینش قرار داده ای استفاده می کنیم، اما می دانیم اثر وکارآیی هر وسیله وسببی بدست توست. تو سبب ساز و سبب سوزی. هم چیزی را سبب قرار می دهی و هم می توانی اثر آنرا بگیری. اراده تو حاکم بر همه قوانین است وطبیعت محکوم اراده توست.

«ایّاک نَعبد» یعنی تنها تو شایسته پرستشی و ما نه از روی ترس و طمع، بلکه از روی عشق و محبّت تو را عبادت می کنیم. کدام محبوب از تو به ما نزدیکتر و به ما مهربان تر؟

«ایّاک نَعبد و ایّاک نَستعین» یعنی نه جبر و نه تفویض. چون می گوییم «نَعْبُدُ» پس دارای اختیار هستیم و چون می گوییم «نستعین» پس نیازمندیم و همه امور در اختیار ما نیست.

«ایّاک نَعبُد و ایّاک نَستَعین» یعنی نماز را به جماعت می خوانیم و با مسلمانان در یک صف، برادر و برابر و همدل و هماهنگ هستیم.

«ایّاک نَعبُد» یعنی خدایا من تو را بر خود حاضر و ناظر می بینم و لذا می گویم: «ایّاک» و بنده ای که خود را در محضر خدای تعالی ببیند زودتر بهره می گیرد.

از ابتدای سوره حمد بطور غیابی با خدا سخن می گفتیم، اما در اینجا به حضور و خطاب می رسیم. اوّل با صفات خدا آشنا می شویم اما کم کم به خودش می رسیم. و نه فقط یکبار بلکه چون گفتگو با محبوب شیرین است، کلمه «ایّاک» را تکرار می کنیم.

خدایا! گرچه عبادت از ماست، امّا در عبات کردن هم نیازمند کمک تو هستیم: «وَ ما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا اَنْ هَدنَا اللّهُ»(۱) اگر هدایت الهی

ص: ۱۱۱

۱- ۲۱۱) سوره اعراف، آیه ۴۳.

نبود ما هدایت نمی یافتیم.

گرچه تنها از او استعانت می جوئیم، امّا استمداد از غیر او اگر با رضایت او باشد اشکال ندارد. چنانکه انسان از استعداد و نیرو و فکر خود کمک می گیرد و این منافاتی با توحید ندارد. خداوند خود به ما دستور می دهد: «تَعاوَنُوا» زیرا زندگی بدون تعاون و یاری امکان ندارد. حضرت علی علیه السلام به کسی که دعا می کرد: خدایا! مرا محتاج مردم نکن، فرمود: این حرف صحیح نیست، بلکه بگو: خدایا! مرا محتاج

افراد بد نکن، زیرا زندگی بدون همکاری و همیاری ممکن نیست.

کسی که صادقانه بگوید: «ایّاک نَعبُد» دیگر روح تکبر و غرور و خودخواهی ندارد و در برابر دستورات الهی خاضع و مطیع است. می داند که چون خداوند بیشترین لطف را بر او کرده، باید بهترین تذلّل را به درگاهش بیاورد. همچون عبد مطلق در برابر مولای مطلق بایستد و خاضعانه بگوید: من بنده ام و تو مولایی. من کسی جز تو را ندارم، امّا تو غیر مرا فراوان داری. تو به عبادتِ من نیاز نداری، بلکه من سراپا محتاج لطف

و کرم تو هستم و باید همواره از تو مدد بجویم.

۵۷- «اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیم»

تفسیر نماز » «اِهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقیم»

خداوندا! ما را به راه مستقیم هدایت فرما.

کاروان هستی در حال حرکت بسوی خداست: «اِلَیْهِ الْمَصیر»(۱) و

۱- ۲۱۲) سوره مائده، آیه ۱۸.

انسـان نیز در تلاـش و حرکـت: «اِنَّک کـادِحٌ اِلی رَبِّک»(۱) و در هر حرکـتی تنهـا یـک راه مسـتقیم وجـود دارد و بـاقی راهها انحرافی است. اسـلام برای این حرکت هم راه تعیین نموده هم راهنما، هم مقصـد را مشـخص کرده و هم وسـیله حرکت را در اختیار انسان قرار داده است و این ما هستیم که باید انتخاب کنیم به کدام راه برویم.

خداونـد در عمق جـان و فطرت هر انسان، میل به رشـد و کمال و حق جوئی را قرار داده که اگر این میل و کشـش را در پرتو تعلیمـات انبیـا پرورش داد مـورد عنـایت خـاص خداونـد قرار می گیرد: «وَالَّذینَ اهْتَـدَوْازادَ هُمْ هُـدیً»(۲) آنـان که هـدایت را بپذیرند خداوند هدایتشان را بیشتر می کند و راههای خودش را به آنها نشان می دهد.

قرآن دو نوع هدایت را مطرح می کند، یکی هدایت تکوینی نظیر هدایت زنبور عسل که چگونه از شهد گلها بمکد و چگونه عسل بسازد و یکی هدایت تشریعی که اختصاص به انسان ها دارد و همان راهنمائی های انبیای الهی است.

۵۸– صراط مستقیم کدام است؟

تفسیر نماز » صراط مستقیم کدام است؟

کلمه «صـراط» که بیش از ۴۰ مرتبه در قرآن آمـده است، به معنی راه هموار، روشن و وسـیع است. در زنـدگی انسـان راههای متعددی وجود دارد که او باید یکی از آنها را انتخاب کند:

راه هوس های خود، راه هوس های مردم، راه طاغوت ها، راه نیاکان و پیشینیان به جهت تعصّب های قومی و نژادی، راه

۱– ۲۱۳) سوره انشقاق، آیه ۶.

۲– ۲۱۴) سوره محمّد، آیه ۱۷.

وسوسه های شیطانی، راههای تجربه نشده و بالاخره راه خدا و اولیای خدا.

طبیعی است که انسان معتقد به خدا از میان این همه راه تنها راه خدا و اولیای او را انتخاب می کند، زیرا این راه امتیازاتی دارد که دیگر راهها ندارند:

* راه مستقیم، کوتاه ترین راه میان دو نقطه است، لذا این راه نزدیکترین راه برای رسیدن به مقصود است.

* راه الهی ثابت است، برخلاف راههای دیگر که طبق هوسهای خود یا دیگران هر روز تغییر می کند.

* یک راه بیشتر نیست، زیرا میان دو نقطه تنها یک خط مستقیم وجود دارد. اما راههای دیگر متعدد است.

* راهی مطمئن و بی خطر است، برخلاف راههای دیگر که انسان همواره در معرض خطر سقوط قرار دارد.

* راهی که انسان را به مقصد، یعنی رضای خدا می رساند و در آن شکست و باخت وجود ندارد.

* راه مستقیم، راه خداست: «اِنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقیم»(۱)

* راه مستقیم، همان راه انبیاست: «اِنَّک لَمِنَ الْمُرْسَلینَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ»(۲)

* راه مستقیم، راه بندگی خداست: «وَ اَنِ اعْبُدُوانی هذا صِراطٌ مُسْتَقیمٌ»(۳)

۱- ۲۱۵) سوره هود، آیه ۵۶.

۲- ۲۱۶) سوره یس، آیات ۳ - ۴.

۳- ۲۱۷) سوره یس، آیه ۶۱.

* راه مستقیم، توکّل و تکیه بر خداست: «وَ مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِیَ اِلی صِراطٍ مُسْتَقیم»(۱)

انسان بایـد هم در انتخاب راه از خداونـد کمک بگیرد و هم در ادامه دادن و بودن در راه. ماننـد لامپی که برای روشن ماندن باید هر لحظه از منبع اصـلی برق دریافت کند. لذا نه تنها مردم عادی بلکه پیامبر خدا و ائمه معصومین علیهم السلام باید در هر نمـاز از خـدا بخواهنـد که آنان را بر صـراط مسـتقیم پایـدار بـدارد. نه فقط در حال نماز بلکه در همه حال و در هر کاری، چه انتخاب شغل و چه انتخاب دوست، چه در ازدواج و چه

در تحصـیل، باید همواره از خدا بخواهد که او را در مسـیر مسـتقیم قرار دهد. زیرا چه بسا انسان در عقاید صحیح فکر می کند اما در عمل دچار لغزش می شود و گاهی به عکس.

راه مستقیم، راه اعتدال و میانه روی است. علی علیه السلام می فرماید: «اَلْیَمینُ وَ الشِّمالُ مَضَلَّه وَالطَّریقُ الْوُسْطی هِیَ الجادَّه»(۲) چپ و راست انحراف است و طریق سعادت همان راه وسط است.

راه مسـتقیم، یعنی دوری از هرگـونه افراط و تفریـط، نه انکـار حق و نه غلـوّ در حـقّ، نه جـبر و نه تفـویض، نه فردگرایی و نه جـامعه گرایی، نه ذهن گرایی و نه عمـل زدگی، نه دنیـاگرایی و نه آخرت زدگی، نه غفلت از حقّ و نه غفلت از خلق، نه عقل زدگی و نه عـاطفه گرایی، نه تحریم طیّبـات و نه غوطه در شـهوات، نه بُخـل و نه اسـراف، نه حسـادت و نه تملّق، نه ترس و نه تهوّر، نه و نه و نه.

بلکه چه در عقاید و افکار و چه در اعمال و رفتار، همواره راه

۱- ۲۱۸) سوره آل عمران، آیه ۱۰۱.

۲- ۲۱۹) بحار، ج ۸۷، ص ۳.

میانه و اعتدال را پیش بگیریم.

برای حرکت در صراط مستقیم باید همواره از خدا کمک بگیریم زیرا این صراط از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر است و هر لحظه خطر سقوط وجود دارد. کسی از صراطِ قیامت عبور می کند که توانسته باشد در دنیا از صراط مستقیم الهی منحرف نشود، چه انحرافاتِ فکری و چه انحرافاتِ عملی و اخلاقی.

یکی قائل به جبر می شود و همه کارها را به خدا نسبت می دهد، گویا که انسان در سرنوشت خود تأثیری ندارد و بی اراده و اختیار است، و دیگری خود را همه کاره و فعّال مایشاء دانسته و دست خدا را بسته می بیند.

یکی رهبران آسمانی را همچون مردم عادی می داند و دیگری آنها را در حدّ خدایی بالا می برد و مسیح را فرزند خدا و بلکه خود خدا می شمرد!

یکی زیارت و توسّل به اولیای خدا را شرک می داند و دیگری حتّی به درخت و دیوار متوسّل می شود! یکی از روی غیرت نابجا، اجازه نمی دهد همسرش از خانه خارج شود و دیگری از روی بی غیرتی همسرش را بی حجاب به کوچه و بازار می فرستد.

اینها همه انحراف از مسیر مستقیم الهی است که خداوند می فرماید: دین پابرجا و استوار من بر صراط مستقیم است: «قُلْ اِنَّنی هَدینی رَبّی اِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ دیناً قِیَماً»(۱)

و در جای دیگر می فرماید: امّت اسلام را امّتی میانه قرار دادم تا اسوه و الگوی دیگران باشند:

۱- ۲۲۰) سوره انعام، آیه ۱۶۱.

«وَ كَذلِک جَعَلْناکُمْ اُمَّهً وَسَطاً لِتَکونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاس»(۱)

در روایات آمده است که امامان معصوم علیهم السلام می فرمودند: راه مستقیم ما هستیم. یعنی نمونه عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در این راه، رهبران آسمانی هستند. آنها در دستورات خود درباره تمام مسائل زندگی از قبیل کار و تفریح و تحصیل، انتقاد و انفاق، اظهار علاقه و محبّت و قهر و صلح، همواره ما را به اعتدال و میانه روی سفارش کرده اند. که این سفارشات در بابی تحت عنوان

«الاقتصاد فی العبادات» در کتاب شریف اصول کافی آمده است.

ما در اینجا نمونه هایی از آیات و روایات را که در آنها به جنبه اعتدال تأکید و از افراط و تفریط نهی شده است می آوریم:

* «کُلُوا وَاشْرِبُوا وَ لا تُسْرِفُوا»(۲) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.

* «لا تَجْعَلْ یَدَک مَغْلُولَهً اِلی عُنُقِک وَلاتَبْسُطْها کُلَّ الْبَسْطِ»(۳) در انفاق کردن نه دست بسته باش و نه چنان گشاده دست که بعد خود محتاج شوی.

* «اَلَّذینَ اِذا اَنْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ کانَ بَیْنَ ذلِک قواماً»(۴) مؤمنان کسانی هستند که به هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بُخل بلکه میانه رو هستند.

* «لا تَجْهَرْ بِصَلوتِک وَ لا تُخافِتُ بِها وابْتَغِ بَیْنَ ذلِک سَبیلاً»(۵) نمازت را

۱- ۲۲۱) سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۲- ۲۲۲) سوره اعراف، آیه ۳۱.

۳- ۲۲۳) سوره اسراء، آیه ۲۹.

۴- ۲۲۴) سوره فرقان، آیه ۶۷.

۵- ۲۲۵) سوره اسراء، آیه ۱۱۰.

نه بسیار بلند بخوان و نه بسیار آهسته بلکه با صدائی معتدل بخوان.

* «وَالَّذینَ مَعَهُ اَشِدّاء عَلَی الْکُفّارِ رُحَماء بَیْنَهُمْ»(۱) مؤمن هم دافعه دارد هم جاذبه. نسبت به کفّار شدید و نسبت به مؤمنان رحیم.

* «اَقیمُوا الصَّلوةَ وَ آتُوا الزَّکاةَ»(۲) هم ارتباط با خالق هم ارتباط با مخلوق. هم نماز بخوانید و هم زکات بدهید.

* «اَلَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلوُا الصّالِحاتِ»(۳) هم ایمان و باور قلبی لازم است و هم رفتار و عمل صالح.

* گرچه قرآن می فرماید: «وَ بِالْوالِدَیْنِ اِحْساناً»(۴) نسبت به والدین احسان کنید اما در جای دیگر می فرماید: اگر شما را از راه خدا بازدارند، اطاعت آنها جایز نیست: «فَلا تُطِعْهُما»(۵)

* نه دوستی ها شما را از بیان حق بازدارد: «شُهَداءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلی اَنْفُسِکُمْ»(۶) و نه دشمنی ها شما را از رفتار عادلانه دور کند. «وَ لا یَجْرِمَنَّکُمْ شَنَانُ قَوْمٍ عَلی اَنْ لا تَعْدِلُوا»(۷)

* شب عاشورا، امام حسین علیه السلام هم مناجات می کرد و هم شمشیر تیز می کرد!

* زائران خانه خدا روز عرفه و شب عید قربان دعا می خوانند، اما روز عید باید به قربانگاه رفته و با خون آشنا شوند!

* و بالاخره اسلام دین یک بعدی نیست که به جنبه ای توجه کند و جنبه ای را فراموش کند، بلکه به همه ابعاد وجود انسان در حدّ

۱- ۲۲۶) سوره فتح، آیه ۲۹.

۲- ۲۲۷) سوره بقره، آیه ۴۳.

۳- ۲۲۸) سوره بقره، آیه ۸۲.

۴- ۲۲۹) سوره بقره، آیه ۸۳.

۵- ۲۳۰) سوره عنکبوت، آیه ۸.

۶- ۲۳۱) سوره نساء، آیه ۱۳۵.

۷- ۲۳۲) سوره مائده، آیه ۸.

اعتدال و میانه توجه کرده است.

«صِراطَ الَّذینَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَلَاالضَّالّینَ»

به راه کسانی که آنها را مشمول نعمت خود ساختی هدایت کن، نه راه کسانی که بر آنان غضب کردی و نه گمراهان.

نمازگزار بدنبال درخواست هدایت به راه مستقیم، از خداوند می خواهد که او را به همان راهی هدایت کند که نعمت یافتگان الهی در آن راه بوده اند. قرآن در آیات ۶۸ سوره نساء و ۵۸ سوره مریم این گروه را معرفی می کند که در اینجا توجه شمار را به آیه ۶۸ نساء جلب می کنیم:

«وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ والرَّسُولَ فَاوُلئک مَعَ الَّذینَ اَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبیّینَ وَالصِّدّیقینَ وَالشُّهَداء وَالصَّالِحینَ» کسانی که پیروی خدا و رسول بنمایند، آنان با کسانی هستند که خداوند آنها را نعمت بخشیده، از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان. بنابراین نمازگزار از خداوند می خواهد او را در خطّ انبیا و شهدا و صالحان قرار دهد. آرزوی پیمودن راه این

نیکان و پاکان، انسان را از خطر کجروی و بیراهه روی بازداشته و یاد و خاطره آنان را همواره در ذهن و خاطر نمازگزار زنده می دارد.

غضب شدگان و گمراهان کیانند؟

در قرآن، افرادی همانند فرعون و قارون و ابولهب و امّت هایی همچون قوم عاد و ثمود و بنی اسرائیل، به عنوان غضب شدگان معرفی شده اند. ما در هر نماز از خدا می خواهیم که در اعتقاد و

ص: ۱۱۹

اخلاق و عمل همانند این افراد و گروهها که گرفتار قهر و غضب الهی شده اند، نباشیم.

بنی اسرائیل که داستان زندگی و تمدّن آنها در قرآن بیشتر آمده است، زمانی بر تمام مردم عصر خویش برتری داشتند که خداوند در مورد آنها می فرماید: «فَضَّلْتُكُمْ عَلَى العالَمينَ»(۱) شما را بر جهانیان برتری دادم. امّا بعد از این فضیلت و برتری، به خاطر کردار و رفتار ناشایسته دچار قهر و غضب خداوند شدند که قرآن در این مورد می فرماید: «وَ باؤُا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ»(۲) این تغییر سرنوشت به

علت تغییر در رفتار آنان بوده است.

دانشمندانِ یهود، دستورات آسمانی تورات را تحریف کردند: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِم»(۳) تجّار و ثروتمندان آنها به رباخواری و حرام خواری روی آوردند: «وَاَخْذِهِمُ الرِّبا»(۴) و توده مردم در برابر دعوت به جهاد و مبارزه، به علّت تن پروری و یا ترس، از رفتن به جبهه نبرد سرباز زدند و به موسی گفتند: تو و خدایت به جنگ بروید ما همین جا نشسته ایم! «فَاذْهَبْ اَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقاتِلا اِنَّا هيهُنا

قاعِدوُنَ»(۵)

همین انحرافات فکری و عملی باعث شد که خداوند آنان را از اوج عزتّ به قعر ذلت و سرافکندگی مبتلا ساخت.

پس در هر نماز از خدا می خواهیم که نه اهل تحریف کتاب خدا باشیم، نه اهل رباخواری و نه اهل فرار از جنگ و جهاد. همچنین

۱- ۲۳۳) سوره بقره، آیه ۴۷.

۲- ۲۳۴) سوره بقره، آیه ۶۱.

۳- ۲۳۵) سوره مائده، آیه ۱۳.

۴- ۲۳۶) سوره نساء، آیه ۱۶۱.

۵- ۲۳۷) سوره مائده، آیه ۲۴.

از گمراهان نباشیم، آنانکه همچون افراد گمشده دچار حیرت و سر گردانی اند و هر لحظه بدون آنکه هدفی داشته باشند به سویی می روند. نان را به نرخ روز می خورند و از خود اراده و اختیاری ندارند.

«ضالّین» نه همچون «اَنعمتَ عَلیهم» در خط انبیا و صالحان آمده اند و نه همچون «المغضوب علیهم» در مقابل دین خدا، جبهه گیری و مبارزه طلبی می کنند، بلکه افرادی بی تفاوت، بی درد و رفاه طلب هستند که همچون چهارپایان تنها در فکر شکم و شهوت اند و کاری به حقّ و باطل ندارند. برای آنها فرقی نمی کند که پیامبران حاکم باشند یا طاغوت ها، مهم آنست که آنها در رفاه و آسایشِ مادی باشند هر کس که

می خواهد حکومت کند. این گروه گمراهند زیر راه مشخصی را برای خود برنگزیده اند.

این آیه مصداق کامل تولّی و تبریّ است.

نمازگزار در پایان سوره حمد، عشق و علاقه و تولّای خود را به انبیا و شهدا و صالحان ابراز داشته و از مغضوبان و گمراهان تاریخ تبرّی و برائت می جوید. و همین ابراز تنفّر از مغضوبان و گمراهان در هر نماز، جامعه اسلامی را در برابر پذیرش حکومت آنان پایدار و مقاوم می سازد. قرآن سفارش می کند:

«لا تَتَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»(۱)

هرگز سرپرستی گروه غضب شدگانِ الهی را نپذیرید.

۱- ۲۳۸) سوره ممتحنه، آیه ۱۳.

۵۹- اهمیّت سوره توحید

در نماز بعد از سوره حمد، باید یکی دیگر از سوره های قرآن خوانده شود که نمازگزار می تواند هر سوره ای را انتخاب کند، البتّه به غیر از چهار سوره ای که سجده واجب دارند. اما در میان سوره ها، سوره توحید ترجیح دارد ولذا در روایات به ما سفارش شده است در هر شبانه روز لااقل در یکی از رکعت های نمازتان این سوره را بخوانید تا از نمازگزاران واقعی باشید.(۱)

این سوره در اهمیت، به اندازه یک سوّم قرآن، بلکه یک سوّم تورات و انجیل و زبور است. نه تنها در نماز، بلکه اگر بعد از نماز هم این سوره به عنوان تعقیب نماز خوانده شود، خداوند خیر دنیا و آخرت را به انسان مرحمت می کند.

گرچه این سوره کوچک است اما محتوای آن بسیار بالاست، چنانکه امام سجّادعلیه السلام فرمود: خداوند چون می دانست در آینده افراد دقیق وعمیقی پیدا می شوند، این سوره و همچنین آیات اوّل سوره حدید را نازل کرد.

قرائت این سوره نه تنها در نماز سفارش شده، بلکه تلاوت مکرّر آن، شرّ افراد ظالم را کوتاه و خانه انسان را از حوادث و خطرات

۱- ۲۳۹) روایات راجع به فضیلت و اهمیت این سوره در تفسیر البرهان آمده است که ما در اینجا تنها به گوشه ای از آن روایات اشاره می کنیم.

بیمه می کند.

سعدبن معاذ یکی از یاران وسرداران لشگرِ رسول خدا بود که در قبرستان بقیع مدینه مدفون است. در تشییع جنازه او پیامبر پابرهنه شرکت کرد و فرمود: نودهزار فرشته از آسمان برای تشییع سعد آمده اند. پیامبر از جبرئیل پرسیدند: دلیل نزول تو و این همه فرشته برای تشییع جنازه سعدبن معاذ چیست؟ جبرئیل فرمود: او در هر حال چه ایستاده چه نشسته چه سواره و چه پیاده، سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ» را

می خواند.

در سبب نزول این سوره می خوانیم: یهودیان و مسیحیان و مشرکان از پیامبر درباره خداوند سؤال می کردند که خدایت را برای ما معرّفی کن. پیامبر در جواب آنها این سوره را قرائت فرمود. این سوره به منزله شناسنامه خداوند است.

۶۰- «قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ»

تفسیر نماز » «قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ»

بگو: او خدای یکتاست.

توحید، اساسی ترین اصلِ همه ادیان آسمانی است و انبیا آمده اند تا آثار شرك و کفر و بت پرستی را از میان بردارند و مردم را بسوی خدای یگانه دعوت کنند.

توحید، روح و جان همه تعالیم انبیاست. نه فقط اعتقادات که احکام و اخلاق نیز بر محور توحید استوار است.

توحید، مرز میان ایمان و کفر است و ورود به قلعه ایمان بدون پذیرش توحید ممکن نیست: «قُولُوا لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ تُفْلِحُوا»(۱) و «لا اِله اِلاَّ اللّه حِصنی فَمَن دَخَلَ حِصنی اَمِنَ مِنْ عَذابی»(۲)

۱- ۲۴۰) بحار، ج ۱۸، ص ۲۰۲.

۲- ۲۴۱) بحار، ج ۳، ص ۱۳.

این سوره شامل خالص ترین عقاید توحیدی است، لذا آنرا سوره اخلاص نیز نامیده اند. این سوره، هم عقیده مسیحیت را در مورد تثلیت رد می کند، هم شرک یهود را و هم عقیده عرب جاهلی، که فرشتگان را دختران خدا می پنداشتند.

توحید، یعنی خالص کردن فکر و عمل از هرگونه شریک و همتایی برای خدا. نه شرکِ نظری و نه ریای عملی. بلکه هم انگیزه و هدف تنها خدا باشد، و هم نفس کار، خدایی و الهی.

«قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» او یکتایی است که دوّمی ندارد، شبیه و مثل ندارد، جزء و عضو ندارد.

«قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ» او معبودی است که در همه چیز فرد است، لذا بشر از فهم و درکِ ذات او عاجز.

دلیل یکتایی او اینکه اگر خدای دیگری هم بود، او نیز باید پیامبرانی می فرستاد تا مردم او را بشناسند و اطاعتش کنند!

دلیل یکتایی او اینکه همه انسانها در موقع خطر، تنها به یک نقطه متوجه می شوند و دل آنها گواهی می دهد که تنها یک نقطه است که در سختی ها به انسان امید می دهد.

دلیل یکتایی او، هماهنگی میان زمین وآسمان، هستی وانسان و ارتباطی دقیق و منظم میان همه آفریده هاست. اگر شما به چند نقاش سفارش تصویری بدهید، مثلاً به یکی بگویید: سر خروس بکشد و دیگری بدن آن را رسم کند و نقاش سوّمی دُم و پای خروس را بکشد، وقتی سه نقاشی را کنار هم بگذارید، میان سر و تن و پا هماهنگی نیست، یکی بزرگ است و یکی کوچک، یکی خوش

رنگ و یکی بدرنگ.

آری هماهنگی میان خورشید و ماه و زمین، آب و باد و خاک، کوه و دشت و دریا و همه اینها با نیازهای انسان، نشان دهنده یکتایی خالق است. انسان اکسیژن می گیرد و کربن پس می دهد و گیاهان کربن می گیرند و اکسیژن می سازند تا نیاز انسان و دیگر موجودات زنده را برطرف کنند و این هماهنگی رمز حیاتِ انسان و گیاه است.

نیازهای طفل را با محبت والدین جبران می کند و خستگی روز را با خواب شب برطرف می سازد. آب چشم را شور و آب دهان را شیرین آفریده، تا یکی چشم را که از پی ساخته شده با آب نمک شستشو دهد و یکی غذا را آماده جویدن و هضم کند.

به نوزاد، بجای فوت کردن، مکیدن یاد داده و قبل از تولّد شیر را به سینه مادر آورده است. غذایِ پرنده آسمان را در لابلای دندانِ نهنگ دریا قرار داده و روزی همه جانداران را به نحو مطلوب مقدّر کرده است.

در جنگ جمل یک عرب بیابانی از حضرت علی علیه السلام معنای توحید را پرسید، رزمندگان به او اعتراض کردند که اکنون وقت این سؤالات نیست. اما حضرت در همان بحبوحه جنگ، توحید را برای او معنی و تفسیر کرد و آنگاه فرمود: ما برای همین معنی با مخالفین می جنگیم.(1)

آری مبارزه پیروان حق در طول تاریخ بخاطر برافراشتن پرچم توحید بوده است.

ص: ۱۲۷

۱- ۲۴۲) تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۰۹.

۶۱- «اَللَّهُ الصَّمَدُ»

تفسير نماز » «اَللَّهُ الصَّمَدُ»

او خدای بی نیاز است.

«صَمَد» یعنی نفوذناپذیر، خلل ناپذیر و تغییرناپذیر.

او «صَمَد» است، پس نه مادّه است و نه مادّی، زیرا همه امور مادی در طول زمان دچار تغییر و خلل می شوند. لذا او نه جسم دارد که با چشم دیده شود و نه همچون نیروی جاذبه است که گرچه دیده نمی شود، امّا خواص مادّی دارد.

او «صَمَد» است، قدرتی نفوذناپذیر که اراده اش در همه چیز نافذ و جاری است.

او «صَمَد» است، عزیزی خلل ناپذیر که همه عزّت ها از اوست و هرکس هر عزّت و قدرتی دارد از اوست. او به هیچکس و هیچ چیز نیاز ندارد ولی همه چیز نیازمند اوست.

او «صمد» است، وجود تامّ کامل، بلکه اتمّ اکمل، که همه کمالات را در اوج کمال داراست و همه موجودات برای رسیدن به کمال نیازمند نظر لطف اویند، ولی او به هیچ موجودی نیاز ندارد. همواره بوده و خواهد بود. فرمانش فوق همه دستورات و اراده اش حاکم بر همه اراده هاست. نه نیازی به خواب دارد و نه در انجام کارهایش به همکار و شریک محتاج است.

او «صمد» است و در یک کلام: خدای بی نیاز مورد نیاز.

۶۲- «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ»

تفسير نماز » «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ»

او نه چیزی را زائیده و نه از هر چیزی زاده شده است.

ص: ۱۲۸

او خالق موجودات است، نه زاینده آنها. کار او تولید نیست که مثلِ خود را بوجود آورد، بلکه آوردن از نیستی به هستی است.

مادری که فرزند را می زاید نوزاد از جنس او و مثل خود او یعنی انسان است، امّا برای خدا مثل و شبیهی امکان ندارد که خدا او را بزاید یا از او زاده شود. «لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ»(۱)

این جمله در مقابل عقیده مسیحیان است که عیسی را فرزند خدا می پندارند و برای او همانند خداوند، خدائی قائلند. همچنین این آیه اعتقاد مشرکان، که فرشتگان را دختران خدا می پنداشتند نفی می کند و می گوید: خداوند فرزندی نزائیده است چه پسر و چه دختر!

از چیزی زاده نشده است تا زاینده مقدّم بر او و برتر از او باشد.

وجود او مثل خروج میوه از گل، یا درخت از هسته نیست. مثل خروج آب از ابر، یا آتش از چوب نیست. مثل خروج کلام از دهان، یا نوشته از قلم نیست. مثل خروج بو از گل، یا طعم از غذا نیست. مثل خروج فکر از عقل، یا درک از دل نیست. مثل خروج گرما از آتش، یا سرما از برف نیست. او هست اما شبیه هیچ چیز و هیچکس نیست. نه آو در چیزی است و نه چیزی درون او. رابطه او با اشیا، رابطه والد و مولود نیست، بلکه رابطه خالق و مخلوق

است.

۶۳- «وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ»

تفسیر نماز » «وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ»

و هرگز برای او همتا و همانندی نبوده است.

او نه در وجود همانند دارد، نه در کمال و نه در افعال.

۱- ۲۴۳) سوره شوری، آیه ۱۱.

او احد است و احدی کفو او نیست. او تنهاست و همسر و فرزندی ندارد! او همانندی ندارد تا همکار و شریک او باشد.

چگـونه انسـان جرئت می کنـد مخلـوق او را شـریک او بدانـد و این ظلم بزرگ را در حقّ او مرتکب شود: «اِنَّ الشِّرْك لَظُلْمٌ عَظيمٌ»(۱)

ای نمازگزار! نه در نعمت هایی که از جانب خـدا به تو می رسـد دیگران را دخیل و شـریک بدان و نه در کارهایی که انجام می دهی، احدی بجز خدا را منظور بدار. چرا در فکرِ جلب نظر کسانی هستی که مثل تو هستند، ضعیف و محتاج، بدنبال جلب نظر خدائی باش که نه مثلی دارد، نه ضعفی و نه احتیاجی.

در پایان سوره اشاره ای گذرا به محتوای بلند آن داریم:

«قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ» او یکتاست هم در ذات هم در صفات، پس در شایستگی معبود بودن نیز یکتا و یگانه است.

«اَللَّهُ الصَّمَد» او بی نیاز وهمه چیز به او نیازمند و در بی نیازی یکتاست.

«لَمْ یَلِدْ» تولید مثل نمی کند تا شبیه و نظیری داشته باشد.

«وَ لَمْ یُولَد» او ازلی و ابدی است، نه حادث که از چیزی پیدا شده باشد.

«وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفواً اَحَدٌ» نه همتا دارد نه همسر، نه شبیه ونه شریک.

این سوره تمام رگه های شـرک، خرافات، اوهام و عقایـد انحرافی را از ساحت مقـدس خدا نفی می کند وتوحید خالص ناب را به ما عرضه می دارد.

طبق روایات آیات این سوره، تفسیر یکدیگرند(۲) و گویا این

۱- ۲۴۴) سوره لقمان، آیه ۱۳.

۲- ۲۴۵) تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۷۱۴.

سوره در معرّفی خداوند مرحله به مرحله پیش می رود:

مرحله اوّل: «قُلْ هُوَ» بگو خدای من اوست. او که از دسترس عقل و فکر بشر بدور واز دیده ها غائب و پنهان است.

در این مرحله تمام توجه به ذات خداست نه صفات او. خود ذات به تنهایی برای محبوب بودن ومعبود واقع شدن کافی است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «وَ كَمالُ الْإِخْلاصِ نَفْيُ الصِّفاتِ عَنْه»(۱) اخلاص کامل آنست که بدون توجّه به صفات به خدا رو کنی. خدا را بخاطر خودش عبادت کنی نه به جهت نعمتهایی که به تو ارزانی داشته است.

مرحله دوّم: «هُوَ اللَّه»، او اللّه است. معبودی که همه کمالات را داراست.

در این مرحله، ذات و صفات همراه آمده است. «اللّه» ذاتی است که همه صفات نیکو را دربر دارد و لذا شایسته عبادت و پرستش است. چنانچه قرآن می فرماید: «وَ لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنى فَادْعُوهُ بِها»(۲) تمام صفات و اسمای نیکو برای اوست، پس او را بدان نامها بخوانید.

شناخت خدا از طریق صفات، مرحله دوّم است که «اللّه» کلمه جامع تمام آن صفات است. توجه به خدا به واسطه صفات، طریقی است که در دعاها خصوصاً دعای جوشن کبیر جلوه می کند که خداوند را با هزار وصف می خوانیم.

مرحله سوّم: «اَحَدٌ» او یکتاست و در یکتایی یگانه.

در این مرحله، توحید مطرح می شود، توحید ذات و صفات. هم ذاتش یگانه است، هم صفاتش یگانه و بی نظیر، و هم وجودِ ذات و صفات او یکی

۱- ۲۴۶) نهج البلاغه، خطبه توحید.

۲- ۲۴۷) سوره اعراف، آیه ۱۸۰.

است، نه آنکه صفاتش وجودی زائد بر ذات داشته باشند.

او یکتایی است که دوّمی و سوّمی نـدارد. میان «واحِد» و «اَحَد» تفاوت است. اگر گفتیم: احدی نیامد، یعنی هیچ کس نیامد و اگر گفـتیم: واحـدی نیامـد، ممکن است دو نفر یـا بیشـتر آمـده باشـند. قرآن می فرمایـد: خداونـد «اَحَـد» است و نمی فرمایـد: «واحد».

او «یکتا» است نه «یکی» که ممکن باشد دوّمی و سوّمی هم داشته باشد.

مرحله چهارم: «اَللَّهُ الصَّمَدُ» خدا بی نیاز است.

در این مرحله، بی نیـازی که محور ذات و صـفات الهی است به عنوان یکی از مهمترین اوصاف الهی مطرح می شود. آنهم نه به شکل خبر که بفرماید: «اَللَّه صَمَدٌ»، بلکه به صورت وصفِ ثابت برای «اللّه» و لذا لفظ «اللّه» تکرار می شود: «اللّه الصَّمَد»

او یکتاست، امّا بی نیاز. غیر او بسیارند، امّا سراسر نیاز، و نظر همه نیازمندان تنها به سوی آن بی نیاز!

مرحله پنجم: «لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ»

این مرحله طبق روایات، تفسیرِ «اَلصَّمَـد» است. او بی نیاز است، نه به فرزنـد نیاز دارد که بزاید، نه محتاج پدر و مادر است که زاده شود و نه همسر و همکار و همانندی بخواهد که در کارها به او کمک کند.

اگر متولّد شود ازلی نیست و اگر متولّد کند ابدی نیست، زیرا رو به کاهش و اضـمحلال می رود. و اگر مثل و مانندی داشـته باشد بی رقیب نیست. و خداوند از همه این امور منزّه و مبرّاست. «سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ»(۱)

ص: ۱۳۲

۱- ۲۴۸) سوره طور، آیه ۴۳.

۶۴- رکوع

تفسیر نماز » رکوع

یکی از ارکـان نمـاز رکوع است که با کم و زیاد شـدن آن، خواه عمـدی یا سـهوی، نماز باطل می شود. کلمه رکعت که در شمـارش بخش هـای نمـاز بکـار می رود از همین واژه رکوع است. قبیله بنی ثقیف از پیـامبراکرم درخواست کردنـد، در نمـاز رکوع و سـجود نداشـته باشـند و می گفتنـد: خم شـدن برای مـا عار است. آیه نازل شـد: «وَ اِذا قیلَ لَهُمْ ارْکَعُوا لا یَرْکَعُونَ»(۱) هرگاه فرمان رکوع به آنان داده شود رکوع نمی کنند.(۲)

دیگران در برابر انسـان هـایی مثـل خود خم می شونـد و تعظیم می کننـد، امّا شـما تنها در برابر خالق خود خم شویـد و تعظیم کنید.

وقتی آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّک الْعَظیم»(۳) نازل شد، پیامبر دسـتور دادند در رکوع خداوند را تعظیم کنید و این ذکر را در رکوع بگویید: «سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ»(۴) در روایات می خوانیم: رکوع نشانه ادب است و سجود نشانه قرب به خدا، و تا ادب را خوب انجام ندهید آماده قرب نمی شوید.(۵)

رکوع، راهی برای توبه و استغفار و عذرخواهی به درگاه خداوند است: «فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ راکِعاً وَ اَنابَ»(۶)

۱- ۲۴۹) سوره مرسلات، آیه ۴۸.

۲- ۲۵۰) بحار، ج ۸۵، ص ۱۰۰.

۳- ۲۵۱) سوره واقعه، آیه ۷۴.

۴- ۲۵۲) جامع الاحادیث، ج ۲، ص ۹۲۲.

۵- ۲۵۳) بحار، ج ۸۵، ص ۱۰۸.

۶- ۲۵۴) سوره، ص، آیه ۲۴.

۶۵- آثار رکوع

تفسیر نماز » آثار رکوع

امام باقرعلیه السلام می فرماید: کسی که رکوع خود را کامل انجام دهد از وحشت قبر در امان است.(۱)

هرچه در برابر خداوند بیشتر خم شویم، قدرت برخورد با شیطان و شیطان صفتان را بیشتر خواهیم داشت. امام صادق علیه السلام می فرمود: رکوع و سجود طولانی، ابلیس را عصبانی کرده و می گوید: وای بر من! این مردم با اینگونه بندگی، دیگر مرا اطاعت نمی کنند.(۲)

خداوند به فرشتگان می گوید: ببینید بندگان من چگونه مرا تعظیم می کنند و در مقابل من رکوع می کنند، من نیز آنان را بزرگ خواهم کرد و به آنان عزت و عظمت می بخشم.(۳)

امام صادق علیه السلام می فرماید: رکوع و سجود طولانی در طولانی شدن عمر مؤثر است.(۴)

۶۶- آداب رکوع

تفسیر نماز » آداب رکوع

در روایات می خوانیم که رسول خداعلیه السلام در رکوع چنان کمر مبارکش را کشیده و صاف می نمود که اگر قطره آبی روی کمرش می ریخت وسط کمر می ماند و به سمتی جاری نمی شد.(۵)

سفارش شده است در رکوع گردن خود را بکشید تا رمز این باشد که من ایمان آورده ام گرچه گردنم در راه او برود.(۶)

از دیگر آداب رکوع آنست که مردان آرنج ها را همچون بال

۱- ۲۵۵) وسائل، ج ۴، ص ۹۲۸.

۲- ۲۵۶) وسائل، ج ۴، ص ۹۲۸.

۳- ۲۵۷) جامع الاحادیث، ج ۵، ص ۲۰۳.

۴- ۲۵۸) وسائل، ج ۴، ص ۹۲۸.

۵- ۲۵۹) وسائل، ج ۴، ص ۹۴۲.

۶- ۲۶۰) وسائل، ج ۴، ص ۹۴۲.

پرنـدگان به بیرون دهنـد، نه آنکه به پهلوها بچسـبانند. کف دست را به زانوها بگـذاریم و انگشـتان دست را باز کنیم. پاها در یک خط، نه جلو و نه عقب، و میان دو پا به مقدار یک وجب فاصله باشد.

به هنگام رکوع نگاه به میان دو قـدم باشـد و پس از ذکر رکوع، در همان حال رکوع بر محمّد و آل محمّد صـلوات بفرستیم. البتّه تکرار ذکر رکوع حداقل سه مرتبه مورد سفارش و عنایت است.(۱)

۶۷- رکوع اولیای خدا

تفسیر نماز » رکوع اولیای خدا

امام صادق علیه السلام می فرمایـد: حضـرت علی علیه السـلام به قدری رکوع خود را طول می داد که عرق از ساق مبارکش جاری می شد.(۲)

خود آن حضرت در اوّلین خطبه نهج البلاغه می فرماید: خداوند فرشتگانی دارد که همواره در حال رکوعند و هرگز قیام نمی کنند.

البتّه در فرشـته خسـتگی وگرسـنگی مطرح نیست، لذا انسان های عارف و عاشق که چنین رکوع های طولانی انجام می دهند، فرشـتگان را به تمجید خود وادار می کنند. این حالت اولیای خداست، امّا حال ما چطور؟ پیامبر اکرم در مسـجد نشسـته بودند، مردی وارد شد و به نماز ایسـتاد، اما رکوع و سجودش را ناقص و سریع انجام داد. پیامبرصلی الله علیه وآله فرمودند: او همچون کلاغ نوکی زد ورفت، اگر او با این نماز از دنیا

برود بر دین من نمرده است.(۳)

ص: ۱۳۶

۱- ۲۶۱) همه این آداب در جلد چهارم وسائل، از صفحه ۹۲۰ تا ۹۴۳ آمده است.

۲- ۲۶۲) بحار، ج ۸۵، ص ۱۱۰.

۳- ۲۶۳) وسائل، ج ۴، ص ۹۲۲.

۶۸- تاریخ سجده

تفسیر نماز » تاریخ سجده

پس از آنکه خداوند آدم را آفرید به فرشتگان فرمان داد تا برای او سجده کنند،(۱) همه سجده کردن جز ابلیس و خداوند او را بخاطر همین نافرمانی از درگاه خود راند.

این ماجرا را قرآن بارها تکرار می کند و می دانیم که تکرارهای قرآن بی دلیل نیست. گویا می خواهد بگوید: ای انسانی که همه فرشتگان بخاطر تو به سجده افتادند! چرا تو در برابر خداوند خالق سجده نمی کنی؟ ای انسان، ابلیس بخاطر ترک سجده تو رانده شد، آنوقت تو که سجده بر خداوند را ترک می کنی چه انتظاری داری؟

ابلیس که بر تو سجده نکرد، می گفت: من از انسان برترم، آیا تو می توانی بگویی: من از خداوند برترم؟ تو که زمانی هیچ بودی و وقتی هم بدنیا آمدی سراسر وجودت را ضعف و عجز فرا گرفته بود و در نهایت هم، عاجزانه از دنیا می روی، چگونه در برابر آفریدگار هستی تکبر می کنی؟

به هرحال اولین فرمان خداوند پس از خلقت بشر، فرمان سجده بود.

۱- ۲۶۴) البتّه سجده مخصوص خداست و انسان فقط قبله فرشتگان قرار گرفت.

۶۹- اهمیّت سجده

سجده، بهترین حالات انسان در برابر خداست.

سجده، بهترین راه برای نزدیکی به خداست. «وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ»(۱)

نشانه یاران باوفای پیامبر آن است که آثار سجده در سیمای آنان دیده می شود. «سیماهُمْ فی وُجُوهِهِمْ مِنْ اَثَرِ السَّجُودِ»(۲)

سجده، انسان را همگام و هماهنگ با کلّ هستی می سازد، زیرا همه موجودات آسمان و زمین، از ستاره و سبزه به درگاه الهی ساجد و خاضع اند. «وَ لِلَّهِ یَسْجُدُ ما فِی السَّمواتِ وَ ما فِی الْاَرْضِ»(۳)، «وَالنَّجْمُ وَ الشَّجَرُ یَسْجُدانِ»(۴)

سجده، هماهنگی با فرشتگان الهی است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: هیچ طبقه ای از طبقات آسمان نیست مگر آنکه گروهی از فرشتگان در حال سجده اند.(۵)

سجده، عالی ترین درجه عبودیت و بندگی است، زیرا انسان بالاترین نقطه بدن خود، یعنی پیشانی را بر خاک می ساید و اظهار ذلّت و عجز به درگاه عزیز قادر می برد.

سجده، عالی ترین مقام برای والاترین مردان و زنان عالم است. خداوند پیامبرش را فرمان به سجده می دهد، آنهم نه فقط در روز که بهنگام شب: «وَ مِنَ اللَّیْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَیْلاً طَویلاً»(۶) و خطاب به حضرت مریم، آن زن پاک و عابد می فرماید: «یا مَرْیَمُ اقْنُتی لِرَبِّک وَاسْجُدی»(۷)

۱- ۲۶۵) سوره علق، آیه آخر. البتّه این، آیه یکی از چهار، آیه ای است که اگر تلاوت شود سجده بر انسان واجب می شود.

۲- ۲۶۶) سوره فتح، آیه ۲۹.

۳- ۲۶۷) سوره نحل، آیه ۴۹.

۴- ۲۶۸) سوره الرحمن، آیه ۶.

۵- ۲۶۹) نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

۶- ۲۷۰) سوره انسان، آیه ۲۶.

۷- ۲۷۱) سوره آل عمران، آیه ۴۳.

سجده، که بدنبال رکوع می آید مرحله ای کامل تر و بالاتر از آنست و نمازگزار را به اوج خضوع می رساند، لذا در قرآن معمولاً این دو در کنار یکدیگر آمده است: «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَاسْجُدُوا»(۱)، «تَریهُم رُکَّعاً سُجّداً»(۲)

سجده، رمز ایمان به آیات الهی است: «اِنَّما یُؤْمِنُ بِایاتِنا الَّذینَ اِذا ذُکِّرُوا بِها خَرُّوا سُجَّداً»(۳)

سجده های شبانه، یکی از نشانه های بندگان صالح خداست: «عِبادُ الرَّحْمنِ... وَالَّذینَ یَبیتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّداً وَ قِیاماً»(۴)

سجده، زینت نماز است پس آنرا نیکو بجای آوریم. امام صادق علیه السلام می فرمود: هرگاه نماز می خوانید رکوع و سجود آنرا نیکو انجام دهید که خداوند پاداشی هفتصد برابر بلکه بیشتر عنایت می فرماید.(۵)

سجده، مایه مباهات خداوند بر فرشتگان است و لذا عنایت الهی را بدنبال دارد، تا آنجا که در هر سجده یکی از گناهان انسان محو و پاداشی بزرگ برای او ثبت می شود.(۶) حضرت علی علیه السلام می فرمود: اگر انسان بداند بهنگام سجده چه رحمتی او را فرا گرفته است هرگز سر از سجده برنمی دارد.(۷)

سجده، روح خودخواهی و غرور را از میان برده و انسان را از تکبر نجات می دهد.(۸)

۱- ۲۷۲) سوره حج، آیه ۷۷.

۲- ۲۷۳) سوره فتح، آیه ۲۹.

۳- ۲۷۴) سوره سجده، آیه ۱۵.

۴- ۲۷۵) سوره فرقان، آیه ۶۴.

۵- ۲۷۶) بحار، ج ۸۵، ص ۱۳۹.

۶- ۲۷۷) جامع الاحادیث، ج ۵، ص ۴۶۶.

۷- ۲۷۸) جامع الاحادیث، ج ۵، ص ۴۸۲.

۸- ۲۷۹) جامع الاحادیث، ج ۵، ص ۴۵۳.

پیامبر می فرمود: من در قیامت امّت خود را از آثار سجده که بر پیشانی دارند می شناسم.(۱) و آن گوشه از زمین که بر آن سجده شده است، در قیامت گواه عبادت انسان می گردد(۲) و در دنیا نیز از آن نقطه نوری به آسمانها می رود.(۳)

همانند رکوع، سجود طولانی نیز سبب بقای نعمت ها و طول عمر می شود.(۴)

سجده به قدری مهم است که خداوند به پیامبر عظیم الشأنی همچون حضرت ابراهیم فرمان می دهد که مسجدالحرام را برای طواف کنندگان و قائمین و راکعین و ساجدین تطهیر نماید.(۵)

۷۰- حکمت های سجده

تفسیر نماز » حکمت های سجده

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره حکمت های سجده پرسیدند، حضرت فرمود: سجده اوّل، یعنی آنکه در ابتدا خاک بودم و چون سر از سجده برمی داری یعنی از خاک به دنیا آمدم. سجده دوم یعنی دوباره به خاک بازمی گردم و سر برداشتن از آن، یعنی در قیامت از قبر برمی خیزم و محشور می شوم.(۶)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: چون سجده برای خداست پس نباید بر خوردنی ها و پوشیدنی ها که مورد توجه اهل دنیاست، سجده کرد. سجده باید انسان را متوجه خدا سازد نه شکم و لباس و مادّیات.(۷)

ص: ۱۴۰

۱- ۲۸۰) مسند احمد حنبل، ج ۴، ص ۱۸۹.

۲- ۲۸۱) جامع الاحادیث، ج ۵، ص ۱۸۹.

۳- ۲۸۲) مستدرک وسائل، ج ۴، ص ۴۸۵.

۴- ۲۸۳) وسائل، ج ۴، ص ۹۲۸.

۵- ۲۸۴) سوره بقره، آیه ۱۲۵.

۶- ۲۸۵) بحار، ج ۸۵، ص ۱۳۹.

۷- ۲۸۶) الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۲.

در حدیث می خوانیم: دلیل سجده سهو برای هر کم و زیادی سهو و یا کلام و قیام و قعود نابجا، آن است که ابلیس تو را گرفتار حواس پرتی کرد و در نماز تو خللی ایجاد نمود، پس تو بعد از نماز دو سجده بجای آور تا بینی او به خاک مالیده شود و بداند هر لغزشی ایجاد کند تو دوباره در برابر خداوند به سجده می افتی.(۱)

حضرت علی علیه السلام فرمودند: ظاهر سجده، صورت گذاردن بر خاک از روی اخلاص وخشوع است، اما باطن آن دل کندن از همه امور فانی و دل بستن به سرای باقی ورهایی از تکبر، تعصّب و تمام وابستگی های دنیوی است.(۲)

۷۱- آداب سجده

تفسیر نماز » آداب سجده

در اینجا به گوشه ای از آداب سجده که در روایات آمده است، اشاره می کنیم:(۳)

پس از رکوع برای آمدن به سجده، دستها قبل از زانوها به زمین برسد. به هنگام سجده دستها در برابر گوش قرار گیرد، در مردان، آرنج به زمین نچسبد و از دو طرف همچون دو بال باز باشد. نه فقط پیشانی بلکه بینی نیز بر خاک نهاده شود. هنگامی که نمازگزار بین دو سجده می نشیند، رویِ پای راست را بر پشت پای چپ بیندازد، بطوری که سنگینی بدن روی سمت چپ بیفتد، زیرا که چپ رمز باطل است و راست رمز حق.

در سجده، علاوه بر ذکر واجب صلوات بفرستد، دعا کند و از

۱- ۲۸۷) وافی، ج ۸، ص ۹۹۲.

۲- ۲۸۸) مستدرک وسائل، ج ۴، ص ۴۸۴

۳- ۲۸۹) این روایات در جلد چهارم وسائل، از صفحه ۹۵۰ تا ۹۸۰ آمده است.

خوف خدا اشک بریزد. هنگام برخاستن از سجده، تکبیر بگوید و بهنگام تکبیر دستها را بالا بیاورد.

۷۲- خاک کربلا

تفسیر نماز » خاک کربلا

گرچه سجده بر هر خاکی، بلکه هر سنگ و چوب پاکی جایز و صحیح است اما تربت امام حسین علیه السلام امتیازاتی دارد، که امام صادق علیه السلام جز بر خاک کربلا سجده نمی کرد.

سجده بر خاک کربلا حجاب های هفتگانه را پاره می کند. هم نماز را بالا برده و به قبولی می رساند، هم نمازگزار را از قعر مادّیات بیرون کشیده و او را با جهاد و خون و شهادت آشنا می سازد.

سجده بر خاک حسین، یعنی نماز همراه ولایت.

سجده بر خاک حسین، یعنی نماز همراه شهادت.

سجده بر خاک حسین، یعنی بزرگداشت خاطره آنان که برای نماز و در راه نماز خون دادند.

سجده بر خاک حسین، یعنی هر روز عاشوراست و هر زمین کربلا.

سجده بر خاک حسین، یعنی در راه مبارزه با ظلم، سر و جان بده، امّا تن به ذلّت نده.

آری مزار حسین، باغی از باغهای بهشت و دری از درهای آن است. دعا تحت قبّه آن حضرت، مستجاب و نماز در آن مکان محبوب ومقبول خداست.

تسبیحی که از آن خاک درست شود، اگر در دست بچرخد، برای صاحبش پاداش «سبحان اللّه» دارد، گرچه او ساکت باشد و اگر ذکر

خدا بگوید و تسبیح را بچرخاند برای هر ذکری ۷۰ برابر پاداش می گیرد.

مخفی نماند اهمیتی که برای خاک کربلا نقل شد تا چهار میل از اطراف قبر امام حسین را در بر می گیرد.(۱)

۷۳- سجده شکر

تفسیر نماز » سجده شکر

سجده مخصوص نماز نیست، بلکه در موارد دیگری نیز مطرح است و حتی گاهی واجب می شود، مانند تلاوت یکی از چهار آیه ای که سبب سجده می گردد.

یکی از موارد شکر، سجده شکر است که به آن سفارش بسیار شده است.

سجده شکر، یعنی تشکر از نعمت های بی پایان الهی که بر ما و خانواده ما نازل شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: هرگاه یاد نعمتی افتادی، صورت خود را برای تشکر بر زمین بگذار و اگر دیدی که مردم ترا می بینند به احترام آن نعمت کمی خم شو.(۲)

پیامبر اکرم را دیدند که از شتر پیاده شد و پنج سجده کرد و فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و پنج بشارت به من داد و من برای هر بشارتی یک سجده کردم.(۳)

حضرت علی علیه السلام گاه در سجده شکر بیهوش می شد(۴) و از امام

۱- ۲۹۰) مطالب این بحث از روایاتی استفاده شده که در کتاب شریف «کامل الزیارات» باب ۸۹ به بعد آمده است.

۲- ۲۹۱) وافی، ج ۸، ص ۸۲۵.

۳- ۲۹۲) محجّهالبیضاء، ج ۱، ص ۳۴۶.

۴- ۲۹۳) جامع الاحادیث، ج ۵، ص ۴۵۹.

زمان علیه السلام نقل شده که لازم ترین سنّت ها، سجده شکر است.(۱)

در سجده شکر هرگونه ذکر و دعایی جائز است، امّا گفتن «شُکْراً لِلّه» و «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ» و یاد نعمت بزرگ ولایت اهل بیت علیهم السلام سفارش شده است.(۲) خداوند می فرماید: پاداش کسی که سجده شکر کند آن است که من هم از او تشکر می کنم.(۳)

گرچه سجده شکر زمان و مکان بخصوص ندارد، اما بهترین زمان آن پس از هر نماز و به عنوان یکی از تعقیبات نماز است.

۷۴- برکات سجده شکر

تفسیر نماز » برکات سجده شکر

در روایات، آثار و برکات فراوانی برای سجده شکر بیان شده است که ما بطور اختصار فهرست آنها را ذکر می کنیم:

اگر در نماز نقصی بوده که با نوافل هم برطرف نشده، سجده شکر آنرا جبران می کند. رضایت پروردگار را به دنبال دارد و فاصله میان انسان و فرشتگان را برطرف می کند. دعای در سجده مستجاب می شود و ثواب ده صلوات دارد و ده گناه بزرگ را محو می کند.

در قدر و منزلت سجده شکر همین بس که خداوند با آن بر فرشتگان مباهات می کند.(۴)

ص: ۱۴۴

۱- ۲۹۴) جامع الاحادیث، ج ۵، ص ۴۵۳.
۲- ۲۹۵) جامع الاحادیث، ج ۵، ص ۴۶۹.
۳- ۲۹۶) الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۴.
۴- ۲۹۷) الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۱.

۷۵- سجده های اولیای خدا

تفسیر نماز » سجده های اولیای خدا

امام صادق علیه السلام می فرماید: دلیل آنکه حضرت ابراهیم به مقام خلیل اللّهی رسید، سجده های زیاد او بر خاک بود.(۱)

شبی که بنا شد حضرت علی در جای پیامبراکرم بخوابد تا آن حضرت از تیغ دشمنان در امان بماند، از رسول خدا پرسید: اگر من اینکار را بکنم جان شما به سلامت خواهد بود؟ وقتی پیامبر جواب مثبت داد، حضرت علی لبخندی زد و به شکرانه این توفیق سجده شکر کرد.(۲)

وقتی سر بریده ابوجهل، رهبر مشرکان را به نزد پیامبر آوردند، حضرت سجده شکر کردند.(۳)

امام سجّادعلیه السلام در پایان هر نماز به شکرانه انجام آن سجده شکر می کرد و هرگاه بلائی از او دور می شد و یا میان دو مسلمان را اصلاح می کرد به شکرانه آن سجده می کرد. آن حضرت سجده خود را به قدری طول می داد که غرق در عرق می شد.(۴)

۷۶- چند نکته

تفسیر نماز » چند نکته

۱- جای سجده به قدری ارزش پیدا می کند که در حدیث می خوانیم: پس از نماز بر جای سجده دست بکش و به صورت و بدن خود بکش تا از امراض و آفات و ناگواری ها در امان بمانی.(۵)

۲- سعی کنیم سجده شکر بعد از نماز مغرب را فراموش نکنیم

ص: ۱۴۵

۱- ۲۹۸) بحار، ج ۸۵، ص ۱۶۳.

۲- ۲۹۹) وافی، ج ۸، ص ۸۸۲.

۳- ۳۰۰) جامع الاحادیث، ج ۵، ص ۴۷۵.

۴- ۳۰۱) بحار، ج ۸۵، ص ۱۳۷.

۵- ۳۰۲) سفینهالبحار.

که دعا در آن مستجاب است.(۱) امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بین اذان و اقامه سجده کند و در سجده بگوید: «سَجَدْتُ لَکَ خاضِعاً خاشعاً ذلیلاً» خداوند محبت او را در دل مؤمنان و هیبت او را در دل منافقان قرار می دهد.(۲)

۳- سجده مخصوص خداست و در مقابل هیچکس حتّی پیامبر خدا سجده جایز نیست(۳)، چه رسد به قبور امامان و امام زادگان که بعضی ها به عنوان پابوسی در مقابل آنها به سجده می افتند.

هنگامی که مسلمانان به حبشه هجرت کردند، کفار گروهی را نزد نجاشی فرستادند تا مسلمانان را به کشورش راه ندهد و آنها را اخراج کند. نماینده قریش طبق رسم آن زمان در مقابل نجاشی پادشاه حبشه به سجده افتاد، امّا نماینده مسلمین که جعفر برادر حضرت علی بود سجده نکرد و گفت: ما جز در برابر خدا در برابر احدی سجده نمی کنیم.(۴)

سجده حضرت یعقوب و فرزندانش در برابر حضرت یوسف نیز نه بر یوسف، بلکه برای خداوند بود، لکن به شکرانه نعمت وصال یوسف. «وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّداً»(۵)

ص: ۱۴۶

۱- ۳۰۳) وسائل، ج ۴، ص ۱۰۵۸.

۲- ۳۰۴) وسائل، ج ۴، ص ۶۳۳.

۳- ۳۰۵) وسائل، ج ۴ ۹۸۶.

۴- ۳۰۶) مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۴۶۱.

۵- ۳۰۷) سوره یوسف، آیه ۱۰۰.

۷۷- سُبحان اللّه

تفسیر نماز » سُبحان اللّه

نمازگزار در رکوع و سجود، خدا را تسبیح می کند.

هنگامی که آیه «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّک الْعَظیم»(۱) نازل شد پیامبر فرمود: این فرمان را در رکوع خود قرار دهید و بگویید: «سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیم وَ بِحَمْدِهِ»: پروردگار بزرگ من که به ستایش او لب گشوده ام، از هر عیب و نقصی منزّه است. و چون آیه «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّک الْاَعْلی»(۲) فرود آمد، فرمودند: آنرا در سجده قرار دهید و بگویید: «سُبْحانَ رَبِّیَ الْاَعْلی وَ بِحَمْدِهِ»: من

پروردگارِ برترم را همراه با ستایش، تسبیح و تنزیه می کنم.(۳)

۷۸- جایگاه تسبیح

تفسیر نماز » جایگاه تسبیح

تسبیح و تنزیه خدا، ریشه تمام عقاید و تفکرات صحیح اسلامی است:

توحید، یعنی منزّه دانستن خدا از شریک. «سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکوُنَ»(۴)

عدل، یعنی منزّه دانستن خدا از ظلم. «سُبْحانَ اللَّهِ اِنَّا کُنَّا ظالِمینَ»(۵)

۱- ۳۰۸) سوره واقعه، آیه ۷۴.

۲- ۳۰۹) سوره اعلی، آیه ۱.

۳- ۳۱۰) تفسیرالمیزان، ج ۱۹، ص ۱۶۰.

۴- ۳۱۱) سوره طور، آیه ۴۳.

۵- ۳۱۲) سوره قلم، آیه ۲۹.

نبوت و امامت، یعنی منزه دانستن خدا از بی هدفی، بی برنامگی و رهاکردن مردم در دریای هوسها و سلیقه ها. «وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ اِذْ قالُوا ما اَنْزَلَ اللَّهُ عَلی بَشَرٍ مِنْ شَیءٍ»(۱) آنها می گویند خداوند پیامبری نفرستاده، در حقیقت خدا را درست نشناخته اند.

معاد، یعنی منزه دانستن خدا از اینکه آفرینش را پوچ و باطل، و پایان جهان را نابودی قرار دهد. «رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلًا سُبْحانَکَ»(۲)، «اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّما خَلَقْناکُمْ عَبَثاً وَ اَنَکُمْ اِلَیْنا لا تُرْجَعُونَ»(۳) آیا گمان کردید ما شما را بیهوده آفریدیم و بازگشت شما بسوی ما نیست؟ آری خدا از این کار عبث و بیهوده منزّه است.

تسبیح خدا، نه فقط سرچشمه عقاید اسلامی، بلکه مایه بسیاری از کمالات روحی و معنوی است:

سبحان اللّه، سرچشمه رضاست. اگر او را از هر نقصی منزّه بدانیم، به مقدّرات او رضا می دهیم و تسلیم مشیّت حکیمانه او می شویم.

سبحان اللّه، سرچشمه توکل است. کسی که از هر نیازی بدور و از هر ضعف و عجزی منزّه است، چرا بر او تکیه و توکل نکنیم. «سُبْحانَهُ هُوَ الْغَنِّیُ»(۴)

سبحان اللّه، مایه عشق به خداست. ذاتی که از هر عیب و نقص پاک باشد، محبوب انسان است و به او عشق می ورزد.

سبحان اللّه، مقدمه حمد و ستایش خداست. ستایش از ذاتی که هیچ زشتی و ناپسندی در او راه ندارد. لذا در تسبیحات اربعه،

۱- ۳۱۳) سوره انعام، آیه ۹۱.

۲- ۳۱۴) سوره آل عمران، آیه ۱۹۱.

۳- ۳۱۵) سوره مؤمنون، آیه ۱۱۵.

۴- ۳۱۶) سوره یونس، آیه ۶۸.

سبحان اللّه مقدم بر الحمدللّه آمده است.

سبحان اللّه، کلید نجات از همه خرافات و بافته های بشری است. «فَسُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا یَصِفُونَ»(۱)

شاید بخاطر همین جهات است که در قرآن، فرمان به تسبیح الهی بیش از اذکار دیگر آمده است. امر به تسبیح ۱۶ مرتبه، به استغفار ۸ مرتبه، به ذکر خدا ۵ مرتبه و به تکبیر ۲ مرتبه آمده است. آنهم امر به تسبیح در همه حال و زمان، تا انسان دائماً به خدا توجه داشته و او را همواره از هر عیب و نقصی پاک بداند: «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّک قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِها وَ مِنْ آناءِ اللَّیْلِ

فَسَبِّحْ وَ اَطْرافَ النَّهارِ»(۲)

هم بهنگام پیروزی و شادکامی خدا را تسبیح کنید: «اِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحِ... فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّک»(۳) و هم در اوج گرفتاری و سختی که تسبیح مایه نجات است: «فَلَوْلا اَنَّه کانَ مِنَ الْمُسَبِّحینَ . لَلَبِثَ فی بَطْنِهِ اِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ»(۴) اگر نبود اینکه او (حضرت یونس) از تسبیح گویان بود، تا روز قیامت در شکم ماهی حبس می شد.

آری، انسان بخاطر محدودیت های فراوان هرگز نمی تواند خدا را بشناسد، پس بهتر است که به ضعف خود اقرار کند و بگوید: تو از اینکه دست فکر و خیال به تو رسد، منزّهی و از آنچه دیگران توصیف کنند برتری. «سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یَقُولُونَ عُلُوّاً کَبیراً»(۵) تنها بندگان مخلص خدا هستند که با راهنمایی و امداد الهی می توانند

۱- ۳۱۷) سوره انبیا، آیه ۲۲.

۲- ۳۱۸) سوره طه، آیه ۱۳۰.

۳- ۳۱۹) سوره نصر.

۴- ۳۲۰) سوره صافات، آیات ۱۴۳ - ۱۴۴.

۵- ۳۲۱) سوره اسراء، آیه ۴۳.

خداوند را معرفی کنند. «سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ . اِلاَّ

عِبادَ اللَّهِ الْمُخْلَصینَ»(۱)

۷۹- پاداش تسبیح

تفسیر نماز » پاداش تسبیح

امام صادق علیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل می کند که وقتی بنده ای «سُبْحانَ اللَّهِ» می گوید، هرچه زیر عرش الهی است همراه او تسبیح می گوید و به گوینده این کلمه ده برابر پاداش می دهند و وقتی «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ» می گوید، خداوند نعمت های دنیا را بر او ارزانی می دارد تا با خدا ملاقات کند و بر نعمت های آخرت وارد شود.(۲)

۸۰- تسبیح عملی

تفسیر نماز » تسبیح عملی

امام صادق علیه السلام می فرماید: یکی از سخت ترین و مهم ترین اموری که خداوند بر خلق خود لازم کرده، ذکر کثیر است، آنگاه فرمود: منظورم ذکرِ «سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمدُ لِلَّهِ وَ لااِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَ اللَّهُ اَکْبر» نیست، گرچه این هم جزء آن است، لکن مرادم «ذِکْرُ اللَّهِ عِنْدَ ما اَحَلَّ وَ حَرَّمَ» یاد خدا بهنگام کارهاست، اگر کاری اطاعتِ خداست، انجام دهد و اگر معصیت اوست

ترک کند.(۳)

۸۱- تکرار تسبیح

تفسیر نماز » تکرار تسبیح

شخصی وارد خانه امام صادق شد. آن حضرت را در حال رکوع دید که به تسبیح خدا مشغول است و تا ۶۰ مرتبه تسبیح را تکرار

۱- ۳۲۲) سوره صافّات، آیات ۱۵۹ - ۱۶۰.

۲- ۳۲۳) وسائل، ج ۷، ص ۱۸۷.

۳- ۳۲۴) کافی، ج ۲، ص ۸۰.

کرد و در سجده تا ۵۰۰ مرتبه.(۱)

تکرار تسبیح، نه فقط در نماز، بلکه در مناسک حج مطرح است. هنگام نظر به حجرالاسود، بهنگام سعی بین صفا و مروه و موارد دیگر تکرار تسبیح سفارش شده است.

چنانکه در نماز، علاوه بر ذکر رکوع و سجود، در رکعت سوّم و چهارم نیز تکرار تسبیحات اربعه آمده است که طبق روایات شیعه و سنّی مراد از باقیات الصالحات در آیه ۴۶ سوره کهف، همین تسبیحات اربعه است.(۲) چنانکه به فرموده علی علیه السلام ذکر حضرت ابراهیم بهنگام ساختن خانه کعبه، «سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لااِلهَ اِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ اَکْبر» بوده است.(۳)

۸۲- ذکر خدا در فرهنگ نیاکان ما

تفسیر نماز » ذکر خدا در فرهنگ نیاکان ما

حال که بحث بدینجا رسید مناسب است نظری به جایگاه ذکر خدا در فرهنگ اسلامی پدران خود بیفکنیم و ارزش آنرا دریابیم:

پدران و مادران با ایمان ما بهنگام تعجب می گفتند «ما شاءَ اللَّهُ»، «سُبْحانَ اللَّهُ». بهنگام ورود به خانه می گفتند: «یا اَللَّهُ» و در وقت جدا شدن از یکدیگر: «خداحافظ». هنگام برخاستن از جا «یا عَلی». برای رفع خستگی کار می گفتند: «خدا قوّت». در پاسخ احوالپرسی می گفتند: «اَلْحَمْدُ لِلَّهِ» و هنگام تعارف برای غذا: «بِسْمِ اللَّهِ» و در پایان غذا، دعای سفره و تشکر از خدا.

مادربزرگ ها هم قصّه را چنین آغاز می کردند: یکی بود یکی نبود،

ص: ۱۵۲

۱- ۳۲۵) وافی، ج ۲، ص ۱۰۷.

۲- ۳۲۶) تفسیرالمیزان، ج ۱۳، ص ۵۴۰.

۳- ۳۲۷) وسائل، ج ۴، ص ۱۲۰۷.

غیر از خدا هیچکس نبود.

روشن است که تنفّس در این فضا و تربیت در این دامان، همیشه و همه جا یاد خدا را در دلها، و نام او را بر زبانها جاری می سازد. اما دورانی سیاه بر ما گذشت که با فراموش شدن نام خدا، در و دیوار شهرها و حتی روی لباسها، همه و همه جلوه هایی از فرهنگ غرب و عکس هنرپیشه ها گشت. ولی در سایه انقلاب بار دیگر سیمائی از ذکر خدا بر دیوار شهرها و خیابان ها و تابلوها نقش بسته است.

۸۳- تسبیح موجودات

تفسیر نماز » تسبیح موجودات

همه هستی، از آسمان های هفتگانه و زمین و آنچه بین آنهاست، تسبیح گوی اویند.(۱) چه جاندار چون پرنده و چه بی جان چون کوه(۲) و رعد و برق.(۳) آنهم تسبیحی آگاهانه و از روی شعور!

«کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبیحَهُ»(۴)

تسبیح فرشتگان به قدری گسترده است که پیامبر می فرمود: در آسمان ها یک وجب نیست مگر آنکه فرشته ای در حال نماز و تسبیح است.(۵)

امام صادق علیه السلام می فرماید: هرگاه حضرت داود زبور می خواند، کوه و سنگ و پرنده ای نبود جز آنکه هم آوای او می شدند.(۶)

در روایات به ما سفارش شده است به صورت چهارپایان نزنید

۱- (۳۲۸) سوره جمعه، آیه ۱.

۲- (۳۲۹) سوره انبیا، آیه ۷۹.

۳- (۳۳۰) سوره رعد، آیه ۱۳.

۴- (۳۳۱) سوره نور، آیه ۴۱.

۵- (۳۳۲) تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۵۵۸۱.

۶- (۳۳۳) تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۴۴۴.

زیرا آنها در حال تسبیح اند.(۱)

گر تو را از غیب چشمی باز شد

با تو ذرّات جهان همراز شد

نطق آب و نطق خاک و نطق گل

هست محسوس حواس اهل دل

جمله ذرّات عالم در نهان

با تو می گویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیریم و هوشیم

با شما نامحرمان ما خاموشیم

دسته ای گنجشک جیک جیک کنان از مقابل امام سجادعلیه السلام عبور کردند، حضرت رو به اطرافیان کرده و فرمودند: مرغان هر صبح خدا را تسبیح گویند و قوت روزشان را مسألت بنمایند.(۲)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: مرگ حیوانات زمانی است که تسبیح خدا را ضایع کنند.(۳)

بعضی گفته اند: مراد از تسبیح و سجده موجودات، معنای مجازی است نه حقیقی. همانگونه که یک تابلو زیبا بر ذوق سرشار نقاش و یک دیوانِ شعر، بر قریحه شاعر شهادت می دهد، ساختمان اسرارآمیز موجودات بر علم و قدرت و حکمت و دقت خداوند

۱- ۳۳۴) تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۶۸.
۲- ۳۳۵) تفسیرالمیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۶.
۳- ۳۳۶) تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۳.

گواهی می دهند و او را از هر عیب و نقصی بدور می دارند، و این همان معنای تسبیح موجودات است.

در حالی که اوّلاً هیـچ دلیل و شاهدی بر این معنی نداریم و ثانیاً در جایی باید دست به تأویل و تحلیل بزنیم که معنای ظاهری لفظ امری محال باشد، نظیر آیه «یَدُ اللّٰهِ فَوْقَ اَیْدیهِمْ»(۱) که می دانیم محال است خدا دست داشته باشد و لذا می گوییم: مراد از «یَدُ اللّٰهِ»، دست قدرت الهی است. اما به صرف اینکه معنایی را نفهمیم حق نداریم دست به تأویل بزنیم.

چگونه دست به تأویل بزنیم، با آنکه خود قرآن می فرماید: «وَ اِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لٰکِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبیحَهُمْ»(۲) در هستی چیزی نیست جز آنکه ستایش کنان تسبیح خدا کند و لکن شما تسبیح آنها را درک نمی کنید و درنمی یابید.

چگونه دست به تأویـل بزنیم، درحـالی که قرآن می فرمایـد: «وَ ما اُوتیتُمْ مِنَ الْعِلْمِ اِلَّا قَلیلًا»(۳) بهره شـما از علم و دانش بسیار اندک است.

بارها در قرآن از قول پیامبر که وابسته به علم بی نهایت است، می خوانیم که می فرمود: «اِنْ اَدْری»(۴) یعنی من نمی دانم. اگر ما هم بگوییم نمی دانیم و نمی فهمیم چه می شود؟

جـالب آنکه خداونـد این جهل و نادانی را صـریحاً به ما اعلام کرده است: «وَ لٰکِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبیحَهُمْ» اما بشـر مغرور حاضـر نیست

۱- ۳۳۷) سوره فتح، آیه ۱۰.

۲- ۳۳۸) سوره اسراء، آیه ۴۴.

۳- ۳۳۹) سوره اسراء، آیه ۸۵.

۴- ۳۴۰) این جمله ۴ بار در قرآن تکرار شده است، از جمله: سوره انبیاء، آیه ۱۰۹.

بگوید: اسرار هستی را که از جمله آن تسبیح موجودات است نمی فهمم.

مگر قرآن با صراحت نمی گوید هدهد از خورشیدپرستی قوم سبا آگاه شد و آنرا به حضرت سلیمان خبر داد و گفت: پادشاه منطقه سبا خانمی است که بر تخت بزرگی تکیه کرده و مردم او خورشیدپرستند.(۱)

هُدهُد در هوا کجا و نام زمین کجا، شناخت زن از مرد، شاه از رعیت، شرک از توحید و امثال اینها همه و همه نشانه های شعور موجودات است.

مگر قرآن نمی گوید: یکی از مورچه ها به سایر مورچه ها گفت: به لانه های خود بروید که ارتش سلیمان در حال عبور است و نفهمیده شما را لگدمال می کنند.(۲)

در این آیات، شناخت حرکت انسان ها ونام آنها (سلیمان) و شغل آنان (نظامی) وعدم توجه آنها به زیر پای خود، ودلسوزی آن مورچه نسبت به سایر مورچه ها، از جمله مسائلی است که ما را به قدرت درک و شعور هستی آشنا می سازد و اگر وجود شعور را پذیرفتیم که باید به نصّ قرآن بپذیریم، دیگر لزومی برای توجیه و تحلیل تسبیح موجودات باقی نمی ماند.

۱- ۳۴۱) سوره نمل، آیات ۲۲ - ۲۷.

۲- ۳۴۲) سوره نمل، آیه ۱۸.

۸۴- قنوت

تفسیر نماز » قنوت

قنوت، در لغت به معنای اطاعت همراه با خضوع است. چنانکه خداوند خطاب به حضرت مریم می فرماید: «یا مَرْیَمُ اقْنُتی لِرَبِّک»(۱)

اما مراد از قنوت درنماز، همان دعائی است که در رکعت دوّم هر نماز می خوانیم. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «و تَبَتَّلْ اِلَیْهِ تَبْتیلًا»(۲) می فرماید مراد از «تبتّل» آن است که در نماز دستها را به دعا بلند کنیم.(۳) «تبتّل» در لغت بمعنای قطع امید از غیرخداست.(۴)

قرآن که به ما سفارش می کند: «اُدْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً»(۵) پروردگار خویش را در حال زاری و نهان بخوانید، یکی از نشانه های تضرّع و زاری بدرگاه الهی، دست بلندکردن به دعاست.(۶) انسان فقیر دست خود را بسوی بی نیاز مطلق دراز می کند و فقط از او می خواهد و دل از غیر او می شوید.

گرچه قنوت در نماز مستحب است، اما به قدری مورد توجه است که امام رضاعلیه السلام در نامه ای به مأمون می نویسند: قنوت یک سنّت واجب در تمام نمازهای شبانه روزی است(۷)، که البتّه مراد

۱- ۳۴۳) سوره آل عمران، آیه ۴۳.
۲- ۳۴۴) سوره مزمّل آیه ۸.
۳- ۳۴۵) وسائل، ج ۴، ص ۹۱۲.
۴- ۳۴۶) مفردات راغب.
۵- ۳۴۷) سوره اعراف، آیه ۵۵.
۶- ۳۴۸) معانی صدوق، ص ۳۶۹.
۷- ۳۴۹) بحار، ج ۸۲، ص ۱۹۷.

امام تأکید بر اهمیت قنوت است. چنانکه اگر انسان آنرا قبل از رکوع فراموش کرد، مستحب است بعد از رکوع قضا نماید و اگر در سجده یادش آمد بعد از سلام آنرا قضا کند.

در آداب قنوت آمده است: دستها را تا برابر صورت بالا بیاورید، کف دستها رو به آسمان باشد، دو دست را کنار هم قرار دهید و بجز انگشت شصت، باقی انگشتان را بهم بچسبانید. بهنگام خواندن دعا به کف دست خود نگاه کنید و دعا را بلند بخوانید، البتّه نه به حدّی که امام جماعت آن را بشنود.(۱)

قنوت، دعای خاصی ندارد و انسان می تواند هر دعایی بخواند، چنانکه لازم هم نیست دعا به عربی باشد و می توان در قنوت، حاجات خود را به فارسی هم بیان کرد. البتّه روشن است که دعاهای قرآنی و یا دعاهائی که معصومین علیهم السلام در قنوت خود می خوانده اند از فضیلت و اولویّت خاصی برخوردارند.

۸۵- قنوت نمازهای مختلف

تفسیر نماز » قنوت نمازهای مختلف

تعداد قنوت در نمازها یکسان نیست، نمازهای پنجگانه هرکدام یک قنوت، آنهم قبل از رکوع رکعت دوم دارند. اما نمازجمعه که دو رکعت است دو قنوت دارد، یکی قبل از رکوع رکعت اوّل و یکی بعد از رکوع رکعت دوّم.

در نماز عید فطر و عید قربان که دو رکعت است، ۹ قنوت می خوانیم، ۵ قنوتِ پشت سرهم قبل از رکوع رکعت اوّل و ۴ قنوت

ص: ۱۵۹

۱- ۳۵۰) مسائل قنوت در توضیح المسائل.

پشت سرهم در رکعت دوّم، که البتّه برای این قنوتها، دعای خاصی وارد شده است.

حتی در نماز آیات که دو رکعت است و در هر رکعت ۵ رکوع دارد، مستحب است قبل از رکوعهای دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت خوانده شود، گرچه یک قنوت قبل از رکوع دهم کافی است.

نماز وتر که یک نماز یک رکعتی است و در پایان نماز شب خوانده می شود، قنوتی طولانی دارد و دعاهای بسیاری در آن وارد شده است، از قبیل ۷۰ مرتبه استغفار، ۳۰۰ مرتبه «اَلْعَفوْ» و دعا به چهل مؤمن.

نماز باران نیز همچون نماز عید، در رکعت اوّل ۵ قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد.

به هرحال طول دادن قنوت مستحب است. ابوذر از پیامبرصلی الله علیه وآله پرسید: کدام نماز بهتر است؟ حضرت فرمودند: نمازی که قنوتش طولانی تر باشد و کسی که قنوتش را طولانی تر بخواند در مواقف قیامت راحت تر است.(۱)

۸۶- قنوت معصومین

تفسیر نماز » قنوت معصومین

ابن مسعود، دلیل مسلمان شدنش را مشاهده نماز سه نفری پیامبراکرم و حضرت علی و حضرت خدیجه و قنوت طولانی

۱- ۳۵۱) بحار، ج ۸۲، ص ۲۰۰.

آنها می داند.(۱)

در سلامی که در زیارت آل یس به حضرت مهدی عجل اللّه تعالی فرجه می دهیم، می گوییم: «اَلسَّلامُ عَلَیْک حینَ تُصَلّی وَ تَقْنُتْ» سلام بر تو هنگامی که به نماز و قنوت می ایستی.

برای هر کدام از معصومین علیهم السلام دعاهایی طولانی در قنوت نقل شده که فرصت نقل آنها نیست و جای تعجب است که چرا قنوت با این همه برکاتش در میان برادران اهل سنت تعطیل شده، مگر حضرت علی و خلفای راشدین در نماز قنوت نمی خواندند؟

در قنوت فقط به فکر خود و حاجات خود نباشیم. از حضرت زهراعلیها السلام یاد بگیریم که می فرمود: «اَلْجار ثُمَّ الدّار»(۲) ابتدا به فکر همسایه ات باش آنگاه خانواده خود. زیرا خداوند وعده فرموده است کسی که برای دیگران دعا کند خداوند حاجات خود او را هم برآورده می سازد. در قنوت علیه دشمنان دین دعا کنیم و پیروزی اسلام و مسلمین را از خدا بخواهیم. پیامبراکرم در قنوت خود گروهی را با نام و مشخصات

نفرین می کرد و حضرت علی علیه السلام در قنوت نمازش به معاویه و عمروعاص لعن می کرد.(۳) به هرحال تولّی و تبرّی جزء دین، بلکه اساس دین ماست: «هَل الدّین اِلاَّ الْحُبّ وَالْبُغْض»(۴)

۱- (۳۵۲) بحار، ج ۳۸، ص ۲۸۰.

۲- (۳۵۳) بحار، ج ۴۳، ص ۸۱.

۳- (۳۵۴) بحار، ج ۸۲، ص ۲۰۱.

۴- (۳۵۵) بحار، ج ۶۸، ص ۶۳.

۸۷– تشهّد

تفسیر نماز » تشهّد

«اشهد ان لااله الاّ اللّه واشهد انّ محمّداً عبده و رسوله

اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد»

از واجبات نماز تشهد است که در رکعت دوم و آخر نماز خوانده می شود. در تشهّد، به یگانگی خداوند و رسالت پیامبرش حضرت محمّدصلی الله علیه وآله شهادت و گواهی می دهیم. گرچه در اذان و اقامه، بارها به این دو امر گواهی داده ایم، امّا آن شهادت بهنگام ورود به نماز بود و این گواهی بهنگام خروج از نماز.

این همه تکرار حکیمانه است، زیرا انسان خیلی زود دچار غفلت و فراموشی می شود و ولیّ نعمت خود را فراموش می کند و این جملات همچون طنابی است که کشتی انسان را در امواج حوادث حفظ می کند.

۸۸– شعار توحید

تفسیر نماز » شعار توحید

«لا اله الاّ اللّه»، اولین شعار همه انبیاست.

«لا اله الاّ اللّه» آن گواهی است که همه صاحبان علم همگام با فرشتگان به آن اقرار دارند: «شَهِدَ اللَّهُ لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ وَالْمَلائکَهُ وَ اوُلُوا

الْعِلْمِ»(۱)

«لا اله الاّ اللّه»، کلمه ای است که هر مسلمانی بهنگام تولد در گوش خود می شنود و بهنگام مرگ با آن تشییع و در قبر به او تلقین می شود.

«لا اله الاّ اللّه»، محبوب ترین کلمات در نزد خداوند و سنگین ترین عمل در میزان است.(۲)

«لا اله الاّ اللّه»، دژ محکم الهی است که هرکس در آن داخل شد از عذاب در امان است. «کَلِمَهُ لا اِلهَ اِلَّا الّهُ حِصْنِی دَخَلَ حِصْنی اَمِنَ مِنْ عَذابی»(۳)

«لااله الاّ اللّه»، مرز میان کفر و اسلام است و هر کافری با گفتن آن در امان اسلام درمی آید. پیامبراکرم از مسلمانی که به گفتنِ «لا اله الاّ اللّه» یکی از سربازان دشمن اعتنایی نکرد و او را کشت، انتقاد کردند و فرمودند: با اظهار این کلمه هر کسی در امان است، گرچه ندانیم در بیان آن صادق است یا نه.(۴)

«لا اله الاّ اللّه»، شعار مسلمین بهنگام عبور از صراط قیامت است.(۵)

در تاریخ می خوانیم که ابوجهل به پیامبر گفت: آیا ما ۳۶۰ بت را رها کنیم و یک خدا را بپذیریم؟ ما حاضریم ۱۰ کلمه بگوییم اما این یک جمله را نگوئیم. ولی پیامبر فرمود: همین جمله است که شما را به عزت و قدرت می رساند و شما را

۱- ۳۵۶) سوره آل عمران، آیه ۱۸.

۲- ۳۵۷) بحار، ج ۹۳، باب التهلیل و فضله.

۳- ۳۵۸) بحار، ج ۳، ص ۱۳.

۴- ۳۵۹) اشاره به، آیه: «ولا تقولوا لمن القی الیکم السّلام لست مؤمناً». سوره نساء، آیه ۹۴.

۵- ۳۶۰) جامع الاحادیث، ج ۱، ص ۱۸۸.

بر تمام امّت ها برتری می دهد.(۱)

نگاهی به دعای عرفه امام حسین علیه السلام و خطبه امام سجادعلیه السلام در شام، این حقیقت را بهتر روشن می کند که اولیای خدا با تمام وجود این شهادت را می دادند و حتی زمین و زمان را بر این شهادت خود، گواه می گرفتند.

در تشهد به جمله «لا اله الاّ اللّه» اکتفا نمی کنیم بلکه می گوییم: «وَحْدَهُ لا شَریکَ لَه» یعنی احدی با او شریک نیست، نه در آفریدن، نه در اداره کردن و نه در قانونگذاری: «وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَریک فِی الْمُلْک»(۲)

بندگی خدا بالاترین افتخار برای اولیای خداست: «کَفی بی عِزّاً اَنْ اَکوُنَ لَک عَبْداً»(۳)

بندگی خدا برابر است با آزادگی انسان از همه قیود و وابستگی ها و دلبستگی ها، و لذا چنان قدرتی به انسان می دهد که از هیچ ابرقدرتی نمی هراسد. همسر فرعون بخاطر آنکه بنده خدا بود، به چنان عنصر نفوذناپذیری تبدیل شد که زر و زور فرعونی در او اثر نکرد و با آنکه فرعون، همه را به بردگی کشیده بود، اما او تنها بنده خدا بود و کارش بجائی رسید که الگوی همه مردان و زنان مؤمن تاریخ گشت:

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذینَ آمَنوُا امْرَأَهَ فِرْعَوْن»(۴)

به هرحال شهادت به عبودیتِ پیامبر، مقدم بر شهادت به رسالت آن حضرت است و این خود درسها و پیامها دارد. «اشهد انّ محمّداً عبده

۱- ۳۶۱) فرازهایی از تاریخ اسلام، ص ۱۱۱.
۲- ۳۶۲) سوره اسراء، آیه ۱۱۱.
۳- ۳۶۳) بحار، ج ۷۷، ص ۴۰۲.
۴- ۳۶۴) سوره تحریم، آیه ۱۱.

و رسوله»

شـهادت به رسـالت، به معنـای نفی تمـام مکـاتب بشـری است. به معنای قبول جاودانگی و جهانی بودن رسالت خاتم پیامبران است. به معنای نفی همه از طاغوت هاست.

شهادت به رسالت حضرت محمّدصلی الله علیه وآله، پیمانی است که خداوند از همه پیامبران گرفته است که اگر رسالت او را نمی پذیرفتند به نبوّت نمی رسیدند.(۱) بنابراین تنها من نیسـتم که می گویم: «اشهد ان محمداً عبده و رسوله» بلکه همه انبیا به آن قرار دارند.

۸۹- توحید ناب

تفسیر نماز » توحید ناب

آنچه که امروزه اکثر خداپرسـتان را گرفتار کرده آن است که به زبان «لااله الاّ اللّه» می گویند، اما در عمل به سراغ غیر او می روند و عزت و قدرت را در جایی دیگر جستجو می کنند. از غیر او اطاعت می کنند و به غیر او عشق می ورزند.

راستی که شـرک، ظلم بزرگی به خود و بی ادبی به ذات مقدس اوست. «اِنَّ الشِّرك لَظُلْمٌ عَظیمٌ»(۲) زیرا شریک داشتن نشانه ضعف و عجز و ناتوانی در انجام کارها و وجود شبیه و نظیر است که اینها در مورد خداوند معنی ندارد.

۱- ۳۶۵) سوره آل عمران، آیه ۸۱.

۲- ۳۶۶) سوره لقمان، آیه ۱۳.

۹۰- شهادت به رسالت

تفسیر نماز » شهادت به رسالت

«وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدَهُ وَ رَسُولُه» و گواهی می دهم که محمّد بنده و رسول اوست.

بندگی بالاترین مقام انبیا، بلکه مقدمه مقام رسالت و نبوّت است: «عَبْدُهُ وَ رَسُولُه»

عبودیت است که پیامبر را به معراج می برد: «سُبْحانَ الَّذی اَسْری بِعَبْدِهِ»(۱) و وحی آسمانی را بر او نازل می کند: «نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا»(۲)

خداوند نیز پیامبرانش را به بندگی خود ستایش می کند، در مورد حضرت نوح علیه السلام می فرماید: «اِنَّهُ کانَ عَبْداً شَکُوراً»(۳) و درباره حضرت داودعلیه السلام «نِعْمَ الْعَبْدُ»(۴)

یکی از تفاوت های انبیا با نوابغ و مخترعین آنست که آنها نبوغ و خلاقیت خود را در اثر تیزهوشی و پشتکار و تمرین بدست آورده اند، امّا انبیا معجزات خود را در اثر بندگی خدا و در سایه لطف خدا پیدا کرده اند و بندگی منشأ همه مقامات انبیاست.

اقرار به عبودیّت پیامبران، ما را از هرگونه غلوّ و افراط و زیاده روی در مورد مقامات اولیای خدا بازمی دارد، تا بدانیم پیامبر هم که برترین فرد خلق است، بنده خداست.

ناگفته پیداست این شهادت باید از روی صدق و حقیقت باشد وگرنه منافقین هم در نزد پیامبر شهادت به رسالت می دادند و قرآن می فرماید: خداوند شهادت می دهد که تو رسول او هستی، اما

۱- ۳۶۷) سوره اسراء، آیه ۱.

۲- ۳۶۸) سوره بقره، آیه ۲۳.

۳- ۳۶۹) سوره اسراء، آیه ۳.

۴- ۳۷۰) سوره، ص، آیه ۳۰.

منافقان دروغ می گویند، زیرا گواهی آنان صادقانه نیست.(۱)

۹۱- صلوات

تفسیر نماز » صلوات

بدنبال شهادت به توحید و رسالت، بر محمّد و آل او صلوات می فرستیم.

صلوات، نشانه محبّت، مؤدّت و وفاداری به خاندان پیامبر گرامی اسلام است، که قرآن آنرا اجر رسالت پیامبر دانسته است.(۲)

صلوات، صیقل دهنده روح زنگار گرفته انسان است(۳) و نفاق را از بین می برد.(۴) صلوات، عاملی برای محو گناهان(۵)، وسیله ای برای گشایش درهای آسمان(۶)، سبب استغفار و دعای فرشتگان در حق انسان(۷)، وسیله ای برای تقرّب به پیامبر در قیامت و دریافت شفاعت اوست.(۸) خوش عاقبت کسی است که آخرین کلامش در دنیا صلوات باشد.(۹)

خداوند ابتدا خود بر پیامبر صلوات می فرستد و سپس به ما دستور صلوات می دهد: «اِنَّ اللّٰهُ وَ مَلائکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلیَ النَّبِی یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً»(۱۰) یعنی همانا خداوند و فرشتگان بر محمّد صلوات

۱- (۳۷۱) سوره منافقون، آیه ۱.

۲- (۳۷۲) سوره شوری، آیه ۲۳.

۳- (۳۷۳) وسائل، ج ۴، ص ۱۲۱۶.

۴- (۳۷۴) کافی، ج ۲، ص ۴۹۲.

۵- (۳۷۵) بحار، ج ۹۴، ص ۵۴.

۶- (۳۷۶) وسائل، ج ۴، ص ۱۲۲۰

۷- (۳۷۷) مرآه العقول، ج ۱۲، ص ۱۰۹.

۸- (۳۷۸) بحار، ج ۹۴، ص ۶۳.

۹- (۳۷۹) وسائل، ج ۴، ص ۱۲۱۶.

۱۰- (۳۸۰) سوره احزاب، آیه ۵۵.

می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید شما نیز بر او صلوات و سلام بفرستید و تسلیم محض او باشید.

از این آیه و روایات ذیل آن نکاتی در مورد صلوات بدست می آید:

الف: صلوات، احترام زبانی است ولی مهم تر از آن اطاعت عملی است که جمله «سَلِّمُوا تَسْلیماً» به آن اشاره دارد.

ب: صلواتِ خدا و فرشتگان دائمی است: «یُصَلُّون»

ج: صلواتِ خداوند کرامت و صلوات فرشتگان رحمت و صلوات مردم دعاست.

د: در روایات آمده: خداوند به حضرت موسی خطاب کرد بر محمّد و آل او صلوات فرست، زیرا که من و فرشتگانم بر او صلوات می فرستیم.(۱)

ه: رسول خدا فرمود: یاد خدا عبادت است و یاد من نیز عبادت است، چنانکه یاد جانشین من علی بن ابیطالب علیهما السلام نیز عبادت است.(۲)

و: در روایات آمده: برای استجابت دعا قبل از دعا صلوات بفرستید.(۳) نه تنها گفتن صلوات بهنگام شنیدن نام آن حضرت بلکه نوشتن آن، بدنبال نام آن حضرت ثواب دارد و پیامبر می فرمود: کسی که در کتاب خود بر من صلوات بفرستد، تا زمانی که نام من در این کتاب است فرشتگان برای او استغفار می کنند.(۴)

ص: ۱۷۰

۱- ۳۸۱) تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۳۰۵.

۲- ۳۸۲) بحار، ج ۹۴، ص ۶۹.

۳- ۳۸۳) بحار ج ۹۴ ص ۶۴.

۴- ۳۸۴) بحار، ج ۹۴، ص ۷۱.

۹۲- چگونگی صلوات

تفسیر نماز » چگونگی صلوات

در کتب اصلی اهل سنت از پیامبراکرم صلی الله علیه وآله نقل شده است که بهنگام صلوات، حتماً نام آل محمّد را در کنار پیامبر بیاورید وگرنه صلوات شما ابتر و ناقص است.(۱)

در تفسیر در المنثور از کتاب های صحیح بخاری و مسلم و ابی داود و ترمذی و نسائی و ابن ماجه که از مهم ترین کتب اهل تسنن است نقل شده است، که شخصی به پیامبراکرم گفت: ما می دانیم چگونه بر تو سلام کنیم، امّا صلوات بر تو چگونه است؟

پیامبر فرمودند: چنین بگوئید: «اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عَلی آلِ مُحَمَّدَ کَما صَلَّیْتَ عَلی اِبْراهیم وَ آلِ اِبْراهیم اِنَّک حَمیدٌ مَجیدٌ»(۲)

شافعی امام مذهب شافعیان این مطلب را به شعر درآورده و می گوید:

یا اَهْلَ بَیْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّکُمُ

فَرْضٌ مِنَ اللَّهِ فِی الْقُرآنِ اَنْزَلَه

کَفاکُمْ مِنْ عَظیمِ الْقَدْرِ اَنَّکُم

مَنْ لَمْ یُصَلِّ عَلَیْکُمْ فَلا صَلوةَ لَه(۳)

ای اهل بیت پیامبر! که محبت شما از طرف خداوند در قرآن آمده است، در بزرگی شما همین بس که هرکس در نماز بر شما صلوات نفرستد نمازش باطل است.

آری یاد آل محمّد در هر نماز، رمز آن است که باید پس از پیامبر به سراغ اهل بیت او برویم نه دیگران. وگرنه بردن نام کسانی که نیاز

۱- ۳۸۵) به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۴۲۰.

۲- ۳۸۶) به نقل از تفسیرالمیزان، ج ۱۶، ص ۳۶۵، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۵۱.

۳- ۳۸۷) الغدیر.

به تداوم راهشان نیست آنهم در هر نماز، کاری لغو می شود.

شخصی خود را به کعبه چسبانده بود و صلوات می فرستاد، اما نام آل محمّد را نمی برد، امام صادق علیه السلام فرمود: این ظلم به ماست.(۱)

پیامبر خدا فرمود: کسانی که آل مرا از صلوات محروم کنند در قیامت از بهشت بوئی نمی برند.(۲) چنانکه جلساتی که نام خدا و یاد پیامبر و آل او در آن نباشد، موجب حسرت در قیامت خواهد بود.(۳)

جالب آنکه در روایات آمده است: هرگاه نام پیامبری از پیامبران خدا برده شد، ابتدا بر محمّد و آل او صلوات بفرستید و سپس بر آن پیامبر درود و ثنا بفرستید.(۴)

پیامبر خدا فرمود: بخیل واقعی کسی است که نام مرا بشنود اما بر من صلوات نفرستد. او جفاکارترین و بی وفاترین مردم است.(۵)

۹۳- سلام

تفسیر نماز » سلام

پس از ذکر صلوات، سه سلام می دهیم: یکی به رسول خدا، یکی به اولیای خدا و یکی به مؤمنان و همکیشان خود.

خداوند در آیه «یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا صَلّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلیماً» بدنبال صلوات، دستور سلام بر پیامبر می دهد، لذا در نماز پس از صلوات بر آن حضرت، بر او سلام می دهیم: «اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكاتُه»

با تکبیرةالاحرام از خلق بریدیم و به خالق پیوستیم. در پایان نماز

۱- ۳۸۸) وسائل، ج ۴، ص ۱۲۱۸.

۲- ۳۸۹) وسائل، ج ۴، ص ۱۲۱۹.

۳- ۳۹۰) کافی، ج ۲، ص ۴۹۷.

۴- ۳۹۱) بحار، ج ۹۴، ص ۴۸.

۵- ۳۹۲) وسائل، ج ۴، ص ۱۲۲۰.

نیز ابتدا به گل سرسبد هستی، یعنی پیامبراکرم صلی الله علیه وآله سلام می کنیم. سپس به بندگان صالح خدا سلام می کنیم:

«اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِ اللّهِ الصّالِحینَ» شامل همه انبیا و اوصیای گذشته و امامان معصوم می شود.

خداوند نیز خود بر پیامبرانش سلام و درود می فرستد: «سلام علی المرسلین»(۱)، «سلام علی نوح»(۲)، «سلام علی ابراهیم»(۳)، «سلام علی موسی و هارون»(۴)

با اسلام خود را با بندگان صالح خدا پیوند می دهیم. پیوند و رابطه ای فراتر از مرزهای زمان و مکان، با همه پاکان و صالحان در طول تاریخ در همه عصرها و نسلها.

آنگاه به مؤمنانِ همراه و همکیش خود در زمان حاضر می رسیم، به آنان که در جماعت مسلمین شرکت کرده اند و با ما در یک صف واحد قرار گرفته اند. به آنان و فرشتگان حاضر در جمع مسلمین و دو فرشته مأمور خود سلام می کنیم: «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکاتُه»

نماز را با نام خدا آغاز کردیم و با سلام به خلق خدا پایان می بریم.

در این سلام ها، سلسله مراتب مراعات شده است، ابتدا رسول خدا، بدنبال او انبیا و اولیا و صالحان و پس از آنها مؤمنان و پیروان.

۱- ۳۹۳) سوره صافات، آیه ۱۸۱.

۲- ۳۹۴) سوره صافات، آیه ۷۹.

۳- ۳۹۵) سوره صافات، آیه ۱۰۹

۴- ۳۹۶) سوره صافات، آیه ۱۲۰.

۹۴– سیمای سلام

تفسیر نماز » سیمای سلام

سلام، نامی از نام های خداست

سلام، تحیّت اهل بهشت به یکدیگر است.

سلام، تحیت فرشتگان بهنگام ورود به بهشت است.

سلام، پیام پروردگار رحیم است.

سلام، پذیرایی شب قدر است.

سلام، اولین حق هر مسلمان بر دیگری است.

سلام، کلید شروع هر کلام و نوشته ای است.

سلام، امان نامه از هرگونه ترس و شرّی است.

سلام، ساده ترین عمل نیک است.

سلام، نشانه تواضع و فروتنی است.

سلام، عامل محبت والفت است.

سلام، اظهار صلح و مسالمت است.

سلام، اولین تحفه و هدیه دو انسان است.

سلام، آرزوی سلامتی برای بندگان خداست.

سلام، دعوت به صلح جهانی است.

سلام، امیددهنده و نشاطآور است.

سلام، برطرف کننده کدورتهای گذشته است.

سلام، اعلام حضور و اجازه برای ورود است.

سلام، بهترین کلام بهنگام ورود و خروج است.

سلام، کلامی است در زبان سبک، اما در میزان سنگین.

سلام، راهگشای مصلحان برای اصلاح جامعه است.

ص: ۱۷۴

سلام، کلامی است که مخاطبش مردگان و زندگانند.

سلام، عامل تعظیم و تکریم است.

سلام، سبب جلب رضای خدا و غضب شیطان است.

سلام، وسیله ادخال سرور در قلوب است.

سلام، کفّاره گناهان و رشددهنده حسنات است.

سلام، پیام آور انس و دوستی است.

سلام، عامل تکبرزدایی و خودخواهی است.

سلام، ادب الهی است.

سلام، استقبال از هر خیر و خوبی است.

سلام، کمالی که ترک آن نشانه بخل و تکبر و انزوا و قهر و قطع رحم است.

سلام، ابر رحمتی است که بر سر مردم می افکنیم و لذا می گوییم: «اَلسَّلامُ عَلَیْکُم» نه «اَلسَّلامُ لَکُم». پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرمود: من تا آخر عمر سلام کردن بر کودکان را ترک نمی کنم.(۱) گرچه سلام کردن مستحب است و پاسخ آن واجب، اما پاداش کسی که ابتدا به سلام کند دهها برابر جواب دهنده است.

در روایات می خوانیم سواره بر پیاده، ایستاده بر نشسته و وارد بر حاضرین مجلس سلام کند.(۲) و قرآن می فرماید: هرگاه مورد تحیت قرار گرفتید، پاسخی گرم تر بدهید: «اِذا حُیِّیْتُمْ بِتَحِیَّهٍ فَحَیُّوا بِاَحْسَنَ مِنْها»(۳)

۱- ۳۹۷) بحار، ج ۱۶، ص ۹۸.

۲- ۳۹۸) بحار، ج ۸۴، ص ۲۷۷.

۳- ۳۹۹) سوره نساء، آیه ۸۱.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹